

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله عز وجل:

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}

خدا فقط می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و کاملاً شما را پاک سازد

(سورة الأحزاب: الآية 33)

تعداد بسیار زیادی از احادیث شریف نبوی در منابع شیعه و سنی بر این امر دلالت دارند که این آیه مبارکه در خصوص پنج تن آل عبا بوده، و واژه «اهل بیت» ویژه ایشان است و اینان: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین[^] می باشند. به عنوان مثال رجوع کنید به:

مسند احمد (241 هـ): 1 : 331، 4 : 107، 6 : 292 و 304؛ صحیح مسلم (261 هـ): 7 : 130؛ سنن ترمذی (279 هـ): 5 : 361 و ...؛ السنن الكبرى نسائی (303 هـ): 5 : 108 و 113؛ الذرية الطاهرة النبوية دولابی (310 هـ): 108؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نيسابوری (405 هـ): 2 : 416، 3 : 133 و 146 و 147؛ البرهان زرکشی (794 هـ): 197؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ابن حجر عسقلانی (852 هـ): 7 : 104؛ اصول الکافی کلینی (328 هـ): 1 : 287؛ الامامة والتبصرة ابن بابويه (329 هـ): 47، ح 29؛ دعائم الاسلام مغربی (363 هـ): 35 و 37؛ الخصال صدوق (381 هـ): 403 و 550؛ الامالی طوسی (460 هـ): ح 438 و 482 و 783. و نیز به تفسیر آیه در منابع زیر ر.ک: جامع البيان طبری (310 هـ): أحكام القرآن جصاص (370 هـ): أسباب النزول واحدی (468 هـ): زاد المسیر ابن جوزی (597 هـ): الجامع لأحكام القرآن قرطبی (671 هـ): تفسیر ابن کثیر (774 هـ): تفسیر ثعالبی (825 هـ): الدر المنثور سیوطی (911 هـ): فتح القدير شوکانی (1250 هـ): تفسیر عیاشی (320 هـ): تفسیر قمی (329 هـ): تفسیر فرات کوفی (352 هـ) ذیل آیه اولوا الامر: مجمع البيان طبرسی (560 هـ) و بسیاری از منابع دیگر.

نقش اهل بیت ^

در بنیان گذاری جماعت صالحان (3)

(سازوکارهای عملی جماعت صالحان)

قال رسول الله ﷺ:

إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً، وإنهما لن يفترقا حتى يردا عليَّ الحوض.

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

من دو [چیز] گرانبسنگ در میان شما برجای می گذارم، کتاب خدا و خاندانم، اهل بیتم، تا زمانی که به این دو تمسک جوئید، هرگز گمراه نخواهید شد و به درستی که این دو هیچگاه از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند.

صحیح مسلم / 7 / 122 * سنن الدارمی / 2 / 432 * مسند أحمد / 3 / 14، 17، 26 وج 4 / 371 وج 5 / 182، 189 * مستدرک الحاکم / 3 / 109، 148، 533 وجز آن.

نقش اهل بیت [^]

در بنیان گذاری جماعت صالحان - 3
(سازوکارهای عملی جماعت صالحان)

آیه الله سید محمد باقر حکیم

مترجم: کاظم حاتمی طبری

مجمع جهانی اهل بیت [^]

1387



• نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان (3)

(سازوکارهای عملی جماعت صالحان)

تالیف: آیه الله سید محمد باقر حکیم

ترجمه: کاظم حاتمی طبری

ویراستاری: مصطفی اسکندری

تهیه کننده: معاونت امور فرهنگی، اداره ترجمه

ناشر: مجمع جهانی اهل بیت [^]

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: 1391 ش / 1433 هـ

تعداد: 3000 نسخه

چاپخانه: اعتماد - قم

شابک: 978-964-529-324-4

شابک دوره‌ای: 3-318-529-964-978

www.ahl-ul-bayt.org

info@ahl-ul-bayt.org

حقوق چاپ محفوظ است

پیش در آمد

در ابتدا لازم است مراد از بحث نظام کلی جماعت صالحان را قدری توضیح دهیم. اهل بیت [^] برای تحقق اهدافی که در جلد اول به آنها اشاره کردیم بر این نکته همت گماشتند که مجموعه‌ای از ساز و کارها و خط مشی‌های کلی و تفصیلی ثابت و متغیر را برای جماعت صالحان مقرر کنند تا در مرحله اول، شخصیت، هویت و وحدت این گروه را حفظ کرده؛ در مرحله دوم، نیازهای آنان را پاسخ گفته، مسئولیت‌ها و ضروریات ایشان را برآورده سازند؛ در مرحله سوم، روابط مختلف داخلی و خارجی برای آنان مشخص کرده؛ در مرحله چهارم، آنان را در مسیر رشد و تکامل به حرکت در آورده؛ و بالأخره در مرحله پنجم، برای شیعیان در برابر خطرات داخلی و خارجی و ضد عملیات کشتار و ستم دشمنان، حلقه حمایتی مستحکمی ایجاد نمایند.

اهل بیت [^] در راه رسیدن به این هدف دو گام اساسی مکمل یکدیگر برداشتند.

گام اول: وضع نموداری کلی برای سیستم و نظام جماعت صالحان است که ابعاد زیر را شامل می‌شود:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

1. ساختار کلی نظام جماعت صالحان و مسئولیت‌ها و واجبات عامی که برای پاسخگویی به نیازمندی‌های آن لازم است.

2. هویت و نقش و مشخصات آن.

3. معین کردن طبیعت روابط کلی، چه در سطح رهبری شرعی و افراد جماعت، یا در سطح روابط داخلی میان افراد جماعت صالحان، یا در سطح روابط خارجی میان افراد جماعت با سایر جمعیت‌ها.

4. خاستگاه‌ها و خط مشی‌های اساسی و اجتماعی که برای حرکت جماعت در مسیر تکامل لازم و ضروری است.

گام دوم: وضع سامانه‌هایی تفصیلی برای رسیدگی به عرصه‌های مختلف مربوط به جامعه صالحان.

در این جلد در هفت بخش، به بحث در باره گام اول و ابعاد چهارگانه آن پرداخته و بحث در رابطه با گام دوم را به جلد های دیگر این کتاب وا می‌گذاریم.

اگر به دیده تحقیق بنگریم، اهل بیت [^] از ابتدا این نظام را به گونه‌ای سازماندهی کردند که در ضمن حکومت و نظام اسلامی و در جامعه عام مسلمان قادر به تحرک و فعالیت بوده، خود را با شرایط مختلف آن سازگار نماید.

1

مرجعیت دینی

سازوکار کلی نظام جماعت صالحان، برگرفته از تئوری امامت است که افراد این جماعت به آن ایمان و اعتقاد کامل دارند. بنابر این تئوری، پس از رحلت پیامبر اکرم ' ولایت امر و پیشوایی مسلمانان، به عهده امامان دوازده گانه از اهل بیت آن حضرت می باشد.⁽¹⁾ و این امامت امتداد حرکت پیامبران است، چه به لحاظ طبیعت و سرشت این مقام، و چه به لحاظ ویژگی های متصدی این مقام، و چه به لحاظ نوع مسئولیت های ولی امر.

اما طبیعت و سرشتش این است که منصبی الهی است و انسان به یکی از دو راه می تواند تصدی آن را عهده دار گردد.

1. این امامان دوازده گانه به ترتیب: حضرت علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین، پسران حضرت علی و فرزندانگان پیامبر خدا ' و پس از آنها علی بن الحسین زین العابدین، محمد بن علی امام باقر، جعفر بن محمد امام صادق، موسی بن جعفر امام کاظم، علی بن موسی امام رضا، محمد بن علی امام جواد، علی بن محمد امام هادی، حسن بن علی امام عسکری، و حضرت مهدی (حجة بن الحسن العسکری⁸) هستند که طبق خبری که جد بزرگوارش پیامبر اکرم ' داده، نامش نام آن حضرت است. ما در اولین کتاب از این مجموعه که امامت نام دارد، از این تئوری، تفسیر، ضرورت و استدلال بر آن به تفصیل بحث کرده ایم، چه اینکه دانشمندان طایفه امامیه نیز در تألیفات خود ادله بسیاری بر آن اقامه نموده اند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

یا از راه تعیین مستقیم از جانب خداوند - مانند پیامبران - یا به صورت تعیین غیر مستقیم - مانند اوصیا و ائمه همان گونه که پیامبر اکرم '، به فرمان خداوند وصیت کرد که پس از وی حضرت علی × امام و پیشوای مردم باشد، و در باره سایر ائمه [^] نیز همین گونه است.

اما از نظر خصوصیات و ویژگی های ولی امر هم در پیامبر و هم در امام منصوب، درجه عالی کمالات شرط شده است که از آن به **عصمت** تعبیر می شود.

و چه از لحاظ نوع مسئولیت ها، وظایف و حقوق متقابل امام و امت، امت موظف به اطاعت از امام بوده، امام نیز بر امت حق ولایت امر داشته و از خود مؤمنان بر آنها سزاوارتر است در مقابل بر امام است که رسالت الهی را به مردم ابلاغ نموده، امت را تزکیه و تربیت کرده، کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، شئون مردم را رعایت نموده، و در امور زندگی، آنان را یاری نماید. در قرآن کریم آمده است:

{هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ} ⁽¹⁾

اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

ساز و کاری که اهل بیت [^] برای تنظیم جماعت صالحان وضع کردند، بر چنین بنیان تئوریکی استوار است. امام، در زمان حضور، حتی اگر زمام امور حکومت را به ظاهر در دست نداشته باشد و به اصطلاح مبسوط الید نباشد، باز هم لازم است که همه صفات و شرایط لازم جهت امامت را دارا بوده، تمام این مسئولیت‌ها و وظایف را تحمل نموده و در مقابل از تمام حقوق امام بر مردم نیز برخوردار می‌باشد، البته به اندازه ای که شرایط زمانی و مکانی به او و جماعت تحت ولایتش برای انجام این کارها اجازه می‌دهد، و در حدی که این حقوق و واجبات با تنگناها و فراخناهای شرایط جامعه تناسب داشته باشد.

در زمان غیبت امام معصوم نیز مجتهد جامع شرایط است که به عنوان میراث دار طبیعی پیامبران و ائمه [^] به ایفای این نقش می‌پردازد؛ چرا که پیامبران و ائمه [^] طلا و نقره و درهم و دینار از خود به میراث نگذاشتند، بلکه از خود دانش و حکمت را به میراث نهادند.

از پیامبر اکرم ' روایت است که فرمود:

الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ وَرَثَتِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ.⁽¹⁾

دانشمندان چراغ‌های روشن‌گر زمین و جانشینان پیامبران هستند، آنان وارثان من و وارثان همه پیامبران‌اند.

از امام صادق × نیز روایت شده است که فرمود:

1. ری شهری، میزان الحکمة 6 / 457 به نقل از: متقی هندی، کز العمال ح 28677.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دَرَهُمَا وَلَا دِينَاراً، وَ
إِنَّمَا أُورِثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ، فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حِطًّا
وَافِرًا، فَانظُرُوا عَلِمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ، فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ
عُدُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ، وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ. (1)

همانا دانشمندان وارثان پیامبران هستند: چرا که پیامبران از خود درهم و
دیناری به جا نگذاشتند، بلکه آنان احادیثی از سخنان خود به جا
گذاشتند، پس هر که به پاره‌ای از آن میراث دست یابد بهره‌ای وافر برده
است، ببینید دانش خود را از که می‌گیرید؟ چرا که در میان ما اهل بیت،
در هر نسل، افرادی عادل هستند که تحریف گزافه گویان، ادعای یهوده
باطل کاران و تأویل نادانان را از آن میراث، دور می‌کنند.

این زنجیره طبیعی خلافت و منصب الهی که بیان داشتیم همان است
که در این آیه کریمه قرآن به آن اشاره شده است:

{إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ
هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ يَمَّا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ
شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ احْشَوْنَ اللَّهَ وَ لا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ
يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ} (2)

ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود، نازل کردیم. پیامبرانی که
تسلیم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند: و

1. کلینی، الکافی 1 / 32 ح 2.

2. مائده / 44.

[همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند. پس، از مردم نترسید و از من بترسید، و آیات مرا به بهای ناچیزی بفروشید؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود کافرانند.

از ابو عمرو زبیری از امام صادق × روایت است که فرمود:

از جمله چیزهایی که افراد را مستحق امامت می‌کند پاکی و طهارت از گناه و نافرمانی خداست؛ گناهان کشنده‌ای که موجب ورود به جهنم است. دیگر شرط امامت، دانش پنهان به همه چیزهایی است که امر امامت از حلال و حرام به دانستن آنها نیازمند است. همچنین دانستن عام و خاص، محکم و متشابه، معارف دقیق، تأویلات غریب و ناسخ و منسوخ کتاب خدا. عرضه داشتیم: به چه دلیل قرآنی امام باید به این مسائل آگاهی کامل داشته باشد؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

این کلام خداوند متعال در باره کسانی که به آنها اجازه حکومت داده و آنان را شایسته این منصب دانسته و می‌فرماید: {ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود، نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند؛ و [همچنین] الهیون و دانشمندان} پس این دسته (الهیون یا ربّانیون) امامان هستند و در رتبه پایین‌تر از پیامبران قرار دارند که دانش خود را برای مردم به میراث می‌گذارند. و اما آحابار، دانشمندان هستند که نسبت به الهیون رتبه پایین‌تری دارند، سپس خداوند متعال خبر داده و فرموده است: {به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

شده و بر آن گواه بودند { و فرموده به سبب آنچه از کتاب خدا در نزد آنها
است.⁽¹⁾

پس مجتهد نماینده طبقه‌ای است که در این آیه کریمه به عنوان احبار از آنها یاد شده است و باید به صفات و ویژگی‌هایی آراسته باشد که در ائمه [^] - که همان ربانیون هستند - مطلوب است، البته به میزانی که با ظرف وجودی او و مسئولیت‌ها و حقوقش تناسب داشته باشد: مسئولیت‌ها و حقوقی چون: دانش شریعت، عدالت سطح بالا، صفات شخصی مناسب، مانند تجربه سیاسی اجتماعی، آشنایی با مصالح و مفاسدی که با حرکت و تکامل جامعه صالحان ارتباط دارد، شجاعت در تصمیم‌گیری‌های سخت، رهبری، همدردی با مؤمنان و الگو بودن برای جامعه. در این صورت همان حقوق امام بر امت نیز برای چنین شخصی ثابت می‌گردد، البته باز هم به همان میزان که متناسب با این سطح از ولایت باشد.

چنین خاستگاهی در فهم و دید نسبت به نظام کلی جماعت صالحان در شناخت زیر شاخه‌ها و اجزای فرعی این نظام امری بس مهم است؛ اجزایی چون مسئولیت‌ها، روابط، سیاست‌ها، ساز و کارها، روش‌ها و موضع‌گیری‌ها که همگی با درک تتوریک از حرکت انبیا و نقش این حرکت در تاریخ بشری و سنت‌های مؤثر در این تاریخ هماهنگ است.

1. الحویزی، نور الثقلین 1 / 634 ح 206 به نقل از: تفسیر عیاشی.

[1] نظام مرجعیت دینی:

ائمّه^۸ بر اساس این زیرساخت نظری، نظام مرجعیت دینی یا ولایت فقیه را پایه ریزی کردند. این نظام، مجتهدی^(۱) را از میان دانشمندان مذهب اهل بیت^۸ - و البته واجد شرایطی که قبلاً بیان کردیم - به عنوان رهبر دینی برای پیروان اهل بیت^۸ منصوب می‌نماید تا وی به انجام وظایف و مسئولیت‌های رهبری قیام کند: مسئولیت‌هایی چون: ولایت که سرپرستی امور مسلمانان است و **افتا** که متکفل بیان مفاهیم رسالت الهی و تشخیص ویژگی‌ها و مسائل دین و ابلاغ آن به مردم و بشارت دادن و بیم دادن آنان است و **قضاوت** که در موارد درگیری‌ها، دعاوی و اصلاح مخاصمات به کار می‌رود.

از بررسی تاریخ اهل بیت^۸ بر می‌آید که آن بزرگواران در همان زمانی که خود شخصاً و به صورت محدود به ایفای نقش امامت می‌پرداختند در زمانی که جماعت صالحان رو به رشد و گسترش نهاد و دامنه فعالیت‌های آن افزایش پیدا کرد، تأسیس چنین نظامی را آغاز کردند تا در آینده یعنی دوران پس از ائمّه^۸ این نظام، زمام امور جماعت را در دست بگیرد.

۱. مجتهد انسانی است که دارای قدرت استنباط حکم شرعی و تشخیص موضع عملی از راه به کار گرفتن ادله و موازین شرعی باشد، آن موازینی که شارع مقدس برای رسیدن به حقایق، احکام و مواضع شرعی مقرر نموده، یا به کارگیری آنها را برای این کار تأیید کرده است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

ائمه [^] این نظام را - چنان که خواهیم دید - در زمان حضور و ظهور خود بنیاد نهادند، تا در زمان خود ائمه [^] از نقشی نسبی در تکوین جماعت صالحان و اداره بعضی از شئون آن برخوردار گردد و به تدریج به نظامی تکامل یافته و مؤثر تبدیل گردد که بتوان بعد از غیبت حضرت مهدی - عجل الله فرجه - بر آن اعتماد و به آن اکتفا نمود.

شاید بتوان گفت که مهم ترین و اساسی ترین نقش سه امام بزرگوار حضرت امام جواد، امام هادی و امام عسکری [^] چنان که در مبحث «نقش جداگانه هریک از امامان در هر عصر» به آن خواهیم پرداخت، محکم کردن و ریشه دار ساختن ارکان این نظام بوده است.

حال برای تکمیل و توضیح چهره مرجعیت دینی، خوب است قدری هم در باره ویژگی هایی که باید مرجع از آن برخوردار باشد، همچنین از وظایفی که چنین مرجعی بار مسئولیت آن را به دوش می کشد و گام هایی که ائمه [^] برای تنظیم این حالت برداشته اند، به بحث پردازیم.⁽¹⁾

[2] شرایط و ویژگی ها

مهم ترین ویژگی هایی که یک مرجع باید به آنها آراسته باشد، سه ویژگی اصلی است که علاوه بر سایر صفات و خصوصیات اساسی همچون عقل، آزادی، ایمان و...، دارا بودن آنها واجب و ضروری است

1. البته بحث مفصل در این رابطه را به مباحث مطرح شده در رابطه با مرجعیت شایسته در یکی از مجلدات این مجموعه وامی گذاریم.

و آن سه ویژگی این است:

1. اجتهاد: اجتهاد این است که مرجع، در باره احکام شرعی از شناخت کافی برخوردار باشد به گونه‌ای که بتواند احکام شرعی را از ادله شرعی چون: قرآن کریم، سنت نبوی که از پیامبر اکرم ' و اهل بیت [^] نقل شده و سایر ادله استخراج و استنباط نموده، قواعد و اصول عملیه‌ای را که شارع مقدس به عنوان راهکار عملی مقرر نموده، به جا و به صورت صحیح به کار گیرد.

این همان ویژگی است که در این آیه به آن اشاره شده است:

{يَمَّا اسْتُحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ}

به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند.

در روایات اهل بیت [^] نیز بر لزوم وجود چنین شناخت و توانایی تأکید شده است، مانند روایتی که در زمینه انتخاب قاضی توسط طرفین دعوا، به سند معتبر از امام صادق \times نقل شده که فرمود:

ينظران إلى من كان منكم ممن قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا و عرف أحكامنا فليرضوا به حكماً.⁽¹⁾

طرفین دعوا کسی را پیدا کنند که احادیث ما را روایت می‌کند، در حلال و حرام ما صاحب نظر بوده و احکام ما را می‌شناسد، در این صورت باید که به حکم او راضی شوند.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 19 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

و چنین است روایت امام باقر × از حضرت امیر المؤمنین × که فرمود:

پیامبر اکرم ' سه مرتبه فرمودند: خداوندا، بر جانشینان من رحمت آور.

به آن حضرت گفته شد: جانشینان شما چه کسانی هستند؟

در پاسخ فرمودند: آنان که پس از من خواهند آمد و احادیث و سنت مرا روایت خواهند نمود.⁽¹⁾

و نیز مانند آنچه در توفیق شریف از حضرت صاحب الزمان - عجل الله فرجه - نقل شده است که فرمود:

و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله.⁽²⁾

و در باره آنچه برای شما روی می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید، که آنان حجت من بر شما بوده و من حجت خدا بر آنان می باشم.

و روایاتی که ائمه [^] در آنها آشکارا شیعیان را به اصحاب مجتهد خود ارجاع داده، یا - چنان که به زودی به مواردی از آن اشاره خواهیم نمود - از مجتهدین اصحاب خود می خواسته اند تا عهده دار منصب افتا گردند.

2. عدالت: فقها عدالت را چنین تعریف کرده اند:

عدالت عبارت است از استقامت در راه راست شریعت مقدس و عدم انحراف از آن به چپ یا راست، به اینکه مثلاً واجبی را ترک کند یا

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 101 ح 7.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 101 ح 9.

بدون عذر شرعی مرتکب حرامی گردد، و از این جهت فرقی میان گناهان صغیره و کبیره نیست.⁽¹⁾

یا: استقامت در خط اسلام به گونه‌ای که هرگز مرتکب گناه کبیره یا صغیره‌ای نشود به شرط اینکه این استقامت در دین برای او به صورت طبیعی و عادی در آمده باشد.⁽²⁾

یا: ملکه نفسانی که غالباً انسان را از افتادن در دام گناهانی باز می‌دارد که خداوند متعال به مرتکب شونندگان آنها وعده آتش داده است. بدین ترتیب پشیمان شدن از ارتکاب گناه به مجرد سکون شهوت یا فروکش کردن غضب با توجه به وقوع معصیت، در آن خللی ایجاد نمی‌کند.⁽³⁾

نظر امام خمینی در کتاب *تحریر الوسیله* نیز نزدیک به همین قول است.⁽⁴⁾

از نظر حضرت آیه الله العظمی حکیم نیز مفهوم ارتکازی عدالت نزد عامه متدینان و مؤمنان این است که آن قسم عدالت که وجود آن در مرجع دینی لازم و ضروری است مرتبه بالایی از عدالت است که نباید به هیچ وجه توسط خشم و شهوت مورد مزاحمت قرار گرفته و یا

1. آیه الله العظمی خویی، *منهاج الصالحین* 1 / 10 چاپ 28.

2. آیه الله العظمی حکیم، *منهاج الصالحین* 1 / 12 حاشیه شهید صدر، چاپ 2.

3. آیه الله العظمی حکیم، *منهاج الصالحین* 1 / 12 و 15 چاپ دار التعارف بیروت با حاشیه شهید صدر.

4. *تحریر الوسیله* 1 / 10.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

شکسته شود، چنان که حتی توبه و پشیمانی هم برای جبران آن سودی ندارد.

آیه الله حکیم پس از این می فرمایند:

انصاف این است که اگر عدالت در شخصی که حائز مقام مرجعیت عام فتوا می شود - که در هر دوره ای برای یک یا چند نفر حاصل می شود - در مرتبه ای بسیار قوی نبوده و از مراقبت و محاسبه دائم برخوردار نباشد، بقای عدالت در مرجع بسیار دشوار است و این مقام محل لغزش گامها و به خطر اندازنده مردان بزرگ است و در این راه تنها باید به خداوند سبحان پناه برد و از او مدد خواست.⁽¹⁾

تأکید بر شرط عدالت شاهد در دادگاه، امام جماعت، امامی که مردم را در جهاد در راه خدا رهبری می کند و موارد دیگر به قدری وارد شده است که علما از مجموع آنها دریافته اند که عدالت در مرجع عام نیز شرط است و همه دانشمندان اسلام بر این امر اتفاق نظر دارند.

سیره عقلانی مورد تأیید شارع مقدس نیز این شرط را تأیید می کند و همه دانشمندان شیعه و سنی بر این نکته اتفاق نظر دارند.⁽²⁾

در حدیث از حضرت ابو جعفر، امام باقر × وارد شده است که فرمود:

1. مستمسک العروة / 1 / 43.

2. ر.ک: منتظری، ولایة الفقیه 1 / 261 - 273، سخنان دانشمندان در این زمینه.

رسول خدا ' فرموده است: امامت جز برای مردی که دارای سه ویژگی باشد سزاوار نیست: تقوایی که او را از محرمات الهی باز دارد، بردباری که با آن بر خشم خود غالب آید، و مردم داری و خوبی با کسانی که تحت سرپرستی او هستند، بدان سان که با آنان مانند پدری مهربان برخورد کند.⁽¹⁾

شیخ کلینی نیز به سند صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: از حضرت امام محمد باقر × شنیدم که می‌فرمود:

ای محمد بن مسلم به خدا سوگند، هر کس از این امت باشد بدون امام آشکار و عادل که از جانب خدا به این مقام منصوب شده باشد، گمراه و سرگشته است و اگر در این حالت بمیرد، به مرگ کفر و نفاق مرده است. و بدان ای محمد، که پیشوایان کفر، از دین خدا به دور بوده، خود گمراهند و دیگران را نیز به گمراهی کشانده‌اند.⁽²⁾

1. کلینی، الکافی 1 / 407 ح 9.

2. کلینی، الکافی 1 / 183 - 184 ح 8.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

3. کفایت: کفایت یا شایستگی عبارت از قدرت و توانایی اداره کاری است که به عهده کسی گذاشته می شود و شامل: عقل کامل، تدبیر، شجاعت، حسن سیاست، مدیریت، دقت و سایر ویژگی هایی است که کفایت به آنها بستگی دارد.

علما در فتوهای خود تأکید دارند که داشتن کفایت نیز در مرجع عام شرط است علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء، کفایت را از شرایط مسلم در نزد فقهاء دانسته و فرموده:

در امام چند چیز شرط است، و در شرط هفتم شجاعت را شرط دانسته، در شرط هشتم گوید: امام باید صاحب رأی و دارای کفایت باشد به علاوه که باید از لحاظ بینایی، شنوایی، گویایی در صحت کامل باشد، کما اینکه شرط شده که باید برترین فرد از اهل زمان خود باشد.⁽¹⁾

در تعدادی از روایات نیز بر این شرط تأکید شده است. از حضرت امیر مؤمنان × نقل شده است که فرمود:

ای مردم، همانا سزاوارترین مردم به حکومت، کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد تا اگر آشوبگری به فتنه برخیزد، به حق بازگردانده شده و اگر سر باز زد با او مبارزه شود.⁽²⁾

همچنین از امیر المؤمنین روایت است که فرمود:

1. منتظری، ولایة الفقیه 1 / 265 به نقل از: تذکرة الفقهاء 10 / 452.

2. نهج البلاغه، عبده 2 / 104، خطبه 173.

دوم اینکه داناترین مردم به حلال و حرام خدا و احکام مختلف الهی، امر و نهی خداوند و همه چیزهایی باشد که مردم به آن نیازمند هستند، بدین ترتیب مردم همواره بدو نیازمند و او همواره بی نیاز از آنان خواهد بود.⁽¹⁾

در صحیح عیص بن قاسم از امام صادق × نیز آمده که فرمود:

به فکر خود باشید، به خدا سوگند اگر مردی از شما در گله گوسفند خود چوپانی داشته باشد؛ اگر ببیند مردی پیدا شده که در امر گوسفند داری از چوپان او خبیره تر است، چوپان خود را اخراج کرده مرد داناتر را به جای او خواهد آورد.⁽²⁾

در بیان صفت قبلی یعنی عدالت، از ویژگی حسن ولایت یا مردم داری و برخورد خوب با افراد تحت سرپرستی سخن به میان آوردیم که این ویژگی را در تحت عنوان کفایت نیز می توان آورد.

روایت دیگری که بر این شرط دلالت دارد روایتی است که اصول کافی از حضرت امام رضا × نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

امام، دانایی است که نادانی در او راه ندارد، و چوپانی است که در امر گله خود کوتاهی نمی کند، ...دانش او رو به تزاید، بردباریش کامل، در امور امامت مسلط و کار کشته، آشنای به سیاست است. پیروی از چنین

1. مجلسی، بحار الانوار 93 / 64.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 35 ح 1.

امامی بر همگان واجب بوده، اوست که امر خدا را به پا می‌دارد، دلسوز بندگان خدا و حافظ دین خداوند است.⁽¹⁾

[3] وظایف و مسئولیت‌ها

وظایف و مسئولیت‌های نظام مرجعیت دینی را می‌توان در سه زمینه ذیل خلاصه نمود:

آفتا(فتوا دادن)، قضاوت و ولایت؛ و هر سه این مسئولیت‌ها - به صورت کلی - با مسئولیت‌های امامت هماهنگ هستند، به ویژه اگر آفتا را به معنای گسترده آن، یعنی بیان و ابلاغ شریعت اسلام با همه احکام، مفاهیم، عقاید و دیدگاه آن نسبت به جهان هستی، تاریخ، سنن و اخلاق بدانیم.

1. افتا

ائمّه [^] در زمینه تنظیم حالت افتا، بیان مفاهیم دینی و ابلاغ آن به جامعه بشری گام‌های چندی برداشتند:

گام اول: تربیت مجتهدان، دانشمندان و محدثان.

ائمّه [^] از راه عنایت خاص نسبت به افرادی که به طلب علم همت گماشته، توانایی درک و دریافت دانش را داشته و از مواهب علمی مناسبی برخوردار بودند، این مهم را به انجام می‌رساندند؛ تا آنجا که این افراد از لحاظ ویژگی‌های علمی و اخلاقی از افراد ممتاز جامعه خود

گردیدند، به اضافه تعداد زیادی از دانشجویان و حافظان که در مناطق شعیه نشین و به خصوص مناطق پر شیعه، زندگی می‌کردند.

این واقعیت را می‌توان به صورت آشکار در افرادی چون: ابان بن تغلب، زرارۀ بن اعین، ابوبصیر، محمد بن مسلم، برید عجلی، یونس بن عبدالرحمن، عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان و... مشاهده نمود. از ابوالعباس فضل بن عبدالملک نقل شده است که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

محبوب‌ترین مردم نزد من چهار نفر هستند: برید بن معاویه عجلی، زرارۀ، محمد بن مسلم و آحول. زنده و مرده این افراد، محبوب‌ترین مردم نزد من می‌باشد.⁽¹⁾

و از ابراهیم بن عبد الحمید و دیگران روایت است که گفتند: از امام صادق × شنیدیم که می‌فرمود:

خداوند زرارۀ بن اعین را رحمت کند، اگر زرارۀ و امثال او نبودند احادیث پدرم × به فراموشی سپرده می‌شد.⁽²⁾

و از سلیمان بن خالد روایت شده است که گفت: از امام صادق × شنیدم که فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 104 ح 18.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 104 ح 20.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

من جز زراره، ابوبصیر لیث مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجللی کسی را سراغ ندارم که امر ما و احادیث پدرم را زنده کرده باشد، و اگر این افراد نبودند کسی این امر را در نمی یافت. این افراد حافظان دین و امینان پدرم بر حلال و حرام خدا بودند، و هم این افرادند که در دنیا و آخرت در رسیدن به ما از دیگران جلوتر هستند.⁽¹⁾

از ابوعبیده حذّاء نیز روایت است: از امام صادق × شنیدم که فرمود:

زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید، از جمله کسانی هستند که خداوند در باره آنان می فرماید: {و سبقت گیرندگان مقدّمه * آنانند همان مقربان [خدا]}⁽²⁾

همچنین از عبدالله بن ابی یعفور روایت شده که گفت:

به حضرت امام صادق × عرض کردم: من هر وقت که بخواهم امکان دیدار شما را ندارم و نمی توانم به نزد شما بیایم، از طرفی هم مردم به نزد من آمده و مسائل شرعی مطرح می کنند که من پاسخ همه آنها را نمی دانم.

امام صادق × در پاسخ فرمودند:

چه چیز تو را از رفتن به نزد محمد بن مسلم ثقفی باز می دارد؟ چرا که او احادیث پدرم را شنیده و در نزد او از جایگاه خاصی برخوردار بود.⁽³⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 104 ح 21.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 105 ح 22.

3. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 105 ح 23.

از یونس بن یعقوب نیز روایت شده است که گفت: در نزد امام صادق × بودیم که آن حضرت فرمودند:

آیا پناهگاهی نمی‌خواهید؟ آیا به نقطه استراحتی محتاج نیستید که در پناه آن بیاسایید؟ چه چیز شما را از حارث بن مغیره نضری باز می‌دارد؟⁽¹⁾

و از جمیل بن دراج روایت شده است که امام صادق × در حدیثی، در مقام مذمت کسی این گونه فرمودند:

خداوند روح این شخص را مقدس نگردانده، روح امثال وی نیز تقدیس نخواهد گردید. او در باره کسانی بدگویی کرده که پدرم آنان را امین بر حلال و حرام خدا قرار داد و مخزن دانش او بودند. امروز هم این افراد در نزد من محل اسرار و یاران بر حق پدرم محسوب می‌شوند. اگر خداوند بخواهد شری را از قومی برگرداند به واسطه این افراد برمی‌گرداند، مرده و زنده اینها ستارگان شیعیان من هستند. آنان یاد پدرم را زنده نگاه می‌دارند، خداوند به واسطه ایشان هر بدعتی را زایل می‌گرداند. اینان ادعای بیهوده باطل کاران و تحریف‌گزاره گویان را از دین نفی می‌کنند.

سپس آن حضرت گریستند، من به آن حضرت گفتم: اینها چه کسانی هستند؟

فرمودند: کسانی که درود و رحمت خداوند بر زنده و مرده آنها باد: برید عجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 105 ح 24.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 105 ح 25.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

و از داود بن سرحان روایت است که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

من به مردی حدیث می‌گویم و او را از جدال و مشاجره و همچنین قیاس در دین خدا نهی می‌نمایم، او نیز از نزد من خارج می‌شود، اما سخن و حدیث مرا به خلاف واقع تأویل می‌کند... اصحاب پدرم در زمان زندگی و پس از مرگ خود مایه زینت و آبروی ما بودند، مرادم زراره و محمد بن مسلم است، لیث مرادی (ابوبصیر) و برید عجلی هم از آنان هستند، اینها کسانی بودند که به قسط اعتقاد داشته و بر اساس آن عمل می‌کردند، اینها همان سبقت گیرندگان[^] مقدمند، اینان همان مقربان درگاه خدا هستند. (1)

گام دوم: تصدی منصب افتا توسط این تربیت شدگان.

این امر به وسیله راهنمایی‌ها و ارشادات خاصی انجام می‌گرفت که ائمه [^] در رابطه با به عهده گرفتن مسئولیت افتا و انتقال احادیث از آن برگواران به عموم فرزندان امت اسلام، به اصحاب برجسته و ممتاز خود می‌کردند. آنان گاه از اصحاب خود می‌خواستند تا در میان عموم مسلمانان مطابق با فقه مذاهب مختلف اسلامی فتوا بدهند تا این اشخاص در عین حال که مسئولیت خاص خود را در محافظت از جماعت صالحان ایفا می‌کنند، نقش طبیعی خود را در کلیت جامعه اسلامی نیز پیدا کنند.

از حضرت امام جعفر صادق × نقل شده است که به معاذ بن مسلم نحوی فرمودند:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 106 ح 26.

مطلع شدم که در مسجد جامع می‌نشینم و برای مردم فتوا می‌دهی.
گفتم: آری، البته تصمیم داشتم که در باره این کار از شما کسب تکلیف کنم، من در مسجد می‌نشینم و مردم به نزد من می‌آیند؛ اگر بدانم کسی که به نزد من آمده از مخالفان شماسست، پاسخش را به همان گونه که آنها عمل می‌کنند می‌دهم؛ اگر بدانم کسی که به نزد من آمده از محبان و پیروان شماسست، پاسخ وی را مطابق با آنچه از شما رسیده است می‌دهم، و اگر ندانم کسی که به نزد من آمده از نظر اعتقاد چگونه است، در پاسخ وی می‌گویم: از فلان چنین رسیده و از فلان چنین رسیده، و قول شما را در میان اقوال بیان می‌نمایم. امام صادق \times به من فرمودند: این کار را انجام بده، من نیز همین کار را می‌کنم.⁽¹⁾

و باز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

اعرفوا منازل شیعتنا بقدر ما یحسنون من روایاتهم عتاً، فإنا لا نعدّ الفقیه منهم فقیهاً حتی یکون محدثاً.

مراتب شیعیان ما را از میزان روایاتی بشناسید که با فهم درست از معانی سخنان ما، از ما روایت می‌کنند، که ما فقیه شیعیان خود را فقیه نمی‌دانیم مگر اینکه محدث باشد.⁽²⁾

از آن حضرت سؤال شد: آیا ممکن است مؤمن محدث باشد؟

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 108 ح 36.

2. محدث کسی است که در رتبه سوم پس از رسول و نبی قرار دارد و صدای هاتف غیبی را می‌شنود که در امور مختلف او را راهنمایی می‌کند، اما کسی را نمی‌بیند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

البته به این صورت که فهم معانی به او الهام می‌شود که این خود، به نوعی محدث بودن است.⁽¹⁾

گام سوم: ارجاع مردم به این افراد.

ائمّه [^] مردم را برای امر فتوا و سایر امور دینی به اصحاب ممتاز خود ارجاع می‌دادند تا مردم با این الگو انس گرفته، ابعاد این نظام شکل پذیرفته و افراد جماعت صالحان به این دانشمندان رجوع کنند و این روند در سطح جامعه اسلامی به صورت نهادینه در آید.

از احمد بن اسحاق روایت شده است: از حضرت امام هادی \times پرسیدم:

با چه کسی تعامل نموده، مسائل دینی را از که دریافت نموده و سخن چه کسی را بپذیرم؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

عمری فرد مورد اعتماد من است، هرچه به تو می‌رساند از جانب من می‌رساند، و هرچه از قول من برایت نقل می‌کند، کلام من است، سخنش را بپذیر و از او اطاعت کن که او راستگو و مورد اطمینان است.

احمد بن اسحاق گوید: همین سؤال را از حضرت امام حسن عسکری \times نیز پرسیدم، آن حضرت در پاسخ من فرمودند:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 108 ح 38.

عَمْرَى و پسرش افراد مورد اعتماد من هستند، هرچه به تو می‌رسانند از جانب من می‌رسانند، و هرچه از قول من برایت نقل می‌کنند کلام من است، سخنانشان را بپذیر و از آنها اطاعت کن که آنان راستگو و مورد اطمینان هستند.

در همین روایت آمده است که احمد بن اسحاق از عَمْرَى مسئله‌ای پرسید و عمری در پاسخ او گفت:

سؤال از این مسئله بر شما حرام است، من این را از جانب خود نمی‌گویم، و نمی‌توانم از پیش خود چیزی را حلال یا حرام گردانم.⁽¹⁾

از اسماعیل بن فضل هاشمی نیز روایت شده است که گفت: از امام صادق × در باره متعه سؤال کردم. در پاسخ فرمودند:

با عبدالملک بن جریج دیدار کن و این مسئله را از او پرس که در این باره معلوماتی دارد.

من با عبدالملک دیدار کردم، وی نیز مطالب بسیاری در باره حلیت متعه بر من املا کرده من آنها را نوشتم، از جمله آنچه نوشتم این بود که متعه وقت و عدد ندارد.

وی در ادامه می‌گوید: بعداً آن نوشته را به نزد امام صادق × آورده و به آن حضرت نشان دادم، امام صادق × نیز آن را تأیید کردند.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 100 ح 4، از متن کامل روایت بر می‌آید که احمد بن

اسحاق در باره تصریح به نام امام زمان - عجل الله فرجه - از وی سؤال کرده بود.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 100 ح 5.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

و از مفضل بن عمر روایت شده است که امام صادق × در حدیثی به فیض بن مختار فرمود:

اگر به دنبال احادیث ما هستی بر تو باد به این مرد که در اینجا نشسته است، و به سوی یکی از اصحاب خود اشاره کرد. من از اصحاب پرسیدم: آن مرد کیست؟ گفتند: زرارة بن اعین.⁽¹⁾

از علی بن مسیب همدانی نیز روایت است:

به حضرت امام رضا × عرض کردم: من در مسافت دوری از شما زندگی می‌کنم، و در هر وقت امکان آمدن به نزد شما را ندارم، مسائل دینی خود را از چه کسی دریافت کنم؟
آن حضرت فرمودند:

از زکریا بن آدم قمی که در امر دین و دنیا مورد اعتماد است.

علی بن مسیب گوید:

چون به شهر خود بازگشتم به نزد زکریا بن آدم رفتم و هر مسئله‌ای را که بدان نیازمند بودم از او پرسیدم.⁽²⁾

از عبد العزیز بن مهتدی و حسن بن علی بن یقظین نیز روایت است که گفت: به حضرت رضا × عرض کردیم:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 104 ح 19.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 106 ح 27.

همیشه به شما دسترسی نداریم تا هر آنچه از مسائل دینی بدان نیازمند هستیم، مستقیماً از شما بپرسیم، آیا یونس بن عبد الرحمان شخصی مورد اعتماد است که بتوانیم مسائلی را که مورد نیاز است از او سؤال کنیم؟ آن حضرت پاسخ دادند: آری.⁽¹⁾

فضل بن شاذان گوید:

بهترین قمی که من دیدم عبدالعزیز بن مهتدی بود. او وکیل حضرت رضا × و از اصحاب خاص آن حضرت به شمار می‌رفت، وی گوید: به حضرت رضا × عرض کردم: من همیشه به شما دسترسی ندارم تا هر آنچه از مسائل دینی بدان نیازمند هستم مستقیماً از شما بپرسم، مسائل شرعی مورد نیاز خود را از چه کسی سؤال کنم؟ آن حضرت پاسخ دادند: آنها را از یونس بن عبد الرحمان دریافت کن.⁽²⁾

2. قضاوت

از مهم‌ترین مسائل در جهت ساماندهی اوضاع کلی جامعه اسلامی عموماً، و جامعه شیعی خصوصاً، قضاوت می‌باشد؛ زیرا موضوع قضاوت از موضوعات اساسی است که کتاب‌های آسمانی برای آن نازل شده، و رسالت‌های الهی به وجود آمده است؛ چرا که موضوع قضاوت حل اختلافاتی است که بین مردم روی می‌دهد و این امر از آغاز پیدایش جوامع بشری بوده و در طول دوران‌های مختلف تاریخ اهمیت بیشتری یافته است تا جایی که بعضی تصور

¹. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 107 ح 33.

². حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 107 ح 34.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

کرده‌اند موضوع حکومت و دولت در اصل، در ارتباط با این مسئله ایجاد شده و سپس به حالت نظام اجتماعی در آمد.

از طرف دیگر، چون موضوع قضاوت، چنان که گفتیم با نزاع و اختلاف میان مردم سر و کار دارد و در اختلافات هم هرکدام از طرف‌ها حق را به جانب خود می‌دانند، چنین بر می‌آید که باید قضاوت کاری بس دشوار باشد.

آنچه ممکن است این کار را مشکل‌تر کند این است که گاه ممکن است نتیجه قضاوت بر خلاف حق واقعی از کار درآید، و اینجاست که به واسطه حکمی که قاضی به آن رسیده است، از صاحب حق خواسته می‌شود از حق خود دست بردارد.

به همین دلیل است که قرآن کریم ایمان مؤمنان را به مسئله تسلیم و رضایت در برابر حکم قضایی صادر از جانب پیامبر اکرم ' ربط داده و فرموده است:

{فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} (1)

ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند: سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

می‌بینیم پیامبر اکرم ' که خود معصوم و در ارتباط با وحی الهی است، در رابطه با منصب قضاوت خود در میان مسلمانان با احتیاط عمل کرده و فرموده است:

من تنها بر اساس شواهد و قرائن ظاهری در میان شما قضاوت می‌کنم، و ممکن است بعضی از شما در بیان دلایل خود از دیگری چیره دست‌تر بوده (حق را بر من مشتبه کند)، پس هر کس که بدین ترتیب، مالی را از برادرش به او دادم، چنان است که گویا به واسطه این عمل قطعه‌ای از آتش جهنم را به او داده‌ام.⁽¹⁾

پیداست که پیامبر اکرم ' در مقام قضاوت، به علم غیب الهی استناد نمی‌کرده‌اند؛ چرا که گاه ممکن است نتیجه قضاوت با حق واقعی مطابق نباشد، مثلاً مدعی که در واقع صاحب حق هم هست، بی‌بینه (دلیل) لازم را برای اثبات مدعای خود نداشته باشد، و منکر قسم دروغی در جهت رد ادعای او بخورد، یا اینکه قاضی از مدعی بخواهد که او هم بر خلاف قسم طرف مقابل، قسم یاد کند اما وی برای احترام به نام خدا از حق خود دست برداشته و قسم یاد نکند، یا اینکه طرف ناهق، به دروغ شاهدانی ظاهر الصلاح برای سخن خود بیاورد. در چنین مواردی قاضی چاره‌ای ندارد جز اینکه حق را به کسی بدهد که در واقع مستحق آن نیست، و بدین ترتیب نتیجه قضاوت با حق واقعی مطابق نمی‌شود.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 169 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

از اینجا درمی یابیم که ائمه [^] در مقام پر کردن این خلاء در میان جماعت صالحان با مشکلی واقعی مواجه بوده اند: آنجا که این مشکل نیازمند راه حلی واقعی و عملی از جانب آن بزرگواران بود.

این مشکل دارای ابعاد متعددی است که بعضی از آنها به دستگاه حکومتی وقت باز می گردد، چرا که قضاوت از مناصب حکومتی بوده که تصدی آن نیازمند صدور فرمان از جانب حکومت و دستگاه خلافت بوده است. بدین ترتیب، منصب قضاوت از منصب افتا که همه دانشمندان، محدثان و فقیهان بی نیاز از اجازه حکومت بدان می پرداختند، جدا می شود.

بعضی از این ابعاد نیز به قدرت اجرایی برگشت می کرد، چرا که قاضی با حکم خود دعوا را حل و فصل می کند، اما این دستگاه های اجرایی هستند که باید حکم را به اجرا در آورند: کسانی مانند نیروی پلیس که در صورت امتناع یکی از دو طرف دعوا از پذیرش حکم قاضی، او را به این کار مجبور کنند. روشن است که ائمه [^] از چنین دستگاه اجرایی برخوردار نبودند.

بعضی از مشکلات این امر نیز به مردم باز می گشت، چه از لحاظ وجود عناصر شایسته برای این کار دقیق و حساس، و چه از لحاظ پذیرش و التزام به احکام صادر از جانب ائمه [^].

اما علی رغم همه پیچیدگی هایی که در این مسئله وجود داشت ائمه [^] توانستند در زمان حضور خود سازمان قضایی کارآمد و فعالی به وجود بیاورند که پس از زمان ائمه [^]، در زمان های دیگر

نیز ادامه پیدا کرد. آنان برای قضاوت صحیح، دستور العمل اجرایی ارائه کردند که از ویژگی‌های برجسته آن، دقت، انعطاف پذیری و وضوح است، و می‌توان در خلال روایاتی که از ایشان در باب قضاوت وارد شده است به مواد این دستور العمل دست پیدا کرد.

قضاوت صحیح: با بیان نکات ذیل، می‌توان به بعضی از ابعاد و گام‌های ایجاد این ساختار اشاره کرد:

اول: اعتراض شدید نسبت به کسانی که برای حل و فصل دعاوی خود به قاضیانی مراجعه می‌کردند که از جانب حاکمان جور به این سمت منصوب شده بودند. این اعتراض و انکار، تنها از این رهگذر نبود که شاید آن قاضیان در قضاوت خود به مسائل غیر شرعی استناد کنند، بلکه این مسئله به دو عامل اساسی باز می‌گشت:

یکی اینکه قضاوت منصبی الهی است و جز کسانی که شایستگی آن را داشته باشند، هیچ انسانی حق عهده دار شدن آن را ندارد. قضاوتی هم که بدون وجود چنین شایستگی روحی و علمی انجام شود باطل است حتی اگر در نتیجه، به صدور حکمی منجر شود که مطابق با واقع باشد. و می‌دانیم قاضیانی که در زمان ائمه^ع از جانب خلفا منصوب می‌شدند، فاقد شایستگی لازم برای این منصب الهی بودند.

از سلیمان بن خالد از حضرت امام صادق^ع روایت شده است که فرمود:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

از قضاوت پرهیزید، چرا که قضاوت تنها امامی را سزد که به دانش قضاوت آگاه بوده، و در میان مسلمانان به عدل و داد رفتار کند، مانند پیامبر یا جانشین پیامبر.⁽¹⁾

و باز از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

قاضیان بر چهار دسته‌اند: سه دسته در جهنم و یک دسته در بهشت، مردی که دانسته حکم به ناحق می‌کند و در آتش است، مردی که ندانسته حکم به ناحق می‌کند و در آتش است، مردی که ندانسته حکم به حق می‌کند و در آتش است و بالأخره، مردی که دانسته حکم به حق می‌کند و در بهشت خواهد بود.⁽²⁾

و از ابوبصیر روایت است:

به حضرت امام صادق \times عرض کردم: مسائلی برای ما پیش می‌آید که حکم آن را از کتاب و سنت نمی‌دانیم، آیا می‌توانیم در آن مسائل به نظر خود عمل کنیم؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

چنین نیست، بدان که در این صورت اگر به حقیقت برسی اجر و پاداشی نخواهی داشت و اگر به خطا بروی، بر خدا دروغ بسته‌ای.⁽³⁾

و دومین دلیل حرمت مراجعه به قاضیان حکومتی این بود که مراجعه به این قضات که منصوب از ناحیه حاکمان ستمگر بودند، به نوعی

-
1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 7 ح 3.
 2. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 11 ح 6.
 3. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 24 ح 6.

تأیید و اعتراف به مشروعیت حکومت آنان به حساب می‌آمد، در حالی که آنها طاغوت و ستمگر بوده و رجوع به آنها مصداق تعبیر قرآنی (تَحَاكُمُ إِلَى الطَّاغُوتِ) به شمار می‌آمد که در این آیه کریمه قرآن آمده است:

{أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا⁽¹⁾}

آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، و [الی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد.

از ابوبصیر روایت شده است که:

مردی با برادر خود بر سر حقی درگیری داشت، وی خواست تا مردی از برادران دینی را در میان خود حکم قرار دهند، اما برادرش نپذیرفت و اصرار کرد که حتماً باید قاضی حکومتی به این دعوا رسیدگی کند، حضرت امام صادق × در باره او فرمودند:

او از جمله کسانی است که خداوند متعال در باره آنها فرموده است: {آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند}

و از عمر بن حنظله روایت است که گفت:

از حضرت امام صادق \times پرسیدم: میان دو نفر از اصحاب ما منازعه و درگیری در مسئله بدهکاری یا ارت پیش می‌آید و برای حل و فصل دعوا به نزد حاکم، یا قاضی حکومت می‌روند؛ آیا این کار جایز است؟ آن حضرت فرمودند:

هرکس برای داوری به نزد چنین قاضیانی برود، بر حق باشد یا باطل، داوری به سوی طاغوت برده است، و حتی اگر حق او ثابت باشد و قاضی هم به نفع او حکم کند آنچه را که به حکم این قاضی تصاحب می‌کند بر او حرام است؛ چون آن را با حکم طاغوت به دست آورده، و این در حالی است که خداوند متعال او را فرمان داده تا به طاغوت کفر ورزد، خداوند متعال فرماید: {می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند}

دوم: نکته دیگری که ائمه [^] در ایجاد ساختار قضاوت صحیح، در مناسبت‌های مختلف برای پیاده کردن این موضوع در عرصه عمل به شدت به آن اهمیت می‌دادند، ایجاد مانع ذاتی و درونی قوی از مراجعه به محاکم دولتی بود، در برابر قدرت اجرایی که قاضیان حکومتی از آن برخوردار بودند، ائمه [^] برای دستیابی به این هدف از گزینه‌های ذاتی مردم در تنفر از فساد، انحراف و تجاوز به حقوق دیگران استفاده می‌کردند؛ امری که در حکومت خلفا به خصوص در دستگاه قضایی آنان به وفور یافت می‌شد.

سوم: استفاده از روشی مرکب از مدارا و قدرت اجرایی نسبی در تشخیص قاضی، آنجا که از طرفین دعوا می‌خواستند، خود این راه را انتخاب کنند و به اختیار خود به تشخیص قاضی گردن نهند. چنان که در مقبوله عمر بن حنظله و موثقه ابوبصیر این مضمون آمده است.

حتی بعضی از فقها معتقد هستند منصبی که در روایات به عنوان قاضی معین شده، به معنی معروف و مصطلح آن نیست. بلکه به معنی حکم و واسطه صلح و آشتی است، چرا که در آن رضایت طرفین شرط شده است.⁽¹⁾ البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که فقرة پایانی روایت حاوی عبارتی است که در تعیین قاضی ظهور دارد.

چهارم: بیان صفات و ویژگی‌هایی کلی برای قاضی که کشف صلاحیت قاضی را برای این کار آسان و واضح کند، و نیز بیان ویژگی‌هایی که مشخص‌کننده قاضی ارشدی باشد که در صورت اختلاف قضات، رأی او پایان بخش مخاصمات خواهد بود.

از عمر بن حنظله روایت شده است که گفت:

از حضرت امام صادق × پرسیدم: دو نفر از اصحاب ما در باره مسئله‌ای چون بدهی یا ارث اختلاف پیدا می‌کنند و به خلیفه یا قضات مورد تأیید آنها مراجعه می‌کنند، آیا این کار برای آنها حلال است؟
فرمود:

هرکس برای داوری به نزد چنین قاضیانی برود، بر حق باشد یا باطل، داوری به سوی طاغوت برده است، و حتی اگر حق او ثابت باشد و قاضی هم به نفع او حکم

1. حضرت آیه الله العظمی خوبی، منهاج الصالحین 1 / 4.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

کند، آنچه را که به حکم این قاضی تصاحب می‌کند بر او حرام است: چون آن را با حکم طاغوت به دست آورده، و این در حالی است که خداوند متعال او را فرمان داده، تا به طاغوت کفر ورزد، خداوند متعال فرماید: {می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند}

گفتم: پس در این صورت چگونه اختلاف خود را بر طرف کنند؟ فرمود:

طرفین دعوا کسی را پیدا کنند که احادیث ما را روایت می‌کند، در حلال و حرام ما صاحب نظر بوده و احکام ما را می‌شناسد، در این صورت باید که به حکم او راضی شوند، که من این شخص را بر شما حاکم قرار دادم. پس اگر به حکم ما حکم کرد و کسی حکمش را نپذیرفت، حکم خداوند را نپذیرفته و ما را رد کرده است، و هر کس ما را رد کند، خدا را رد کرده است، و این در حد شرک به خداوند متعال است.⁽¹⁾

3. ولایت

بدون شک ولایت و امامت مهم‌ترین منصب الهی در نظام اسلامی است که در قرآن کریم نیز بدان تصریح شده است. روایات اهل بیت [^] نیز چنان که در موضوع گذشته آمد، بر همین مطلب دلالت دارد.

حتی می‌توان مسئولیت اول یعنی تبلیغ و بیان معارف دینی، و مسئولیت دوم یعنی قضاوت را نیز بخشی از وظایف این منصب مهم الهی بر شمرد.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 99 ح 1.

شاید عظمت این مقام و تقدّس آن از یک سو، و فراوانی مدّعیان تصدی آن از میان افراد ستمگر، گردنکش و پیشوایان باطل از دیگر سو، باعث شده است که ائمه اهل بیت [^] به شدت ادعای دیگران را در باره صلاحیت احراز این منصب رد کرده، بر شایستگی انحصاری خود برای تصدی آن تأکید فراوان نمایند.

این نکته می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا روایات اثبات کننده حق ولایت برای مجتهد عادل و دانای به احکام شرعی پس از ائمه، بسیار اندک بوده و به صورت پیچیده و مجمل بیان شده‌اند. چون اهل بیت [^] می‌خواستند بر این نکته تأکید کنند که حق ولایت و امامت در اصل منحصر به خود ایشان است، تا بدین وسیله مجال روحی و ذهنی برای تصور دیگری در این رابطه گشوده نشود که مثلاً دیگر مدّعیان نیز ممکن است مانند این حق را داشته باشند یا حق ولایت مجتهدان عادل در عرض ولایت ائمه است.

چنان که در بررسی روایات باب قضاوت نیز می‌بینیم، جهت گیری اصلی به این سمت است که قضاوت نیز منحصر به خود ائمه [^] است، البته به جز چند روایت که - چنان که اشاره کردیم - بعضی از فقها کوشیده‌اند آنها را به تعیین قاضی صلح یا حکم مورد رضایت طرفین تفسیر کنند.

از همین رو است که بعضی از فقها بر این عقیده‌اند که اصلاً نصّی از اهل بیت [^] به عنوان تعیین مجتهد برای این منصب الهی وجود ندارد، البته آنان به این نکته اذعان دارند که این پست و منصب مهم الهی نباید خالی بماند و کسی از مسلمانان باید عهده دار آن گردد و به

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

یقین مناسب‌ترین فرد برای این کار همان مجتهد عادل جامع شرایط است.

بدین ترتیب این دسته از فقها نیز به همین نتیجه کلی می‌رسند که فقیه عادل باید در زمان غیبت عهده دار این مقام باشد، اما از راه دیگری که در فقه اسلامی به دلیل حسبه معروف است.⁽¹⁾

در هر حال روایاتی هست که می‌توان گفت: به این ولایت (ولایت فقیه) اشاره‌ای دارند یا می‌توان از مضمون آنها - به صورت ظهور یا تصریح - وجود چنین ولایتی را برداشت کرد و صرف نظر از دقت و مناقشه تفصیلی در هر یک از آنها، اجمالاً این گرایش نظری از شیعه را در بینش اهل بیت [^] در خلال آن مشاهده نمود که همان ولایت فقیه مجتهد در اداره امور است.

بلکه می‌توان گفت: جدای از طریقه استدلال، نظریه ولایت فقیه عملاً در سطح گروه صالحان حقیقتی موجود بوده که مجتهدان به آن عمل کرده و دانشمندان به آن فتوا داده‌اند.

1. فقها در بحث ولایت فقیه این موضوع را در بحث ولایت عامه مورد بررسی قرار داده‌اند. بعضی از آنان بر این عقیده‌اند که ولایت فقیه به وسیله روایات اثبات می‌شود، و بعضی دیگر این گونه معتقدند که ولایت فقیه به دلیل حسبه یا با دلایل دیگر اثبات می‌گردد. من در کتابی که با عنوان «الحکم الاسلامی بین النظرية و التطبيق» تألیف نموده‌ام به صورت دقیق اما ساده به این موضوع پرداخته‌ام و در این کتاب بر آن نیستم که از این دیدگاه به این موضوع بپردازم بلکه می‌خواهم از راه اصول نظری کلی به آن بپردازم.

شاید بهترین متنی که بتوان بر این مطلب، به آن استدلال کرد آیهٔ چهل و چهارم از سورهٔ مائده باشد که قبلاً گذشت و توقیع شریف معتبری که از حضرت مهدی - عجل الله فرجه - روایت شده، و در آن آمده:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حِجَّةُ اللَّهِ.⁽¹⁾

در حوادث و رویدادهایی که برای شما پیش می‌آید به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت خدا بر شما بوده و من حجت خدا هستم.

از این روایت برداشت می‌شود که مراد از حوادث، موضوعات بیرونی است که انسان در زندگی روزمرهٔ خود با آنها رو به رو می‌شود و نیازمند اتخاذ موضع شرعی است. همچنین برداشت می‌شود که علاوه بر حجّت بودن امام بر مردم، راویان حدیث اهل بیت[^] نیز بر مردم حجت هستند و این فقره از روایت نیز به صورت عام و فراگیر بیان شده است. علاوه بر این روایت، به روایات باب قضاوت نیز می‌توان استدلال کرد که - چنان که گفتیم - مهم‌ترین و خطرناک‌ترین پست است.

با آشکار شدن این قطعه، نمودار ساختاری نظام جماعت صالحان کامل می‌شود که همان تئوری امامت است و مجتهد به عنوان کسی مطرح می‌شود که مرجع اعضای جماعت صالحان بوده، نقش امام را به عهده خواهد گرفت.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 18 / 101 ح 9.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3

تعیین این مجتهد از میان مجتهدان متعدد نیز ساز و کار مخصوص به خود را دارد و شخص مورد نظر گاه به وسیله انتخاب طبیعی مردمی به تدریج معین می شود؛ زیرا بر مردم واجب است در میان مجتهدان زمان خود به جستجو و تفحص بپردازند و کسی را از میان آنان پیدا کنند که صفات و ویژگی های مورد نظر برای این مقام، مانند: دانش، عدالت، لیاقت و... را داشته باشد و خبرگان دارای تخصص در این رشته هم بر این امر گواهی دهند.

گاه نیز شخص ولی فقیه به وسیله برگزاری انتخابات مستقیم یا غیر مستقیم معین می شود، به این صورت که مردم گروهی از خبرگان صاحب تخصص در این رشته و کسانی را که در امور مملکتی سررشته داشته باشند، انتخاب می کنند و آنان ولی فقیه را انتخاب می نمایند. و حالت انتخاباتی در صورتی است که امت اسلام از آزادی اراده و انتخاب برخوردار بوده، بتوانند خواست خود را آشکارا بیان نمایند، همچنان که بعضی از فقها هم همین راه را برای تعیین ولی فقیه برگزیده اند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به همین روش مقید شده است.⁽¹⁾

1. در کتاب «الحکم الاسلامی بین النظرية و التطبيق» ص 193، متن ماده پنجم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نقل کرده و مورد بررسی قرار داده ام.

2

ویژگیهای هویتی

جماعت صالحان

هویت جماعت صالحان عبارت است از خصوصیات و ویژگی‌های کلی که این جماعت را از سایر جمعیت‌ها و گروه‌ها ممتاز و مشخص می‌گرداند؛ ویژگی‌هایی چون نام، صفات شخصی، وابستگی و جایگاه.

اهل بیت ^ع در رابطه با تعیین هویت شیعه و مشخص کردن ویژگی‌های آن همت فراوان گماشتند که شامل تعیین و توضیح آثار و نتایج مهم نمود یافته در رفتارهای عام اجتماعی جماعت صالحان و توضیح اهداف و خط سیر جماعت همچنین ضبط و تنظیم محتوای شعائر آنان می‌گردد. بنا بر این می‌یابیم که:

اول: مشخص بودن هویت تا حد زیادی در شکل‌گیری شخصیت افراد جماعت صالحان بر اساس ویژگی‌های آن هویت دخالت دارد؛ چرا که هر انسانی در درجه اول در صدد آشکار کردن و بروز دادن هویت خود و تأکید بر آن می‌باشد؛ زیرا هویت جزئی از شخصیت و وجود او است.

دوم: تعیین هویت طبیعتاً وابستگی و گرایش فکری و سیاسی افراد را آشکار کرده، خط سیری را که افراد جماعت صالحان باید از آن پیروی نمایند توضیح می‌دهد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

سوم: ایجاد شالوده و بنیان واحد برای شیعیان و محکم کردن روابط میان آنها و ایجاد اسباب تفاهم و تعاون میان افراد این جماعت.

چهارم: در صورتی که هویت از عناصر تشکیل دهنده قوی و سطح بالایی برخوردار باشد، تعیین آن به جماعت صالحان، قدرت و استقامت بخشیده، اسباب جذب دیگران به این جماعت شده و تأثیرگذاری مثبت در آنان را فراهم می نماید؛ چرا که هویت هر جماعتی به منزله نشانه و علامت آن گروه و چهره درخشان آن است که دیگران از طریق آن جذب آن جماعت می شوند.

[1] ابعاد هویت

اهل بیت [^] در تعیین ویژگی های این هویت، برای چند بُعد اساسی که همان محتوای کلی رسالت اسلام است، اهمیت ویژه ای قایل بودند. ما می توانیم از طریق مطالعه روایاتی که از ائمه [^] وارد شده و در آنها با پیروان خود در باره هویت جماعت صالحان سخن به میان آورده، ویژگی های آن را برایشان بیان کرده اند، به وضوح این ابعاد را استخراج کنیم.

(1) اسلام

اولین بُعد هویت جماعت صالحان، اسلامی بودن و وابستگی آن به رسالت اسلامی با همه اهداف و محتواهای آن است؛ آنجا که می بینیم در این روایات اهمیت ویژه ای به بیان مفاهیم و اصلاحات قرآنی و قرار دادن اهداف رسالت اسلامی و مضامین روحی و معنوی در قالب این مطالب داده شده است.

زیرا ائمه[^] می‌خواستند شیعیان در کنار امت بزرگ اسلام و به عنوان جزئی از آن، زندگی و قبول مسئولیت کرده، در امت تأثیر گذاشته، برای رسیدن به اهداف آن تلاش کنند، بلکه الگو و اسوه صالح امت اسلام باشند.

(2) ریشه تاریخی

دومین بُعد هویت جماعت صالحان شناخت ریشه تاریخی و رسالت‌های گذشته الهی است. به عبارت دیگر: جماعت صالحان پدیده جدیدی در جهان اسلام نبوده که شرایط سیاسی خاصی که منجر به دور کردن اهل بیت[^] از رهبری رسالت اسلامی گردید، آن را به امت اسلام تحمیل کرده باشد، بلکه ریشه‌های این تشکل حتی در رسالت‌های پیشین انبیا نیز امتداد یافته و این جماعت تجلی اهداف آن رسالت‌ها نیز هست. در واقع، تشیع مانند خود دین اسلام است که با تأیید و تصدیق سایر رسالت‌های آسمانی و ارتباط با دعوت ابراهیمی ریشه‌های خود را در اعماق تاریخ رسالت‌های آسمانی گسترده است.

(3) ولایت اهل بیت[^]

سومین بُعد هویت جماعت صالحان، دارا بودن ولایت اهل بیت[^] به معنی عمیق و فراگیر آن است که شامل: محبت، یاری، تعهد، پیمان بستن با آن بزرگواران، وابستگی سیاسی، فکری، و رفتاری به آنان و بالأخره پذیرش مسئولیت و فشارها و مشکلات این وابستگی است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

زیرا اهل بیت [^] از یک سو امتداد طبیعی نبوت خاتم و استمرار امامت ربانی و خلافت الهی، و از طرف دیگر نمادی از خط اصیل اسلام در فهم اسلام و معارف و موارد تنزیل و تأویل قرآن کریم می‌باشند.

(4) فطری بودن

چهارمین بُعد هویت جماعت صالحان، ابتدای آن بر فطرت انسانی و عزت، کرامت و شرافت اجتماعی است. زیرا در این هویت، میزان کرامت، سعادت، پیشی گرفتن و برتری انسانها نسبت به یکدیگر، بسته به میزان هماهنگی با فطرت انسانی، رفتار والا و تقوای الهی است، چه در دنیا و چه در درجات بالا و برتری در پیشگاه خداوند متعال.

این بُعد از هویت، در اعطای قدرت همزیستی با جامعه انسانی و مقاومت در برابر تنگناها و انزواهایی که شرایط سیاسی، اجتماعی و روحی بر آنان تحمیل می‌نمود از اهمیت خاصی برخوردار است.

[2] ویژگی های هویت

با مراجعه به عناوین ویژگی‌های هویتی که اهل بیت [^] برای شیعیان خود طرح کرده‌اند، می‌توان به این ابعاد دست یافت:

(1) نام

اهل بیت [^] چنان که در تمام روایاتی که در این باب آمده ملاحظه خواهیم کرد، کلمه شیعه، اصطلاح مؤمن و عنوان موالی را به عنوان نام برای افراد جماعت صالحان برگزیده‌اند تا بدانها مشهور و معروف گردند.

از ابو بصیر، از حضرت امام باقر × روایت است که فرمود:

این نام بر شما مبارک باد.

عرض کردم: چه اسمی؟ فرمودند: شیعه.

کسی گفت: مردم به خاطر این نام بر ما ایراد می‌گیرند.

فرمود: {وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ} ⁽¹⁾ همچنین این آیه: {فَاسْتَعَاثُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ} ⁽²⁾ پس این نام بر شما مبارک باشد. ⁽³⁾

در این حدیث شریف ملاحظه می‌شود که این نام به ریشه تاریخی آن حضرت ابراهیم × باشد، مربوط شده که او خود، شیعه حضرت نوح × بوده است و اینجاست که می‌گوییم نام شیعه از قرآن استنباط شده است.

مؤید این مطلب، روایت دیگری از ابو بصیر است که گوید: از حضرت امام جعفر بن محمد صادق × شنیدم که فرمود:

نحن أهل بيت الرحمة، و بيت النعمة، و بيت البركة، و نحن في الأرض بنیان، و شيعتنا عرى الإسلام، و ما كانت دعوة إبراهيم إلّا لنا و لشيعتنا، و لقد استثنى الله إلى يوم القيامة إلى إبليس فقال {إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ} ⁽⁴⁾

1. و بی گمان، ابراهیم از پیروان اوست.

2. آن کس که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست.

3. آیات به ترتیب در سوره های صافات / 83 و قصص / 15 آمده * تفسیر قمی 2 /

223 و با اندکی اختلاف در عبارات، به نقل از آن: مجلسی، بحار الانوار 68 / 12 ح

13.

4. تفسیر العیاشی 2 / 243 ح 18، و به نقل از آن: بحار 68 / 35 - 36 ح 75.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

ما اهل بیت رحمت، خاندان نعمت، خاندان برکت و شالوده و بنیان زمین هستیم و شیعیان ما دستاویزهای اسلام هستند، دعوت ابراهیم جز برای ما و شیعیان ما نبوده است و خداوند تا روز قیامت ما را از میان کسانی که شیطان فریبتان می‌دهد جدا کرده و فرموده است: {در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست}

بیشتر هم دانستیم که ائمه [^] چگونه مسئله نام رافضی را که دشمنان شیعه بر پیروان آنان نهاده بودند، با بیان ریشه تاریخی این کلمه حل کردند: به این صورت که اولین رافضیان، آن دسته از پیروان صالح حضرت موسی ^x بودند که چون بنی اسرائیل از فرمان حضرت هارون ^x سرپیچی کرده، به عبادت گوساله روی آوردند، از پرستش گوساله سامری خودداری کردند.

(2) ریشه

از لحاظ ریشه و اصالت و طینت نیز شیعه از ریشه‌های شریف و نسب‌های والا و سرچشمه‌های زلال منشعب شده است؛ زیرا طینت و خمیرمایه شیعه همان است که اهل بیت [^] بدان منسوب هستند. از ابوذر غفاری نقل شده که گفت: رسول خدا ' دست بر شانه علی بن ابی طالب زد و فرمود:

ای علی، عرب اصیل کسی است که ما را دوست بدارد، و آنان که ما را دوست نمی‌دارند غیر اصیل و بی ارزش هستند. شیعیان ما از خاندان‌های بزرگ و سرچشمه‌های شرافت و دارای طهارت مولد هستند. جز ما و شیعیان ما کسی

بر دین ابراهیم × ثابت و استوار نبوده و دیگر مردمان از آن به دور هستند. خداوند متعال را فرشتگانی است که خانه گناهان شیعیان ما را ویران می‌کنند، بسان مردمی که خانه‌ای را خراب می‌کنند.⁽¹⁾

و از حارث، از حضرت علی × از پیامبر اکرم ' روایت شده است که فرمود:

مَثَل من مانند درختی است که خودم تنه آن هستم، علی شاخه آن درخت، و حسن و حسین میوه آن بوده و شیعیان ما برگ‌های آن درخت می‌باشند، و خداوند بنا ندارد که شاخه‌های پاکیزه را جز از ریشه‌های پاکیزه بیرون بیاورد.⁽²⁾

از ابن عباس نیز روایت شده است که گفت: رسول خدا ' فرمودند:

ای علی، تنها شیعیان تو در قیامت رستگار خواهند شد. پس هرکس به یکی از شیعیان تو اهانت کند به تو اهانت کرده، و هر کس به تو اهانت کند به من اهانت کرده، و هر کس به من اهانت کند خداوند او را در آتش جهنم وارد خواهد کرد و تا ابد در آن خواهد ماند که بد جایگاهی است.

ای علی، تو از منی و من از تو، روح تو از روح من، و طینتت از طینت من است، شیعیان تو نیز از باقی مانده طینت و خمیره ما خلق شده‌اند،

1. مفید، امالی / 169 ح 4، که در آن عبارت (یهدم القدوم البنیان) آمده است * طوسی، الأمالی / 190 - 191 ح 322 و به نقل از این دو: مجلسی، بحار الانوار / 68 / 23 ح 41.

2. طوسی، الأمالی / 353 ح 731 و به نقل از آن: بحار / 68 / 24 ح 45.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

بنا بر این هرکه آنان را دوست بدارد ما را دوست داشته، هرکه کینه آنان را به دل داشته باشد کینه ما را به دل گرفته، هرکه آنان را دشمن بدارد با ما دشمنی روا داشته است و هرکه به آنان عشق بورزد به ما عشق ورزیده است.⁽¹⁾

این اصول در عین حال، دارای ابعاد انسانی، اجتماعی و اسلامی بوده است؛ زیرا آنچه در اصالت یک شخص اهمیت دارد، پاکی ولادت، صحت اعتقاد و حسن عاقبت است.

(3) صفات

در زمینه صفات نیز می بینیم که اهل بیت [^] صفات قرآنی همچون: صالحین، اولوالالباب، اولیاءالله، مصلین، اصحاب الیمین، خیرالبریّه و... را برای پیروان خود به کار می برده اند.

از ابوبصیر نقل شده که گفت: امام صادق \times فرموده اند:

خداوند متعال شما (شیعیان) را در این آیه شریفه یاد کرده است: {پس آنان، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی ابا پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند] در این آیه، مراد از «تبین» پیامبر ' است و مراد از «صدیقین» و «شهدا» ما هستیم و شما «صالحان» هستید و به خدا سوگند، شما شیعیان ما هستید.

و فرمود:

1. صدوق، امالی / 66 ح 32* طبری امامی، بشارة المصطفی / 42 ح 31 و به نقل از آنها: بحار 68 / 7.

خداوند در کتاب خود از شما (شیعیان) یاد کرده است: آنجا که فرماید: {آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند} ما کسانی هستیم که می‌دانند و دشمنان ما آناند که نمی‌دانند و مراد از خردمندان (اولوالالباب) در این آیه، شیعیان ما هستند.

از یکی از فقها نیز روایت است که گفت: امیر المؤمنین فرموده‌اند:

{إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (1)

آیا می‌دانید، این دوستان خدا چه کسانی هستند؟

گفتند: آنها چه کسانی هستند؟

پاسخ دادند: آنان، ما و پیروانمان هستیم، پس خوش به حال ما و بیشتر خوش به حال کسانی که پس از ما، ما را پیروی کنند.

گفته شد: چگونه است که خوشی حال آنها از خوشحالی ما بهتر است؟ مگر ما و آنها از لحاظ اعتقادی با هم یکسان نیستیم؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

نه، چرا که آنان متحمل مسائلی می‌شوند که شما متحمل آن نشدید، و بر مشکلاتی استقامت به خرج می‌دهند که شما به آن مرتبه نرسیده اید. (2)

و از محمد بن فضیل از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر روایت است که در تفسیر آیه شریف:

1. بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند.

2. تفسیر العیاشی 2 / 124 ح 30، و به نقل از آن: مجلسی، بحار الانوار 68 / 34.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

{إِلَّا الْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ} (1)

فرمود: به خدا سوگند اینان آن دسته از شیعیان ما هستند که مقید به خواندن بیش از پنجاه رکعت نماز در شبانه روز (نمازهای نافله) هستند.

محمد بن فضیل گوید: پرسیدم آیه {وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ} (2) در باره چه کسانی است؟

پاسخ دادند:

اینها آن دسته از شیعیان ما هستند که تنها به خواندن نمازهای پنجگانه واجب اکتفا می‌کنند.

محمد بن فضیل گوید: پرسیدم آیه {وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ} در باره چه کسانی است؟

پاسخ دادند: به خدا سوگند که آنها هم از شیعیان ما هستند. (3)

همچنین از عنبسه عابد، از حضرت امام باقر × در تفسیر آیه شریف:

{كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ} (4); آنان شیعیان ما اهل بیت هستند. (1)

1. غیر از نمازگزاران؛ همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند.

2. و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.

3. آیات به ترتیب: سوره های معارج / 22 و 23، واقعه / 27 * تأویل الآيات الظاهرة / 2

742 ح 4، و به نقل از آن: بحارالانوار / 87 / 46 ملحق به ح 40.

4. هر کسی در گرو دستاورد خویش است * به جز یاران دست راست.

ویژگی‌های هویتی جماعت صالحان

و از یعقوب بن میثم روایت شده که در کتاب پدرش چنین دیده، که حضرت علی × فرموده است:

از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: خداوند متعال فرموده است: {إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ} (2)

سپس رو به حضرت علی × کرده و فرمودند:

آری، توای علی و شیعیانت، و وعده گاه تو و آنان در فردای قیامت بر سر حوض کوثر است در حالی که همگی با چهره‌های درخشان، سرمه بر چشمان و تاج بر سر خواهید بود. (3)

و از جابر از امام باقر × روایت شده است که در باره آیه شریف: {إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ} (4) فرموده است: آنان شیعیان ما اهل بیت هستند. (5)

بدون شک انتزاع این صفات از قرآن کریم و تطبیق آنها بر پیروان اهل بیت ^ بعضی از آن ابعاد را که در گذشته به آن اشاره کردیم

1. برقی، المحاسن 1 / 275 ح 536 و به نقل از آن: بحار 68 / 29 ح 58.
2. در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگاند.
3. مجلسی، بحار الانوار 65 / 53 - 54 ح 96 به نقل از: کنز الفوائد، همچنین ر.ک: تفسیر ابن جریر طبری 30 / 171 * الدر المنثور 8 / 589 چاپ دار الفکر * الصواعق المحرقة / 161.
4. در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگاند.
5. برقی، المحاسن 1 / 275 ح 537 و به نقل از آن: بحار 68 / 30 ح 59.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

برای جماعت صالح محقق می کرد، مثل بُعد اسلامی، بُعد انسانی، اخلاقی و بُعد تاریخی که به ترتیب، ابعاد اول، چهارم و دوم بودند.

چه اینکه نسبت دادن این صفات به افراد جماعت صالح، خط سیری را که این جماعت می بایست بر اساس آن حرکت کند، برای آنان مشخص نموده، مفاهیم بلندی را که در این صفات و ویژگی ها نهفته است، در دل و جان آنان ایجاد می کرد.

احادیث بسیاری در توصیف رفتار شیعه و تعهد و تقید آنان وارد شده است که قبلاً در بحث اهداف و ویژگی ها به بعضی از آنها اشاره کردیم. از جمله احادیثی که در این زمینه وارد شده و در این رابطه از جامعیت خوبی برخوردار است، روایتی است که از ابوبصیر از حضرت امام صادق \times نقل شده که فرمود:

شیعتنا أهل الورع، و أهل الوفاء و الأمانة، و أهل الزهد و العبادة، أصحاب إحدى و خمسين ركعة في اليوم و الليلة، القائمون بالليل، الصائمون بالنهار، يزكون أموالهم، و يحجون البيت، و يجتنبون كل محرم.

شیعیان ما اهل پرهیزگاری، و فاء امانت داری، و اهل عبادت و پارسایی هستند آنانند که در هر شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می خوانند، شبها به عبادت ایستاده و روزها در حال روزه داری هستند. آنان زکات اموال خویش را می پردازند، حج خانه خدا را به جا می آورند و از هر حرامی پرهیز می کنند.⁽¹⁾

1. صدوق، صفات الشیعه / 2 و به نقل از آن: بحار 68 / 167 ح 33.

(4) وابستگی

اهل بیت [^] در زمینه وابستگی شیعیان بر این نکته تأکید دارند که این تشکل، وابسته به خداوند متعال، اسلام، پیامبر اکرم ' و اهل بیت [^] می‌باشد؛ چرا که شیعیان چه از لحاظ وابستگی و چه از لحاظ انتساب، از اهل بیت [^] به شمار می‌آیند. اهل بیت [^] نیز بر اساس قاعده قرآنی که می‌فرماید:

{إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا} (1)

در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند.

سزاوارترین مردمان به خدا، پیامبر و اسلام هستند. و نیز به دلیل روایت متواتری که درباره سلمان فارسی نقل شده است که پیامبر در باره او فرمود:

سلمان منا اهل البیت.

سلمان از ما اهل بیت است.

و چنان که گذشت، روایات متعددی نیز آمده است که وجود این حقیقت را در پیروان اهل بیت [^] مورد تأکید قرار می‌دهد:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

از عمر بن یزید روایت شده است که گفت: حضرت امام صادق × فرمودند:

ای فرزند یزید، به خدا سوگند که تو از ما اهل بیت هستی.

عرض کردم: قربانت گردم، از آل محمد؟

فرمودند:

آری، به خدا سوگند از خود آنان. ای عمر، آیا کتاب خداوند عزّ و جلّ را نخوانده‌ای که فرماید: {در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، [و نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند: و خدا سرور مؤمنان است}؟

آیا این سخن خداوند را - که نامش بلند مرتبه باد - نخوانده‌ای؟
که فرماید: {فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ كَفُّورٌ رَحِيمٌ} (1)، (2)

و از سدید روایت شده است که گفت: حضرت امام صادق × فرمودند:

أنتم آل محمد، أنتم آل محمد.

شما آل محمد هستید، شما آل محمد هستید. (3)

-
1. پس هر که از من پیروی کند، بی گمان او از من است، و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین، تو آمرزنده و مهربانی.
 2. آیات به ترتیب در سوره‌های آل عمران / 68، ابراهیم * 36 طوسی، الأملی / 45 ح 53، و به نقل از آن: بحار 68 / 20 ح 32.
 3. برقی، المحاسن 1 / 238 ح 435، و به نقل از آن: بحار 68 / 28 ح 53.

و چنین است سخن پیامبر اکرم^ص:

سلمان منا أهل البيت.

سلمان از ما اهل بیت است.⁽¹⁾

عیاشی هم در تفسیر خود، از حضرت امام صادق^ع × روایت کرده است که فرمود:

هر کس ولایت آل محمد را بپذیرد و آنان را به واسطه امتیازی که به سبب خویشاوندی با پیامبر دارند از سایر مردم برتر بداند، به جهت جایگاهی که در نزد آل محمد پیدا می‌کند از آل محمد است، نه اینکه عین شخص آنها باشد، بلکه به واسطه قبول ولایت و پیروی از آنان جزو آنان به حساب می‌آید و این است معنی حکم خداوند متعال در قرآن: {و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود} و همچنین معنی سخن ابراهیم: {پس هر که از من پیروی کند، بی گمان او از من است، و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین، تو آمرزنده و مهربانی⁽²⁾}.⁽²⁾

1. طبرسی، مجمع البیان 2 / 427 - 428، و به نقل از آن: بحار 20 / 189* تاریخ

طبری 2 / 235* متقی هندی، کنز العمال 11 / 316 حدیث شماره 33336.

2. آیات در سوره‌های: مائده / 51، ابراهیم / 36، تفسیر العیاشی 2 / 231 و به نقل از آن:

بحار 68 / 34 ح 73.

(5) مقام و جایگاه

اهل بیت [^] تأکید فراوانی بر این نکته داشته‌اند که پیروانشان از لحاظ رتبه، فضیلت، و اجر و ثواب و مقام در نزد خدا و مقام و مرتبه معنوی، از فضیلت، ثواب، و اجر بسیار زیادی برخوردار هستند.

از حضرت علی بن ابی طالب × روایت شده است که فرمود:

اهل ولایت ما در روز قیامت، با چهره‌هایی درخشان، زشتی‌هایی پوشیده و در امان از هر بیم، از قبرهای خود خارج می‌شوند. مشکلات بر آنان آسان، و راه عبورشان سهل و هموار گشته است. مردم همه اندوهگین و آنان شادمان هستند، امنیت و ایمان به آنان اعطا گشته احزان و ناراحتی‌های ایشان پایان پذیرفته است. آنان در حالی که کفش‌هایی از طلا به پا دارند که بندهای آن از نور است، با شترانی سپید و بال دار حمل می‌شوند تا در سایه عرش خداوند رحمان بر منبرهای از نور بنشینند، در برابر آنان سفره‌هایی است و تا کار حساب رسی مردمان به فرجام برسد آنان بر سر همان سفره خواهند بود.⁽¹⁾

سلمان فارسی گوید:

روزی در نزد رسول خدا 'نشسته بودم که ناگاه علی بن ابی طالب × به سمت ما آمد، پیامبر اکرم ' به او فرمودند:

ای علی، آیا تو را بشارت دهم؟ عرضه داشت: آری ای رسول خدا. فرمود: این حبیب من جبرئیل است که از جانب خداوند متعال به من خیر

1. قرب الإسناد/ 101 - 102 ح 341 و به نقل از آن: بحار 68 / 15 ح 17.

داده که خدا به شیعیان و محبان تو هفت امتیاز داده است: مدارا در هنگام جان کندن، انس در هنگام وحشت، نور در تاریکی، امنیت در هنگام ترس، عدالت در پای میزان حساب، مجوز عبور از صراط، و ورود به بهشت هشتاد سال زودتر از دیگر مردمان.⁽¹⁾

و از زید بن علی، از پدراننش از حضرت علی × نقل است که فرمود:

از حسادت حسودان نسبت به خود به نزد پیامبر اکرم ' شکایت بردم، فرمود: آیا خشنود نمی‌شوی که یکی از چهار نفری باشی که پیش از همه وارد بهشت می‌شوند: من و تو، نوادگان ما به دنبال سر ما و شیعیان ما در چپ و راست ما.⁽²⁾

دارقطنی، حدیثی را از رسول خدا ' در کتاب خود آورده که فرمود:

یا أبا الحسن، أما أنك و شیعتك في الجنة.⁽³⁾

ای ابوالحسن، بدان که تو و شیعیانت در بهشت هستید.

از ابوسعید خدری از امّ سلمه، همسر رسول خدا ' نقل شده است که گفت:

-
1. صدوق، الأمالی / 416 ح 548 و به نقل از آن: بحار 68 / 9 ح 4.
 2. مجلسی، بحار الانوار 65 / 17، ر.ک: متقی هندی، کنز العمال 12 / 49 ح 34200* ابن عساکر، تاریخ بغداد 2 / 329 ح 835* ابن حجر، الصواعق المحرقة / 161 با اندکی اختلاف در الفاظ.
 3. ابن عساکر، تاریخ بغداد 12 / 289.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

در شبی که رسول خدا در نزد من بود، فاطمه ÷ در حالی که علی × نیز به همراهش بود بر پیامبر وارد گردید، پیامبر به علی × فرمود: تو و یارانت در بهشت هستید، تو و شیعیان در بهشت هستید.⁽¹⁾

مغازلی به سند خود از انس بن مالک نقل کرده است که گفت: رسول خدا ' فرمودند:

هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب رسی وارد بهشت می شوند، سپس رو به علی × کرده و فرمودند: آنان شیعیان تو، و تو امام آنان هستی.⁽²⁾

از حضرت امام باقر × نیز روایت است که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ سه خصلت به مؤمن اعطا فرموده است: عزت در امر دین و دنیا، پیروزی و رستگاری در آخرت، و هیبت در دل مردم جهان.⁽³⁾

از حضرت رضا × از پدران بزرگوارش نیز چنین روایت است که:

همانا مؤمن در آسمان شناخته شده است همان گونه که مردی خانواده و فرزندان خود را می شناسد، و وی در نزد خداوند متعال از ملائکه مقرب نیز کرامت بیشتری دارد.⁽¹⁾

1. ابن حجر، الصواعق المحرقة / 161* ابن عساکر، تاریخ بغداد 12 / 358.
2. مفید، ارشاد 1 / 42 و به نقل از آن: بحار 68 / 31 ح 66* ابن مغازلی، المناقب / 393 ح 335* ابن حجر، لسان المیزان 4 / 359 - 360* خوارزمی، المناقب 328 ح 343.
3. کلینی، الکافی 8 / 234 ح 310* صدوق، الخصال 1 / 156 ح 157، و به نقل از آن: بحار 68 / 16 ح 21.

ویژگی‌های هویتی جماعت صالحان

علاوه بر این، مقاماتی نیز هست که پیروان اهل بیت [^] در آخرت از آن بهره مند می‌گردند:

از ابوبصیر از حضرت امام صادق \times روایت است که فرمود:

به خدا سوگند که ما (اهل بیت) جز شما شیعیان کسی را نداریم، و شما در اعلیٰ علیین (بالاترین درجات بهشت) با ما هستید، پس برای کسب مقام و مرتبه بالاتر با یکدیگر رقابت کنید.⁽²⁾

اهل بیت [^] همچنین درجات بالایی را که قرآن کریم برای مؤمنان خالص اختصاص داده است، مانند: سابقون یا فائزون بر شیعیان و پیروان خود تطبیق فرموده‌اند.

از ابن عباس روایت شده است که از پیامبر اکرم ['] در باره آیات: {وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ}⁽³⁾ پرسیدم. به من فرمودند:

جبرئیل \times به من خبر داده است که این افراد، علی و شیعیان او هستند، اینها هستند که چون خداوند متعال آنان را گرامی داشته، به سوی بهشت سبقت می‌گیرند و به خداوند متعال نزدیک هستند.⁽⁴⁾

و از حضرت رضا \times از پدران بزرگوارش روایت شده است که فرمود:

1. صدوق، عیون أخبار الرضا 1 / 37 ح 62، و به نقل از آن: بحار 68 / 18 - 19 ح 26.
2. برقی، المحاسن 1 / 238 ح 433، و به نقل از آن: بحار 68 / 27 - 28 ح 51.
3. و سبقت گیرندگان مقدمند؛ آنانند همان مقربان [خدا]، در باغستانهای پر نعمت.
4. آیات در سوره واقعه/ 10 - 12 * الأملی، مفید/ 298 ح 7 * طوسی، الأملی: 72 ح 104، و به نقل از این دو: بحار 68 / 20 ح 33.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

شیعیان علی همان رستگاران و کامیابان روز قیامت هستند.⁽¹⁾

نیز از جابر بن یزید، از حضرت امام باقر × روایت است که فرمود:

از امّ سلمه همسر گرامی پیامبر اکرم ' در باره علی بن ابی طالب × سؤال کردم، گفت: از رسول خدا ' شنیدم که: علی و شیعیان او همان رستگاران و کامیابان هستند.⁽²⁾

روشن است که این مراتب و درجات، تعبیری از ابعاد چهارگانه هویت جماعت صالحان است: بُعدهای: اسلامی، تاریخی، سیاسی و انسانی.

با این توصیفات، هویت یک فرد مؤمن شیعه معتقد به ولایت خداوند عزّ و جلّ، پیامبر اکرم ' و اهل بیت [^] به عنوان جزئی از نظام عامی که اهل بیت برای این تشکل وضع کرده‌اند، مشخص می‌شود.

1. صدوق، عیون أخبار الرضا 1 / 57 ح 201* صدوق، الأملی / 149 - 150، و به

نقل از این دو: بحار 68 / 9 ح 5.

2. مفید، الإرشاد / 1 / 41 و به نقل از این دو: بحار 68 / 31 ح 64.

3

روابط داخلی و خارجی

[1] رابطه میان جماعت صالحان و مرجع

رابطه جماعت صالحان و مرجع رابطه‌ای سازمان یافته و اساسی است که تنظیم کننده امور این گروه است؛ زیرا که مرجع محور اصلی این نظام، و امت به مثابه پی و بنیانی است که اصل نظام بر آن تمرکز دارد.

ابعاد رابطه با مرجع دینی را می‌توان در نکات ذیل خلاصه کرد:

اول: کسی که به عنوان ولایت دینی و سیاسی در جماعت صالحان طرف رابطه مردم قرار می‌گیرد و مرجع نام دارد، انسانی صالح و دارای همه صفات کمالی است، نه صرف صفات شخصی که گذشته از ویژگی‌های اساسی چون عقل و امثال آن، در صفاتی از قبیل عدالت، اجتهاد، کاردانی، و اوصاف شخصی چون شجاعت و غیر آن نمود پیدا می‌کند و در بخش اول با آنها آشنا شدیم.

با توجه به این نکته است که تفاوت مرجع با پیامبر و امام معلوم می‌شود؛ زیرا شخص پیامبر و امام از جانب خدا برای این مناصب انتخاب می‌شوند اما در مرجع این عنوان و صفات است که از جانب خدا انتخاب می‌شود نه شخص .

این نوع از ولایت، چه در سطح عواطف و احساسات نظیر محبت و تقدیس، چه در سطح رفتارها و آداب کلی اجتماعی همچون احترام و

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

بزرگداشت، چه در سطح تعهد و پای بندی مانند عهد و بیعت، و چه در سطح امور اجرایی مانند وجوب اطاعت، فرمانبرداری، همیاری، اخذ مسائل شرعی، پذیرش سخنان و احکام مرجع و تسلیم در برابر آنها، ابعاد و مضامین متعددی پیدا می کند.

در این راستا ناچار باید به این مسئله اشاره کنیم که مرجع ممکن است گاه مرجع فتوا باشد که وظیفه مردم اخذ آموزه های دینی از او است، و گاه ممکن است مرجع در قضاوت و حل و فصل خصومت ها و اختلافات باشد که وظیفه مردم در قبال وی پذیرش احکام او بوده، گاهی هم ممکن است مرجع در ولایت امر و مسائل سیاسی اجتماعی باشد که وظیفه مردم اطاعت از اوامر و فرمان های وی و سر فرود آوردن در برابر حکومت اوست.

حال اگر شرایط تصدی هر سه نوع مرجعیت در یک نفر جمع شد، یک مرجع عهده دار امر می گردد. گاه نیز به دلیل تعدد شایستگی ها و اختلاف در سطح لیاقت یا به دلیل عدم تصدی یک مرجع در سراسر مملکت یا در یک منطقه معین برای همه این مراتب، مراجع، متعدد می شوند. در این صورت بر مردم لازم است که در یکی از زمینه های خاص فتوا، قضاوت و ولایت، یا در یک منطقه خاص که چند مرجع در آن وجود دارند و یا در تشخیص یک موضع سیاسی، عملی یا حقوقی، به دانشمندترین شخص از میان مراجع متعدد (اعلم) رجوع کنند. بدین ترتیب، مرجعیت بر حسب قابلیت ها، شایستگی ها و تجربیات اشخاص، به صورت تخصصی در می آید.

دوم: معیارهایی که در میزان و سطح روابط تشکیلاتی مردم با مقام مرجعیت و رهبری، همچنین تعیین مراتب تشکیلاتی افراد جماعت صالحان در برقراری رابطه با مرجع - البته در چارچوب ضوابط و ویژگی‌های اصلی که اسلام برای میزان برتری مردم نسبت به یکدیگر قرار داده - تأثیر گذار می‌باشد؛ آنجا که همین معیارها درجات تشکیلاتی و سازمانی جماعت صالح را تشکیل می‌دهند؛ ویژگی‌هایی چون ایمان به خدا، رسالت و امامت، تقوی، جهاد، علم و پیشگامی در فداکاری.

سوم: اینکه طبیعت رابطه افراد جماعت صالحان با مرجع - به شکل عام - رابطه‌ای الزامی و اجبی است که با خود مسئولیت‌ها، حقوق و واجباتی را به همراه دارد، که با تکالیف شرعی هر کدام از طرفین (هم مرجع و هم انسان مؤمن عضو جامعه شیعی) در ارتباط است و هیچ یک از آنها در قبال دیگری حق انتخاب ندارند.

چهارم: اینکه این رابطه از طریق دو خط حرکتی که با هم تلاقی دارند به وجود می‌آید:

1. خطی که مربوط به مرجع است و آن، تحمل مسئولیت تصدی و قیام به مسئولیت‌ها و واجباتی الهی همچون تبلیغ، تزکیه و تعلیم است.

2. خطی که مربوط به انسان مؤمن است که او نیز باید مسئولیت تحقیق برای رسیدن به حقیقت و انتخاب مرجع و برقرار کردن ارتباط با محور نظام (مجتهد عادل) را پذیرفته و پس از رسیدن به حقیقت، پای بندی و

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

تقید به مضمون این ارتباط، از لحاظ اخلاقی و دینی - چنان که در بخش اول بدان اشاره شد - بر او واجب می‌شود.

حضرت علی × فرموده است:

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که: از خیرخواهی برای شما دریغ نکنم، بیت المال را به عدالت در میان شما تقسیم کنم، شما را دانش بیاموزم تا از نادانی رهایی یابید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بشناسید. اما حق من بر شما این است که: به بیعتی که با من کرده اید وفادار بوده، در آشکار و نهان بر ایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخوانم، اجابت کنید و هرگاه فرماتتان دادم، فرمانم را اطاعت نمایید.⁽¹⁾

بنابر این، مرجع نقش سیاسی، دینی، اجتماعی و حقوقی خود را عهده دار گشته، انسان مؤمن نیز، باید برای یافتن چنین مرجعی و اطمینان از موجود بودن شرایط و مشخصات مطلوب در او، تحقیق و تفحص نماید تا حقیقت را کشف کرده، موضع صحیح را بیابد؛ امری که از مضمون این حدیث معروف و مشهور نشأت گرفته است:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.⁽²⁾

1. نهج البلاغه / خطبه 34.

2. مسند احمد 4 / 96، طبرانی، معجم کبیر 10 / 350، شهرستانی، الملل و النحل 1 / 172، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه 9 / 155، کنز العمال 1 / 207 - 208، ینابیع الموده 137 چاپ نجف، و 117 چاپ استانبول، و بسیاری از منابع معتبر دیگر.

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

همچنین حدیث شریف:

فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُوهُ. (1)

ببینید دانش خود را از چه کسانی دریافت می‌کنید.

از دیگر سو می‌بینیم، افراد جماعت صالحان در راستای این روابط، همیشه مرجع و رهبر اسلامی خود را شناخته‌اند به گونه‌ای که این امر جزو فرهنگ عمومی ویژه پیروان اهل بیت ^ع در آمده و در میان آنان به عنوان تقلید شناخته شده، و آنان همواره به انجام وظایف خود در قبال آن پای بند بوده‌اند. اما از جهت دیگر، ضرورتی در این نیست که مرجع نیز همه افراد جماعت صالحان را بشناسد بلکه مرجع می‌تواند بدون شناخت آنها به انجام مسئولیت‌های کلی خود در قبال ایشان بپردازد.

با این بیان به روشنی می‌توان تفاوت‌های بنیادی نظام جماعت صالح با سایر تشکیلات حزبی شناخته شده را دریافت؛ آنجا که ولایت در تشکیلات حزبی معمولاً برای خود تشکیلات است نه برای شخص صالح و شایسته. معیارهای برتری افراد نسبت به یکدیگر نیز، دایرمدار میزان فعالیت‌های حزبی است نه معیارهای واقعی. بنابر این، فعالیت احزاب برای جذب عموم افراد به حزب از طریق فعالیت رهبری در جهت برقرار کردن رابطه با افراد است، نه حرکت افراد مؤمن برای شناخت رهبری. همچنین در تشکیلات حزبی لازم است که رهبری تمام افراد را بشناسد

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و در عوض گاه ممکن است افراد او را نشناخته هویتش حالت سرّی داشته باشد، اما در جماعت صالح برعکس این جریان حاکم است و لازم است که همه افراد، رهبر را کاملاً بشناسند.

چنان که ملاحظه شد اگر تشکیلات حزبی را بیرون از دایره جماعت صالحان و در عرض آن فرض کنیم، ساختاری کاملاً برعکس تشکیلات جماعت صالحان خواهد داشت که نظام مرجعیت و ولایت است و اهل بیت [^] آن را بنا نهاده‌اند. اما اگر تشکیلات حزبی را در چارچوب جماعت صالحان و مؤسسه‌ای در داخل آن بدانیم، می‌توان آن را جزو زیر مجموعه‌های این تشکل قرار داد.

چگونگی ارتباط

ائمه اهل بیت [^] پس از مشخص کردن حدود و مضمون روابط میان رهبری و امت، و تأکید بر اهمیت نقش رهبری دینی و اهمیت امامت و ولایت خود در میان اقشار مختلف شیعه، و پس از اینکه این موضوع به وضوح در ذهن عموم اقشار جماعت جا گرفت، از راه تبیین و توضیح و مشخص نمودن شکل این رابطه میان خود و پیروان خود، شروع به سازماندهی این پیروان کردند.

اهل بیت [^] دو شکل از ارتباط را مطرح کرده، هر دو را از این باب که مکمل یکدیگر بوده و هر دو با هم مطلوب می‌باشند، به صورت موازی و متوازن مورد تأکید قرار دادند:

1- ارتباط مستقیم: اولین شکل از ارتباط، اتصال مستقیم به خود اهل بیت [^] و رهبری دینی از راه دیدار و زیارت شخص آن بزرگواران،

روابط داخلی و خارجی

دریافت مستقیم مطالب از آنها و شنیدن راهنمایی‌ها و ارشادات ایشان با تحمل رنج سفر یا نامه نگاری و یا استفاده از فرصت‌های مناسب مانند حج، جهت دیدار با آن بزرگواران بود، به ویژه که اهل بیت ^۸ در همین دوران بسیار مایل به این شکل از ارتباط بودند و نامه‌هایی حاوی سفارشات ارشادی همگانی برای شیعیان و پیروان خود ارسال می‌نمودند.

روایات بسیاری را یافته‌ایم که بر اجرای همین روش و اتخاذ این شکل و اسلوب ارتباطی تصریح دارند، چه اینکه روایات دیگری نیز داریم که از لا به لای مطالب آنها می‌توان اشاراتی بر انجام این شکل و رویه ارتباطی توسط اهل بیت ^۸ و شیعیانشان و میل شدید به آن یافت. روایات بسیاری نقل شده که از آنها استفاده می‌شود سفر حج با دیدار و زیارت ائمه ^۸ تکمیل می‌شود:

کلینی با سند صحیح از حضرت امام محمد باقر × نقل کرده است که فرمود:

إِنَّمَا أَمْرَ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَجْرَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُوا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيُعْرَضُوا عَلَيْنَا نُصَرِّتَهُمْ. ⁽¹⁾

مردم تنها به این جهت فرمان یافته‌اند به زیارت این سنگ‌ها بیایند و به دور آنها طواف کنند که پس از آن، نزد ما بیایند و ما را از ولایت خود با خبر کرده، یاری خود را به ما عرضه بدارند.

1. کلینی، الکافی 4 / 549 ح 1.

تقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

جابر نیز از حضرت امام باقر × نقل کرده که فرمود:

تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ. ⁽¹⁾

تکمیل حج به دیدار امام است.

و یحیی بن یسار نیز گفته است:

به همراه حضرت امام صادق × به سفر حج مشرف شدیم، آن حضرت

فرمودند:

حَاجَّ بَيْتَ اللَّهِ وَ زَوَّارَ قَبْرِ نَبِيِّهِ ' وَ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ! هَنِيئاً لَكُمْ.

ای حجاج بیت الله ای زائران قبر پیامبر خدا ' و ای شیعیان آل محمد!

[این شرافت] بر شما گوارا باد. ⁽²⁾

ذریح محاربی به حضرت امام صادق × عرض کرد:

خداوند در کتاب خود مرا به کاری فرمان داده که دوست می‌دارم آن را

به انجام برسانم.

آن حضرت فرمودند: چه کاری؟

گفتم: خداوند فرموده است: {ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ} ⁽³⁾

آن حضرت در پاسخ فرمودند: مراد از عبارت {سپس باید آلودگی خود

1. کلینی، الکافی 4 / 549 ح 2.

2. کلینی، الکافی 4 / 549 ح 3.

3. سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند.

را بزدایند { دیدار امام است و عبارت: { رو به نذرهای خود وفا کنند } به معنی انجام آن مناسک است.

و نیز عبدالله بن سنان به امام صادق \times عرض می کند:

قربانت شوم، کلام خداوند متعال که می فرماید: {ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ} ⁽¹⁾ به چه معنی است؟

آن حضرت فرمودند:

چیدن موی اضافه سبیل، گرفتن ناخن و کارهایی نظیر آن.

عرض کردم: ذریح محاربی از شما نقل کرده است که در تفسیر این آیه، قسمت اول را به دیدار امام و قسمت دوم را به انجام مناسک تفسیر کرده اید. آن حضرت در پاسخ من فرمودند:

ذریح راست گفته است، من نیز راست گفتم، چرا که قرآن دارای ظاهری و باطنی است، اما چه کسی قدرت تحمل چیزی را دارد که ذریح توان تحمل آن را دارد؟! ⁽²⁾

همچنین از حضرت امام صادق \times نقل شده که فرمود:

إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيُحْتِمِ حَجَّهُ بِيَارَتِنَا، لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ.

هر گاه یکی از شما حج به جای آورد، باید حج خود را با زیارت ما خاتمه دهد که این باعث کامل شدن حج او می شود. ⁽¹⁾

1. همان.

2. کلینی، الکافی 4 / 549.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

علاوه بر اینها روایات بسیاری وجود دارد که بر اهمیت زیارت ائمه [^] چه در زمان حیات و چه پس از رحلت ایشان تأکید می‌کند. از پیامبر اکرم ' نقل شده که فرمود:

ای علی، هرکس مرا در زمان حیات یا پس از مرگم زیارت کند، و هرکس تو را در زمان حیات یا پس از مرگت زیارت کند، و هرکس دو پسر تو را در زمان حیات یا پس از مرگشان زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از سختی‌ها و ترس‌های روز قیامت نجات دهم تا اینکه او را در بهشت در درجه خود جای دهم.⁽²⁾

و چنین است روایاتی که بر این نکته تأکید می‌کند که ائمه [^] در انتظار دیدار شیعیان و محبان خود بوده‌اند:

علی بن عبدالعزیز می‌گوید: از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

به خدا سوگند، که من بوی شما، روح‌های شما و دیدار و زیارت شما را دوست می‌دارم. و من بر دین خدا و فرشتگان او هستم، پس شما هم با پرهیزگاری در این امر یاری ام کنید. من در مدینه مانند مویی هستم تنها و بی قرار، تا اینکه یکی از شما شیعیانم را ملاقات کنم و با دیدن او آرامش یابم.⁽³⁾

1. صدوق، علل الشرایع / 459 ب 221 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعة 10 / 257 ح 16.

3. برقی، المحاسن 1 / 264 ح 510.

همچنین روایاتی که شیعیان را فرمان می‌دهد تا در هنگام شک و حیرت یا اختلاف در احادیث منقول از ائمه[^] دست نگه داشته و تا زمان رجوع به ائمه[^] منتظر بمانند، تأکید کننده همین شیوه است.

در پایان روایت معروف به مقبوله^{عمر بن حنظله} چنین آمده است:

اگر چنین شد (یعنی اگر هیچ یک از موارد ترجیح یکی از دو حدیث متعارض بر دیگری یافت نشد و امر کاملاً مشتبه گردید) این امر را واگذار [و احتیاط پیشه کن] تا امام خود را ملاقات نمایی، چرا که توقف و دست نگه داشتن در شبهات، بهتر از افتادن در وادی هلاکت است.⁽¹⁾

این شکل و روش، ویژگی منحصر به فرد نظامی است که اهل بیت[^] برای جماعت صالحان وضع نمودند، و جدا کننده این نظام از تشکیلات حزبی، نظامی یا سازمان‌های مخفی است که اصولاً مبتنی بر سلسله مراتب بوده و معمولاً رهبری سیاسی و مرجعیت دینی در آنها به صورت مخفی و در پشت نمای ظاهری تشکیلات و درها و پرده‌ها پنهان است. اما در این نظام تا حدی که شرایط امنیتی یا امکانات فعلی اجازه دهد و حالت‌های استثنایی مانند زندان، محاصره و غیبت موجود نباشد، دیدار و تماس مستقیم و به اندازه کافی باز، لازم و ضروری است.

2. نظام وکلا: دومین شکل ارتباط، تعیین وکیلان و افراد مورد اعتماد ائمه[^] در مناطق مختلفی بود که تعدادی از پیروان اهل بیت[^] در آن

1. حر عاملی، وسائل الشیعة 18 / 76 ح 1.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

مناطق زندگی می کردند. ائمه [^] این دسته از پیروان خود را به این افراد ارجاع می دادند، به ویژه پس از اینکه گستره مناطقی که پیروان اهل بیت [^] در آن می زیسته اند رو به افزایش نهاده بود.

این وکیلان، نقش های متفاوتی را به عهده داشتند، مانند بیان احکام شرعی، بیان موضع گیری های سیاسی و اجتماعی، راهنمایی ها، ارشادات و نصیحت های اخلاقی، حل و فصل دعاوی و نزاع ها یا تصدی بعضی از کارهایی که مربوط به امام است، مثل سرپرستی اوقاف و محجورین که بدون سرپرست هستند، آنجا که می بینیم بعضی از آنها اجمالاً و بعضی دیگر به صورت تخصصی به این امور می پرداخته اند.

از تاریخ چنین بر می آید که این تشکیلات به صورت محدود در زمان همه ائمه [^] وجود داشته است، اما در زمان امام صادق \times به وسیله مردان شناخته شده ای آشکار شد که امام صادق \times - چنان که در بخش اول در مبحث افتا بدان اشاره کردیم - برای فعالیت های مختلف فقهی و غیره انتخاب می کرد و در زمان حضرت امام موسی کاظم \times توسعه پیدا کرد. این مطلب را می توان از آنجا دریافت که پیدایش مذهب واقفیه در اثر طمع بعضی از همین وکیلان به اموالی که در نزد آنها بود، ایجاد شد.⁽¹⁾

1. واقفیه کسانی هستند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر توقف کرده و منکر امامت ائمه پس از ایشان [^] هستند. البته ممکن است که بعضی هم عنوان واقفیه را به کسانی که بر سایر ائمه [^] توقف نموده اند اطلاق کنند، اما ذکر این نام به صورت مطلق دلالت بر همان کسانی دارد که بر امام کاظم \times توقف کرده اند.
در این رابطه، اسبابی چند دخیل بوده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

پس از امام کاظم × نظام وکلا یکی از نهادهای ثابت در زمان ائمه^۸ و پس از آن بود، به نحوی که این ویژگی، معرف بعضی از افراد بود تا اینکه در زمان غیبت صغری ساختار اصلی خود را پیدا کرد؛ آنجا که نوآب اربعه (چهار نایب خاص صاحب الزمان)^(۱) متحمل

الف - طمع به اموال و دارایی‌هایی که بعضی از وکیلان که رابطه آنان با امام × طبیعتاً قدری سرری بوده است، جمع آوری کرده بودند؛ خصوصاً که در زمان امام کاظم × - چنانکه در مبحث نظام اقتصادی جماعت صالح به آن اشاره خواهیم کرد - خمس به صورت گسترده‌ای از سوی شیعیان پرداخت می شد.

ب - فعالیت سیاسی فراگیر و گسترده امام کاظم × و تحولات سیاسی در دولت عباسی تا زمان هارون الرشید، بسیاری از افراد جماعت صالح را بر آن داشته بود تا معتقد شوند که حضرت امام کاظم همان امامی است که به امر (اصلاح جهان) قیام می کند و منتظر و چشم به راه چنین واقعه‌ای بودند. به همین دلیل است که وقتی که آن حضرت در زندان به صورت مرموز و پیچیده‌ای به شهادت رسیدند، زمینه مناسبی برای این ادعا وجود داشت.

ج - حضرت امام علی بن موسی الرضا ÷ نیز در ابتدای زمان امامت، پسری که جانشین ایشان باشد نداشتند، و تفکر شیعه در باره امامان این بود که باید لزوماً دارای پسری باشند تا جانشین آنان شود، و بدین ترتیب سلسله آنان تا امام دوازدهم متصل بماند. مدعیان توقف امامت در موسی بن جعفر ÷ از این نکته برای پیش برد اهداف خود سوء استفاده کردند تا منصب امامت را از حضرت امام علی بن موسی الرضا ÷ بازگردانند، خصوصاً که ولادت فرزند آن حضرت، یعنی حضرت جواد × پس از گذشت مدتی نسبتاً طولانی از امامت آن حضرت اتفاق افتاد. اینجاست که می بینیم فعالیت‌های آن حضرت به خصوص پس از ولادت فرزندش حضرت امام جواد × به گونه‌ای پیش رفت که آن حضرت تقریباً موفق به نابود کردن فرقه واقفیه شدند.

۱. چهار نایب خاص عبارت بودند از: عثمان بن سعید عمری، پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمري.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

مسئولیتی بیشتر از وکالت از جانب ائمه [^] شدند و آن نیابت عام از امام حجت منتظر - عجل الله فرجه - در دوران غیبت صغری بود.

از بررسی شخصیت نواب اربعه بر می آید که در وکالت از امام معصوم، عنصر اساسی، وثاقت یعنی راستگویی در حد اعلا، قدرت تحمل مسئولیت و پایداری در راه آن می باشد بدون در نظر گرفتن اینکه آیا از لحاظ علمی یا اجتماعی در درجه اول باشند یا نه؛ چرا که در زمان نواب اربعه بسیار کسان در میان شیعه یافت می شدند که در آن زمان در فضل و دانش بی همتا شناخته شده بودند و آثار باقی مانده از ایشان نیز گواه صادقی بر این مدعاست، مثل شیخ محمد بن یعقوب کلینی که از احیاگران مذهب در ابتدای قرن سوم هجری به شمار می رود؛ یا بعضی دیگر از اشخاصی که از لحاظ وثاقت در حدی نزدیک به سطح نواب اربعه بودند و حتی انتظار می رفت که این وکالت به آنها برسد، اما با همه این احوال، چون این ویژگی ها در شخص دیگری بیشتر یافت می شد، او برای این کار انتخاب شد.

روایتی که شیخ طوسی در کتاب غیبت خود از علی بن بلال بن معاویة مهلبی نقل کرده است بر همین موضوع دلالت دارد، متن روایت چنین است:

علی بن بلال بن معاویة مهلبی گوید:

مشایخ ما گفته اند: ما شک نداشتیم که اگر حادثه ای برای ابوجعفر محمد بن عثمان عمری پیش بیاید یا مرگش فرا رسد، کسی جز جعفر بن احمد بن متیل یا پدرش جای وی را نمی گیرد، زیرا او بسیار به محمد بن عثمان نزدیک بود.

او اکثر اوقات، در منزل محمد بن عثمان به سر می‌برد، حتی خیر رسیده بود که او در آخر عمر خود به واسطه سببی که برایش پیش آمده، غذایی نمی‌خورد مگر اینکه در خانه جعفر بن احمد بن متیل و پدرش تهیه شده باشد. اصحاب ما شک نداشتند، اگر حادثه‌ای پیش بیاید وصیت جز به جعفر بن احمد نخواهد بود که با محمد بن عثمان خصوصیت داشت، اما وقتی این مسئله اتفاق افتاد و ابوالقاسم حسین بن روح انتخاب شد همه تسلیم شدند و انکار نکردند. آنان چنان که با محمد بن عثمان و در کنار او بودند، با حسین بن روح و در خدمت او نیز بودند. جعفر بن احمد بن متیل & هم همان گونه که در خدمت محمد بن عثمان عمری & بود تا هنگام مرگ، در خدمت حسین بن روح & درآمد.⁽¹⁾

[2] روابط داخلی جماعت صالحان⁽²⁾

در مبحث روابط، تنظیم روابط داخلی جماعت صالحان از درجه دوم اهمیت برخوردار است. از همین روست که اهل بیت \times سعی وافری در استوار کردن پایه‌های این نظام بر قواعد ثابت و روشن، بیان مسئولیت این روابط و طبیعت و شکل و آثار و نتایج مترتب بر آن، به خرج دادند.

1. طوسی، الغیبة/ 223 شرح حال حسین بن روح، معجم رجال الحدیث 4 / 52، این حدیث علاوه بر اینکه بر حقیقت ذکر شده در متن اشاره دارد، بر سطح عالی اخلاص و تقوای جعفر بن احمد بن متیل و پدرش نیز دلالت می‌نماید.
2. در قسمت ششم از همین کتاب، بحث مفصل تری در باره نظام روابط میان مسلمانان و مؤمنان در سطح پایه‌ها، قواعد، ضوابط، قوانین و جزئیات روئینای آن ارائه کرده، در آنجا به خطوط کلی این نظام اشاره خواهیم کرد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

مسئله روابط داخلی یکی از ابعاد مهم در چارچوب تشکیلاتی هر جماعت و بطور کلی تشکیلات جامعه به شمار می‌رود؛ چرا که از طریق شناخت طبیعت این روابط و مسئولیت‌ها، لوازم، نتایج، آثار و شکل آنهاست که می‌توان به ارکان جماعت صالح استحکام بخشیده، و بر اساس زیرساخت‌هایی روشن، قدرت استمرار و بقا، رویارویی با شرایط مختلف و سازگاری با آنها را به آن اعطا نمود.

در این راستا می‌بینیم که اهل بیت [^] محتوا و حقوق و شکل این روابط را در نکات ذیل بیان کرده‌اند:

(1) محتوای روابط

اهل بیت [^] محتوای روابط میان افراد جماعت صالحان را ایمان به خداوند متعال و رسالت الهی و التزام به ولایت اهل بیت [^] تعیین کرده‌اند، که این همان رابطه‌ای است که میان دو مؤمن می‌توان آن را تصور کرد:

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ}

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند.

اما نکته‌ای که در اینجا مطرح است این است که این ایمان باید ایمانی کامل باشد، و همین نکته، وجه تمایز جماعت صالحان از سایر طوایف مسلمانان است؛ زیرا کامل شدن ایمان - چنان که قبلاً هم اشاره کردیم - از راه اعتقاد به ولایت اهل بیت [^] امکان پذیر است.

چه اینکه محتوای این رابطه تنها التزام و اعتقاد قلبی صرف نیست، بلکه به درک و احساسات وجدانی در روان انسان نیز امتداد پیدا

روابط داخلی و خارجی

می‌کند؛ آنجا که رنگ مهرورزی و عشق به برادران مؤمن به خود می‌گیرد که در واقع همان عشق به خداوند متعال است و در عین حال محبت به دیگران نیز هست.

امام صادق × فرموده است:

مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ كَمَنْ كَمَلَ إِيمَانُهُ.⁽¹⁾

هرکس دوستی و دشمنی اش با دیگران و دهش و بخشندگی اش نسبت به آنان تنها برای رضای خداوند متعال باشد، از جمله کسانی است که ایمانشان کامل شده است.

و نیز امام صادق × فرموده است:

از مطمئن‌ترین دستاویزهای ایمان، این است که تنها برای جلب رضایت خدا دوست بداری، دشمن بداری سخاوت و بخشندگی کنی یا امساک پیشه نمایی.⁽²⁾

این محبت تنها یک احساس عاطفی صرف نیست، بلکه یکی از دستورات دینی است که انسان برای رسیدن به خداوند متعال آن را پذیرفته و محکم‌ترین دستاویز این ایمان و موجب کامل شدن آن است.

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 431 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 431 ح 2.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

بلکه حتی در حدیث صحیح آمده است که ایمان و دین چیزی جز همین محبت و مودت نیست. فضیل بن یسار می گوید:

از حضرت امام صادق × پرسیدم: یا ابا عبدالله، آیا دوستی و دشمنی هم از اجزای ایمان است؟

ایشان در پاسخ فرمودند:

و هل الإيمان إلا الحبّ و البغض؟ آیا ایمان چیزی جز دوستی و دشمنی است؟

سپس این آیه شریف را تلاوت فرمودند:

{حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ} ⁽¹⁾

در حدیث صحیح دیگری حضرت امام محمد باقر × به زیاد فرموده اند:

وای بر توای زیاد، آیا دین جز دوستی و دشمنی چیز دیگری است؟ آیا سخن خدا را نشنیده ای که فرماید: {اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد}؟

1. (لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین اند] ره یافتگانند) برقی، المحاسن 1 / 9 - 4 ح 930.

آیا سخن خدا را با پیامبرش حضرت محمد ' نشنیده‌ای که فرماید: {لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست}؟

و فرمود: هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند.⁽¹⁾

بنابر این، چنین دوستی بر اساس ایمان به خدا و رسول و اهل بیت [^] و دوستی و محبت آنان، پایه ریزی شده است.

(2) حقوق روابط

این نوع از روابط، در میان مؤمنان خصوصاً و مسلمانان عموماً روابطی مبتنی بر حقوق، مسئولیت‌ها، پای بندی‌ها و وظایف متقابل است. این حقوق به صورت اجمال بدین شرح می‌باشند:

همیاری: از حضرت جعفر بن محمد × از پدرش امام باقر × از پدران گرامی اش نقل شده است که فرمود:

هرکس فریاد دادخواهی مسلمانی را بشنود و به یاری اش نشتابد، مسلمان نیست.

پشتیبانی اجتماعی: آنجا که بر هر مسلمانی واجب است، زشتی‌های برادر ایمانی خود را بپوشاند، از گرسنگی او جلوگیری کرده، در زمان حیات یا پس از مرگش در یاری رساندن به او کوتاهی نکند. تفصیل این بحث در بخش نظام اقتصادی جماعت صالحان خواهد آمد.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

امام باقر × می فرماید:

اگر خانوادهٔ مسلمانی را سرپرستی کنم، از گرسنگی سیرشان نموده، برهنگی آنان را پوشانیده و از ریختن آبروی آنها در اثر ابراز نیاز به مردم جلوگیری نمایم، برایم بسیار محبوب‌تر است از اینکه هفتاد نوبت، حج به جای آورم.⁽¹⁾

سدیر صیرفی بر حضرت امام صادق × وارد شد، گروهی از یاران و اصحاب آن حضرت نیز در نزد ایشان بودند، امام صادق × به سدیر فرمود:

ای سدیر، مادام که شیعیان ما در آنچه به رابطهٔ آنها با خداوند مربوط می‌شود به خوبی نظر کرده، در ارتباط با پیشوایانشان از خود حسن نیت به خرج دهند، به برادران دینی خود نیکی کرده، ضعفا را با عطف و بنوازند و به نیازمندان از مال خود تصدق نمایند، همواره مورد عنایت، محفوظ، پوشیده و در امان خواهند بود.

ما هرگز کسی را به ستمگری و جور فرمان نمی‌دهیم، بلکه شما را به ورع، به ورع، به ورع و به همیاری، همیاری با برادرانتان فرمان می‌دهیم: که دوستان خدا از زمان خلقت حضرت آدم ×، همواره کم تعداد و مستضعف بوده‌اند.⁽²⁾

چنین است روابط ویژهٔ اجتماعی مانند اینکه بر هر مؤمنی واجب است در غیبت برادر دینی خود، او را حفظ کند - که در بحث نظام روابط

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 6 / 259 - 260 ب 2 ح 1.

2. برقی، المحاسن 1 / 258 ح 492.

روابط داخلی و خارجی

به آن خواهیم پرداخت - روایت ذیل از روایاتی است که به همه این مسائل اشاره دارد:

حضرت امام صادق × فرمود:

حق مسلمان بر مسلمان دیگر این است که سیر نباشد و برادرش گرسنه، سیراب نباشد و برادرش تشنه، و پوشیده نباشد و برادرش برهنه.

و فرمود:

آنچه برای خود می‌پسندی برای برادر دینی خود بیسند. هنگام نیاز از او یاری بخواه و در هنگام نیازش او را یاری کن. هیچگاه یاری کردنش را به تأخیر نینداز، او نیز نباید در یاری رساندن به تو تعلل ورزد. همواره پشتیبان او باش که او نیز پشتیبان تو است.

هنگامی که برادرت از نزد تو غایب گردید در پشت سر نیز از او حفاظت کن، و چون به نزد تو بازگشت با وی دیدار کن و او را احترام کرده، بزرگش دار که او از تو و تواز او بی.

اگر برادر دینی تو به دلیلی توییخت کرد تا دلش را به دست نیاورده‌ای ترکش نکن. اگر خیری به او رسید خدا را شکر کن، و اگر به سختی مبتلا گردید به یاریش بشتاب، و اگر در دام دسیسه‌ای گرفتار آمد به او کمک کن.

اگر مردی به برادر خود بگوید: آف (یعنی از تو بیزارم) رابطه ولایت میان آنها قطع می‌شود، و اگر به او بگوید: تو دشمن من هستی؛ قطعاً یکی از

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

آن دو کافر شده است، و اگر اتهامی به برادر دینی خود وارد نماید، ایمان در دل او ذوب می شود همان طور که نمک در آب حل می گردد.⁽¹⁾

(3) شکل روابط

در فعالیت های سیاسی، اجتماعی، روابط باید از لحاظ شکلی نیز دارای ساختار مشخص و معینی باشد. به همین دلیل می بینیم اهل بیت [^] ساختار طبیعی معینی را برای این روابط مطرح کرده اند که همان اجتماعات خاص در میان افراد جماعت است. آن بزرگواران از پیروان خود می خواستند در میان مؤمنان دیدارها و گردهمایی را برگزار کنند که در آنها به شئون مختلف عمومی و خصوصی جامعه صالحان و مسائل عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی آن پرداخته شود.

امام صادق \times به محمد بن علی بن الحسین فرمودند:

آیا دور هم می نشینید و حدیث می گوید؟

وی گفت: آری.

فرمود:

من این مجالس را دوست دارم، هر که امر ما را زنده نگاه می دارد، خداوند رحمتش کند. هر که ما را یاد کند و به اندازه بال مگسی اشک خارج شود، خداوند همه گناهانش را می آمرزد حتی اگر گناهان او بیشتر از کف های روی آب دریا باشد.⁽²⁾

1. کلینی، الکافی 2 / 170 ح 5.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 20 ح 1.

و نیز امام باقر × به میسر فرمودند:

آیا در کنار هم خلوت کرده با هم حدیث گفته و در باره هر چه بخواهید
به بحث می‌پردازید؟

گفتم: به خدا سوگند چنین است، ما با هم خلوت کرده و با یکدیگر
حدیث گفته و آنچه بخواهیم می‌گوییم.

آن حضرت فرمودند: به خدا سوگند بسیار دوست می‌دارم که در بعضی از
این مجالس با شما همراه باشم.⁽¹⁾

و امام باقر × به خیمه فرمود:

سلام مرا به اهل ولایت ما برسان و آنها را به پرهیز از خداوند بزرگ
سفارش کن، و توصیه کن که اغنیای آنان به وضع فقرایشان رسیدگی
کرده، قدرتمندان دست ضعیفان را گرفته و زندگان به تشییع جنازه
مردگانشان بروند، و سفارش کن که به خانه‌های یکدیگر رفته و باهم
دیدار کنند که دیدار میان آنها سبب زنده شدن امر ما می‌باشد.

سپس فرمود: خداوند بنده ای را که امر ما را زنده نگاه دارد مورد رحمت
خود قرار دهد.⁽²⁾

شعیب عقرقوفی می‌گوید: از امام صادق × شنیدم که به اصحاب
خود چنین سفارش می‌کردند:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 20 ح 2.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 21 ح 6.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، مُوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ، تَزَاوَرُوا
وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكُرُوا أَمْرًا وَ أَحِبَّةً.⁽¹⁾

تقوای الهی را پیشه خود سازید، و در راه خدا با یکدیگر چون برادرانی
نیکوکار باشید: برادرانی که یکدیگر را دوست بدانند و همواره با هم در ارتباط
باشند، با هم دیدار کنید و در باره امر ما مذاکره کرده، آن را زنده نگاه دارید.

پس از این مطلب، باید این نکته را مورد ملاحظه قرار دهیم که این
اجتماعات - چنان که در بحث پیشین گذشت - به شکل گسترده‌ای رو
به پیشرفت نهاد که رفته رفته تبدیل به مؤسسه‌ای فرهنگی شده و
چنان که در مباحث مربوط به شعائر نیز خواهد آمد، مبدل به شعائر
معینی گردید.

[3] روابط خارجی جماعت با دیگر گروه‌ها

یکی از مسائل مهم در باب روابط، تشخیص نوع و طبیعت روابط میان
افراد یک جمعیت با سایر جماعات و گروه‌های خارج از دایره آن
تشکل است؛ مثلاً در رابطه با جماعت صالحان می‌توان به رابطه آنان
با عموم مردم مسلمان، نواصب، دشمنان اهل بیت [^]، دشمنان پیروان
اهل بیت [^]، یا حاکمان ستمگر، دشمنان اسلام مانند مشرکان، کفار
اهل کتاب اعم از حربی و ذمی و... اشاره کرد. اهل بیت [^]، نوع

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 22 ح 9.

روابط داخلی و خارجی

رابطه با هرکدام از این گروه‌ها و دستجات را برای پیروان خود مشخص و معین کرده‌اند.

آنچه مطلوب و مورد نظر اهل بیت [^] بوده، این است که جماعت صالحان با عموم مسلمانان همزیستی داشته، در امور مشترکی که به مصالح کلی امت اسلام و عقیده اسلامی مربوط می‌شود، یا در بیزاری جستن و دشمنی با دشمنان خدا و اسلام و اهل بیت [^] با آنان همدست و همدستان گردند.

البته در کنار این رویه، برحذر بودن از شر و دشمنی آنان و خودداری کردن از دخالت در رویارویی‌های حاد با آنها نیز مطلوب اهل بیت [^] بوده است (که در مبحث نظام امنیتی جماعت صالحان به این بحث نیز خواهیم پرداخت).

و چنین است مسئله قطع رابطه با حاکمان ستمگر و عدم کمک به آنان، همچنین قطع ارتباط با مردمان بد، اهل بدعت و اهل شر، بلکه دستور مقاومت و جهاد در برابر آنان نیز در بعضی از شرایط و زمان‌ها داده شده است.

اما در سطح ارتباط با عموم مسلمانان می‌بینیم که اهل بیت [^] بر اصل همزیستی مسالمت آمیز، بلکه گشودن باب روابط و استوار ساختن این روابط بر شالوده‌هایی مستحکم، تأکید کرده‌اند.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

معاویة بن وهب به حضرت امام صادق \times عرض کرد: سزاوار است که در ارتباط با قوم و قبیله یا دوستان و معاشران خود از میان مردم چگونه رفتاری داشته باشیم؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

امانت آنان را به آنان بازگردانید، برای ادای شهادت به نفع یا ضرر آنها در محاکم حاضر شوید، بیمارانشان را عیادت کرده و در تشییع جنازه آنان حضور یابید.⁽¹⁾

و عبدالله بن سنان می گوید از حضرت امام صادق \times شنیدم که فرمود:

شما را به تقوای الهی توصیه می کنم، و سفارش می کنم که مردم را بر خود مسلط نگردانید که خوار و ذلیل خواهید شد، خداوند متعال در کتاب خود می فرماید: {و با مردم ایه زبان [خوش سخن بگویید}

سپس فرمود:

بیمارانشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه ایشان شرکت کنید، و برای ادای شهادت به نفع یا ضرر آنان در محاکم حضور یابید، با آنان در مساجدشان نماز بخوانید تا این کارها موجب آشکار شدن تفاوت میان شما و دیگران باشد و به واسطه رعایت این اصول، از دیگران بازشناخته شوید.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 5 ح 1.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 7 ح 6.

امام صادق × به معاویه بن عمار فرمود:

نفس خود را به حُسن معاشرت با مردم عادت بده، زیانت را نگاه دار،
خشم خود را فرو ببر، بیهودگی ات را به کمترین حد برسان، عفو و
بخشش را در جان خود ریشه دار کرده، جانت را سخاوتمند بدار.⁽¹⁾

اما در روایات، در باره رابطه با پیشوایان جور و یاوران آنها، بر عدم
رضایت ائمه[^] از رابطه داشتن شیعیان با آنها و بلکه لزوم قطع رابطه و
مبارزه با آنان در صورت رسیدن به حد بالای ظلم، تأکید شده است.

حضرت امام صادق × فرموده است:

ستمگر و کمک کننده او و آن کس که به این کار راضی باشد، هر سه در
این ظلم سهیم و شریک هستند.⁽²⁾

و نیز امام صادق × فرموده:

هر کس ستم ستمگری را توجیه کند، خداوند کسی را بر او مسلط خواهد
نمود که او را مورد ستم قرار دهد، در این هنگام اگر دعا کند دعایش
مستجاب نشود، و خداوند از این ستمدیدی او را اجر و پاداشی ندهد.⁽³⁾

و باز از همان شخص، از امام صادق × روایت شده است که فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 12 / 9 ح 2.
2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 344 ح 1.
3. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 345 ح 2.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

چون روز قیامت فرا رسد، منادی فریاد خواهد کرد که: ستمگران و یاران ستمگران و آنان که خود را شبیه به آنان کرده‌اند کجایند؟ حتی کسانی که برای ستمگران نوک قلمی تیز کرده یا ليقه‌ای به دواتی گذاشته باشند. پس آنگاه آنان را با هم در تابوتی از آهن جمع کرده و در آتش دوزخ می‌اندازند.⁽¹⁾

و در باره روابط ناصبیان و دشمنان اهل بیت [^] که از روی عناد یا نادانی با آن بزرگواران دشمنی می‌کنند، اهل بیت [^] فرمان به بیزاری قلبی از آنان داده، اما برای دور ماندن از شر آنها و رهایی از اذیت و آزارشان، دستور به مدارا در روابط ظاهری با آنها داده‌اند.

این مسئله را می‌توان از مطالعه روایاتی که در موضوع تقیّه از اهل بیت [^] وارد شده است - و در مبحث بعد (نظام امنیتی جماعت صالحان) نیز به آنها اشاره خواهیم کرد - دریافت. در اینجا فقط به دو مورد از این روایات اشاره می‌کنیم:

روایت اول: امام صادق \times به ابن مسکان فرمودند:

تو را چنین می‌پندارم که اگر کسی در برابر علی \times را ناسزا گوید، اگر بتوانی بینی او را با دندان خود بجوی، حتماً این کار را خواهی کرد. عرضه داشتم: آری به خدا سوگند که چنین است و من و خاندانم همه همین گونه‌ایم.

آن حضرت فرمودند:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 6 / 131 ح 16.

این کار را نکن، به خدا سوگند بسیار پیش می‌آید که می‌شنوم کسی علی × را ناسزا می‌گوید، و میان من و او تنها ستونی از ستون‌های مسجد فاصله است، من در پشت آن ستون مخفی می‌شوم تا مرا نبیند و چون نمازم تمام می‌شود و از کنارش عبور می‌کنم به او سلام کرده و با او دست می‌دهم.⁽¹⁾

روایت دوم: امام صادق × فرمودند:

دین خود را نگاه دارید و آن را با تقيه کردن از صدمه دشمنان مصون بدارید که هر کس به اصل تقيه عمل نکند، ایمانی برایش نخواهد ماند. همانا که شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان هستید، و همان طور که اگر پرندگان می‌دانستند چه چیزی در شکم زنبور عسل است آنها را خورده و نسلش را منقرض می‌کردند، مردم نیز اگر بدانند شما دوستی ما اهل بیت را در سینه دارید و شیعه ما می‌باشید، با نیش زبان خود شما را می‌خوردند و در آشکار و نهان به تضعیف شما می‌پرداختند. خداوند هر کدام از بندگان خود را از میان شما که بر ولایت ما استوار باشد، رحمت کند.⁽²⁾

اما در سطح روابط با اهل بدعت، فاسقان و امثال این افراد که در میان مردم به این اوصاف شناخته شده هستند، نیز تأکید بر قطع رابطه و

1. برقی، المحاسن 1 / 405 ح 917.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 1 / 461 ب 24 وجوب تقيه ح 7.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

مقاومت در برابر آنان از جانب اهل بیت [^] وارد شده است حکم مشرکان و کافران حربی از اهل کتاب نیز همین است.

حضرت علی بن الحسین زین العابدین ' فرمود:

از معاشرت با گناهکاران، یاری به ستمگران، و نزدیک شدن به فاسقان بر حذر باشید، از فتنه آنان پرهیز نموده و از محدوده وجود آنها دوری نمایید.⁽¹⁾

و امام صادق × نیز فرمود:

پیامبر اکرم ' فرموده است: هنگامی که اهل بدعت و شک را ملاقات کردید آشکارا از آنان بیزاری بجویید، بسیار آنان را دشنام دهید و به بدگویی در باره آنها پردازید و چنان غافلگیرشان نمایید که طمع خرابکاری در جهان اسلام را در سر نیروانند، مردم از آنان بر حذر گشته و بدعت‌های آنان را فرانگیرند. بدین ترتیب خداوند متعال نیز در قبال این عمل برای شما حسنه منظور نموده، به درجات شما در آخرت می‌افزاید.⁽²⁾

اهل بیت [^] در راستای تعیین نوع رابطه با کافران حربی نیز مؤمنان را به رفتن به مرزهای مملکت اسلام برای مرزبانی و جهاد با مشرکان محارب و جلوگیری از نفوذ آنان به کشور تشویق می‌کردند.

امام باقر و امام صادق ' فرموده‌اند:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 503 ح 3.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 508 ح 1.

حد اقل مرزبانی سه روز و حد اکثر آن، چهل روز است و چون مرزبانی مؤمنی از چهل روز بیشتر شد، جهاد محسوب می‌شود.⁽¹⁾

البته اهل بیت [^] با همه این احوال، و با وجود چنین موضع‌گیری باز به پیروان خود این فرصت را می‌دادند که در هنگام ضرورت، از وجود مشرکان استفاده کنند؛ مثلاً در مواردی که شیعیان از سوی حکومت مورد تعقیب قرار می‌گرفتند، از مناطق تحت نفوذ کفار به عنوان پناهگاه استفاده نمایند؛ زیرا مناطق نفوذ این کفار برای شیعیان اهل بیت [^] امن بوده و کسی در آن مناطق متعرض آنان نمی‌شد، اما بلاد مسلمانان برای پیروان اهل بیت [^] امنیت نداشت.

حماد سمندی می‌گوید:

به حضرت امام جعفر بن محمد صادق \times عرض کردم: من به بلاد شرک داخل می‌شوم و بعضی از دوستان ما به من می‌گویند: اگر در این حالت مرگ تو در میان کافران فرا رسد با آنها محشور خواهی شد!

امام صادق \times در پاسخ حماد فرمودند:

ای حماد، آیا وقتی که آنجا هستی، امر ما را به یاد می‌آوری و آن را تبلیغ می‌کنی؟

عرض کردم: آری.

فرمود:

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

آیا وقتی در بلاد اسلام هستی می توانی امر ما را یاد کرده و دیگران را به آن فراخوانی؟

عرض کردم: خیر.

فرمود:

در این صورت اگر مرگ تو در میان آن کافران فرا رسد، در هنگام مرگ به تنهایی به صورت یک اُمت محشور خواهی شد و نور تو پیشاپشت در حرکت خواهد بود.⁽¹⁾

اما اهل بیت [^] در باره رابطه با اهل ذمه که در پناه حکومت اسلام هستند، بر رفتار آمیخته با محبت، مودت، رحمت و عدل اسلامی تأکید کرده‌اند.

پیرمردی نابینا که مشغول گدایی بود از کنار حضرت امیر المؤمنین × گذشت، آن حضرت پرسیدند: این چه صحنه‌ای است؟
گفتند: ای امیر مؤمنان! مردی نصرانی است.

امیر المؤمنین × فرمودند:

تا وقتی که که نیرو و توان داشت، از وی کار کشیدید و حال که پیر و ناتوان شده است رهایش کرده و حتی مخارجش را تأمین نمی‌کنید؟
خرجش را از بیت المال بدهید.⁽²⁾

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 76 ح 6.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 49 ح 1.

ما در بحث از سیاست‌های کلی به جزئیات بعضی از این مسائل اشاره کرده‌ایم و در مباحث آینده که نظام امنیتی و نظام روابط است، نیز باز به قسمت دیگری از آنها اشاره خواهیم کرد.

در پایان، مبحث موضع‌گیری جماعت صالحان را در برابر جماعت‌های دیگر در سه ساختار خلاصه می‌کنیم:

1- همزیستی و تعاون، که رابطه با عموم مردم و اهل ذمه است، البته در ضمن رعایت احتیاط از عکس‌العمل‌های منفی.

2- بیزاری جستن همراه با تقیه، که موضع شیعه در برابر دشمنان اهل بیت^ع یا دشمنان شیعه با هدف محافظت از اعضای این طایفه از یک سو و حفظ وحدت امت اسلام از سوی دیگر؛ دشمنانی که با وجود شناخت کافی بر دشمنی خود پافشاری کنند.

3- قطع رابطه و مقاومت، که موضع مؤمنان در برابر کافران و پیشوایان ستمگر و اهل بدعت و ضلالت است.

در بخش بعدی توضیحات بیشتری در این رابطه خواهد آمد.

4

سازوکارهای سیاسی
جماعت صالحان

زمینه بحث

خط مشی‌ها و خاستگاه‌های ثابت سیاسی، همان خطوط و اصول سیاسی و اجتماعی هستند که چارچوب سیاسی و اجتماعی حرکت و فعالیت جماعت صالح را تشکیل داده، دیدگاه آنها در باره رویدادها و مسائل متفاوت در دایره آن، شکل می‌گیرد.

چرا که هر جماعتی بخواهد از تحرک و فعالیت هدفمند و صحیح و هماهنگ با اعتقادات و شعارهایش برخوردار بوده، فعالیتش در راستای تحقق اهداف و تکامل آن تشکل باشد، به ناچار باید به خطوطی کلی و ثابت، باور داشته باشد و همه فعالیت‌های خود را در دایره آن خطوط به انجام رسانده، مسیر حرکت خود را بر اساس آن ترسیم نماید.

و نیز چنین تشکلی باید از خاستگاه‌های مناسب و اصولی برخوردار باشد که آن را به اهداف خود برساند به گونه‌ای که این خط مشی انحصاری به مقیاس و معیاری بدل گردد که بتوان به وسیله آن، در جزء جزء حرکت‌ها و فعالیت‌ها حق را از باطل و صحیح را از غلط بازشناخت و می‌توان گفت که در این صورت، این خط مشی ویژگی مشخصه آن گروه در مقایسه با دیگر گروه‌ها نیز هست.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

شک نیست که دین حنیف اسلام با همه اصول اساسی خود، مانند ایمان به خدا، اعتقاد به توحید، اقرار به پیامبری پیامبر اکرم ' و ابلاغ رسالت توسط آن حضرت از جانب خدا، همچنین اعتقاد به روز قیامت و آنچه از حساب و کتاب و ثواب و عقاب در آن می‌گذرد، شالوده کلی عقیدتی، فکری و اخلاقی انسان مسلمان را تشکیل می‌دهد که حرکت و فعالیتش از آن سرچشمه می‌گیرد، از همین رو است که یک جنبه مهم از چارچوب کلی حرکت انسان مسلمان را اعتقاد او به دین اسلام تشکیل می‌دهد.

اما در مرحله عمل و مواجه شدن با واقعیت‌های سیاسی اجتماعی، جزئیات بیشتری در نحوه موضع‌گیری‌ها وجود دارد که به توضیح و تشخیص بیشتری نیازمند است؛ آنجا که مصالح و مفاسد به هم آمیخته، اجتهادات و مصادیق متعدد گشته، شعارها با یکدیگر تداخل کرده و نیاز به وجود یک چارچوب سیاسی اجتماعی متقن که اتخاذ مواضع صحیح و تشخیص اجتهادات سره از ناسره و تمیز شعارها و ادعاهای حق از باطل به وسیله آن امکان پذیر باشد، به یک نیاز ضروری تبدیل شده است. به ویژه اگر وجود خطوط و جریان‌های سیاسی متعدد در جامعه اسلامی را مورد دقت قرار دهیم، جریاناتی که هر کدام ادعای اسلام داشته، شعار تمسک به اسلام سر داده و می‌کوشیدند تا فعالیت‌های خود را بر اساس قرآن کریم و احادیث شریف نبوی و مصالح والای اسلامی جلوه دهند.

در اینجا است که اهمیت نقش مرجعیت دینی و سیاسی که همان مشخص کردن این خطوط سیاسی و موضع‌گیری‌ها برای امت اسلام و جماعت صالح

است بیش از پیش آشکار می‌گردد؛ امری که نیازمند اجتهاد فقهی و سیاسی، تقوا، ورع و تجربه شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی است.

[1] گرایش‌ات عام سیاسی در عصر ائمّه^۸

در این بخش قصد داریم به چند گرایش سیاسی مختلف در عصر ائمّه: اشاره کنیم که نیازمند بحث و بررسی بیشتر بوده و به ناچار باید در برابر آنها موضعی روشن اتخاذ نمود.

(1) گرایش‌ات سیاسی قدرت طلب

اولین گرایش سیاسی، گرایش طالبان قدرت و سلطه سیاسی است که اهداف آن در تحقق اغراض و منافع ذاتی، پُست و مقام، نفوذ، کسب درآمد بیشتر و آشباع شهوات انسان خصوصاً شهوت سلطه جویی و میل به تسلط بر دیگران خلاصه می‌شود.

مصادیق این گرایش را می‌توان به وضوح در حرکت طلحه و زبیر و عایشه در بصره در زمان حضرت امیرالمؤمنین \times ، و حرکت امویان و عباسیان به صورت کلی و بعضی از درگیری‌های داخلی که در مخالفت و مبارزه با آنها به وقوع پیوست مشاهده کرد؛ حرکت‌هایی چون حرکت عبدالله بن زبیر،⁽¹⁾

1. وی عبدالله بن زبیر بن عوام قرشی اسدی، کنیه اش ابوبکر بود، که کنیه جد مادری او (خلیفه اول) نیز بود. مادرش، أسماء بنت ابی بکر بود که در هنگام هجرت به مدینه، وی را در شکم داشت و عبدالله در مدینه به دنیا آمد.

نقش اهل بیت ^۱ در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

عبدالرحمن بن اشعث^(۱) و دیگران.

وی به همراه عبدالله بن ابی سرح در جنگ فتح آفریقا شرکت کرد و جرجیس فرمانده سپاه روم در این جنگ به دست او کشته شد. وی در سال 64 هجری پس از به وجود آمدن حالت ازجار و انتقامی که پس از شهادت حضرت امام حسین \times و واقعه حرّه از حکومت اموی در مردم ایجاد شده بود، قیام خود را در مکه آشکار کرد و گروهی از خوارج و کسانی که در واقعه حرّه از مدینه گریخته بودند و دیگران، به وی پیوستند. اما امویان برای مقابله با وی با سپاهی به فرماندهی حُصَین بن مُمَیر سکونی وی را در مکه محاصره کرده و خانه کعبه را با منجنیق مورد اصابت قرار داده، به آتش کشیدند. البته اقداماتی از این دست، باعث برانگیخته شدن کنیه مسلمانان نسبت به آنان گردید و این زیر توانست از این مسئله به نفع خود بهره برداری کرده، و جمعیت بیشتری گرد خود فراهم آورد.

در این هنگام که اوضاع به اوج بحران خود رسیده بود با اعلام مرگ یزید بن معاویه فشارها بر این زیر رو به کاهش نهاد و وی میدان پیدا کرد که ادعای خلافت کند. اهل مصر، حجاز، یمن، عراق و خراسان با وی بیعت کردند، غیر از اهل شام که با مروان بن حکم بیعت کرده بودند. وی مدینه را مرکز حکومت خود قرار داد و زمام خلافت را در دست گرفت تا زمانی که خلافت اموی به عبدالملک بن مروان رسید.

در سال 72 هجری خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان سپاهی را به فرماندهی حجاج بن یوسف ثقفی برای سرکوبی ابن زبیر مأمور کرد، ابن زبیر به مکه گریخت و حجاج او را تعقیب کرد و در منطقه عمومی مکه جنگ میان آنها در گرفت و شش ماه و هفده روز به طول انجامید و در سال 73 هجری با پراکنده شدن یاران عبدالله بن زبیر از اطراف وی و پس از اینکه به شدت توسط یاران خود وانهاده شد، به کشته شدن او منجر گردید. آمار ملحق شدن یاران ابن زبیر به سپاه حجاج روزانه به ده هزار تن رسید که از جمله آنان، حمزه و حبیب پسران خود ابن زبیر بودند. بدین ترتیب سرزمین حجاز بار دیگر به زیر سلطه امویان بازگشت. (تاریخ طبری 3/ 360-538* أحداث التاریخ الإسلامی 1/ 542 حوادث سال 73 هجری).

1. وی عبدالرحمن بن اشعث بن قیس کندی، از نسل پادشاهان کینه است. حجاج که امیر عراق بود وی را برای جنگ با رُئبیل پادشاه ترک به ماورای سجستان اعزام کرد. وی در آن منطقه به جنگ پرداخت و چندین قلعه را فتح کرد و به غنائم بسیاری دست یافت. پس از آن، نامه ای به حجاج نوشت و در آن خاطر نشان کرد که میل ندارد قبل از شناختن و امتحان کامل راه های ورودی و خروجی منطقه تحت نفوذ

کسانی که چنین گرایشی داشتند نیز، از لحاظ تأثیر پذیری از اهداف این گرایش و میزان پیش رفتن در آن، در یک سطح نبودند، اما آنچه انگیزه اصلی حرکت آنها بوده و ایشان را به فعالیت وا می‌داشت، مسئله سلطه

رتبیل در آن منطقه نفوذ کند، حجاج او را به ضعف و ناتوانی متهم کرد و دستور داد تا به کار خود ادامه دهد. این اشعث با فرماندهان خود در رابطه با این امر مشورت کرد و آنان با نظر حجاج موافق نبودند و به این نتیجه رسیدند که سرپیچی کنند و با عبد الرحمن بن اشعث بیعت کردند که حجاج را از حکومت خلع کرده و او را از عراق بیرون کنند.

یکی از آنان گفت: اگر ما حجاج را که فرماندار منصوب از جانب عبدالمملک بن مروان است خلع کنیم، در واقع خود عبدالمملک را خلع کرده ایم، بنابراین عبدالمملک را نیز از خلافت خلع کردند.

در سال 81 هـ ق عبد الرحمن بن اشعث وارد بصره شد و همه مردم آن منطقه از روستائینان و صحرائشینان با او بیعت کردند. چون این خبر به حجاج رسید نامه ای به عبدالمملک مروان نوشت و این خبر را به اطلاع او رساند و از وی خواست تا سپاهی را برای جنگ با ابن اشعث گسیل دارد.

آنها در محرم سال 82 هـ ق در منطقه زاویه با هم رو به رو شدند و ابن اشعث در این میدان پیروز شد و سپاهیان قبیله های قریش و ثقیف همه شکست خورده و به نزد حجاج بازگشتند. دو سپاه بار دیگر در اواخر محرم با یکدیگر رو به رو شدند و حجاج پیروز این میدان بود. پس از آن، ابن اشعث به سمت کوفه رفت و حجاج نیز به تعقیب او پرداخت و در نزدیکی کوفه جنگ معروف به دبر الجماجم میان حجاج و ابن اشعث روی داد که باز هم پیروزی از آن حجاج بود و ابن امر ابن اشعث را واداشت تا به سمت بصره عقب نشینی کند. این واقعه در سال 83 هـ ق روی داد، حجاج نیز به تعقیب او پرداخت و در منطقه مسکن با او درگیر شد که باز هم هزیمت از آن ابن اشعث گردید و وی پس از تحمل شکست های پیاپی مجبور شد با باقیمانده سپاه شکست خورده خود به سمت سجستان و از آنجا به منطقه تحت نفوذ رتبیل پناهنده شود.

در سال 85 هـ ق حجاج نامه ای مشتمل بر تهدید و تطمیع برای رتبیل فرستاد و از او خواست این اشعث را به وی تحویل دهد، رتبیل هم این اشعث را دستگیر کرده و به نزد حجاج فرستاد. حجاج نیز سر از بدنش جدا کرد و سرش را برای عبدالمملک بن مروان فرستاد. (تاریخ طبری 3/ 624-652* أحداث التاریخ الإسلامی 1/ 597 حوادث سال 85 هـ ق).

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

جویی و قدرت طلبی بود و دیگر مسائل، تأثیر کمتری در رفتار آنان و یاورانشان که زمینه ساز حرکت آنان بودند، داشت.

(2) گرایش هرج و مرج طلبانه

دومین گرایش سیاسی در عصر ائمه⁸ گرایشی بود که بر اساس هرج و مرج طلبی در پی مخالفت و انکار حکومت موجود پدید آمده بود، که به سبب اتخاذ مواضعی از جانب حکومت که از سوی این یا آن جمعیت مردود شناخته می‌شد، به وقوع می‌پیوست. انگیزه‌های دینی و انسانی، اولین انگیزه‌های این حرکت‌ها به شمار می‌روند؛ آنجا که هر کدام از این گروه‌ها به نحوی مورد ستم حکومت قرار می‌گرفتند یا اینکه حکومت از نظر آنها از حدود موازین و معیارهای شرعی خارج می‌شد. البته منافع شخصی، نادانی‌ها و سادگی‌ها نیز در به وجود آمدن این حالت در بعضی از اوقات نقش داشتند. اما آنچه که مشخصه کلی این حرکت‌ها بوده است، عدم وجود برنامه اصلاحی شفاف و روشن می‌باشد؛ آنجا که رفض و سرکشی را اساس حرکت سیاسی خود قرار داده و دائماً به دنبال نقاط ضعف می‌گشتند تا آن نقاط را در برابر حکومت و یا دیگر جریان‌های سیاسی برانگیزانند.

شاید بارزترین نمونه این گرایش، خوارج باشند که همواره در صدد به دست آوردن فرصت بودند، به ویژه هنگامی که اوضاع سیاسی رو به وخامت می‌نهاد و طبیعتاً جایگاه طرد و رفض حکومت بیشتر می‌شد.

مثلاً خوارج همان گونه که شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»⁽¹⁾ را در برابر حکومت اموی و عباسی مطرح کردند، آن را در برابر حکومت حضرت علی[×] نیز مطرح کردند.

1. حکومت تنها از آن خدا است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

حضرت امیرالمؤمنین حرکت و گرایش سیاسی خوارج را چنین ارزیابی کرده است: آنجا که در باره خوارج و شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» آنان فرموده است:

كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ، نَعَمْ، إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، وَ لَكِنْ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ: لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ وَ إِنَّهُ لَا يُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ.⁽¹⁾

این سخن حقی است که از آن اراده باطل شد، آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، و لی اینان می گویند: زمامداری جز برای خدا نیست!! در حالی که مردم به زمامدار نیاز دارند، چه بد و چه خوب.

همچنان که شیعیان خود را از جنگ با خوارج که به نفع امویان تمام می شد، نهی کرده و فرموده است:

پس از من با خوارج جنگ نکنید: زیرا کسی که حق را می جوید اما به جای آن به باطل می رسد با کسی که از ابتدا به سوی باطل رفته و به آن دست هم می یابد، یکسان نیست.⁽²⁾

حضرت امیر المؤمنین × پیش بینی فرمودند که آنان عاقبت به دزدان و راهزنان (لصوص سلاّبین) تبدیل خواهند شد.⁽³⁾

البته می توان در تاریخ اسلام مصادیق دیگری نیز برای این نوع گرایش سیاسی پیدا کرد، مانند حرکت قرمطیان یا قیام زنگیان که به قیام زنج

1. نهج البلاغه / خطبه 40.

2. نهج البلاغه / خطبه 61.

3. نهج البلاغه / خطبه 60.

معروف است که هر کدام از این حرکت‌ها گاه با منافع شخصی افراد نیز آمیخته می‌شد و بعضی از افراد سعی می‌کردند از گرایش عمومی مردم نسبت به طرد دستگاه حکومتی، به نفع مصالح شخصی خود استفاده کنند.

(3) گرایش نفاق آلود

سومین گرایش سیاسی در عصر ائمه[ؑ] گرایش مخرب طیف نفاق بود؛ جریانی که باطن و درون افراد وابسته به آن، باوجود تظاهر به اسلام و اشتیاق فراوان به حفظ مصالح والای اسلامی یا پیشرفت فکری، فرهنگی و اجتماعی، از چنین مسائلی بسیار دور بود؛ چرا که این افراد نه دین، نه ایمان و نه اخلاص داشته، تنها هدف آنان افترا بستن به اسلام، مسلمین و تخریب زیرساخت‌های جامعه اسلامی بود.

مصادیق این گرایش را می‌توان در حرکت‌های کفرآمیز یا بعضی از تحركات مبتنی بر غلو یا تحركات ناشی از دشمنی و عداوت با اهل بیت[ؑ]، حرکت مشکوک باطنیان یا فعالیت‌های بعضی از دانشمندان فاسد که از طریق ارتباط با این گرایش سیاسی یا نفوذ در بعضی از مراکز حکومت و قدرت، قصد صدمه زدن به اسلام را داشتند، به خوبی یافت.

این گرایش باهمه زیان‌های بسیار و تخریب گسترده‌ای که به ساختار حکومت اسلامی و امت اسلام وارد آورد، در حقیقت هیچگاه در وجود و فعالیت خود، جریانی با ارزش و قابل طرح نبوده و اگر مواضع حکومت، جدال‌های منفعت طلبانه و شرایط بد سیاسی زمینه نفوذ و تأثیر این جریان را فراهم نیاورده بودند، به همین مقدار نیز

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

مطرح نمی‌شد؛ چرا که این جریان - به خصوص در دورهٔ امویان - همواره حاشیه نشین حرکت سایر گرایش‌های سیاسی بوده و از نقاط ضعف و اشتباهات آنان استفاده می‌کرده است.

به همین دلیل است که این گرایش به لحاظ افراد و مصادیق، امکان پایداری و مقاومت نداشته، و بر حسب شرایط و تحولات سیاسی و فکری، رنگ عوض کرده و تغییر شکل می‌داد.

(4) گرایش اصلاح طلبانه

چهارمین گرایش سیاسی عصر ائمه [^] گرایش اصلاح طلبانه است که بر اساس عکس العمل عمومی جامعه در برابر مظاهر فساد و انحرافی که جهان اسلام، خلافت اسلامی و دستگاه‌های حکومتی شاهد آن بوده، بنا شده و فعالیت آن در راستای مبارزه با این انحرافات و اصلاح یا افشای چهرهٔ مجرمانهٔ آنها بوده است. این کار یا به وسیلهٔ دعوت به سوی خدا و اسلام از راه حکمت و موعظهٔ نیکو انجام می‌شده و یا از راه فداکاری و قیام به انجام می‌رسیده است. این گرایش نزدیک‌ترین گرایش سیاسی به خط مبارزات سیاسی ائمه [^] است که البته در بعضی از موارد برخاسته از پاره‌ای اجتهادات نادرست نیز بوده است.

می‌توان بعضی از مصادیق این گرایش را در میان تحركات گروهی از طالبیان و علویان (مانند: قیام زید بن علی و پسرش یحیی بن زید، و حسین صاحب فخر)، همچنین حرکت احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی و بسیاری دیگر پیدا کرد.

از بررسی حرکتی که پیروان این گرایش سیاسی انجام داده‌اند در می‌یابیم که اگر چه ائمه[^] به صورت کلی با این قیام‌ها همکاری شخصی نداشته و از شیعیان خود نیز به صورت عام نمی‌خواستند تا در آنها شرکت کنند، و بلکه در بعضی از موارد آنان را از ورود در این قیام‌ها نهی می‌کرده‌اند، اما در عین حال گاه بعضی از آنها را نیز تأیید کرده، رضایت خود را از بعضی از آنها بیان داشته و یا دست کم تفکرات بنیادین آنها را مورد ستایش قرار داده‌اند.

این بدین معناست که ائمه[^] درستی خاستگاه‌های این قیام‌ها و مشروعیت آنها را در دایره[^] محدود و خاص به خود و نتایج و دستاوردهای مثبت به دست آمده از آنها را قبول داشتند، اما چون این قیام‌ها حرکت‌های فراگیر و برنامه ریزی شده‌ای نبوده، به نوعی شتابزده و پیش از تحقق شرایط و لوازمی که برای پیروزی لازم است به انجام می‌رسیده‌اند، مشارکت همه[^] فرزندان امت اسلام در آنها را ضروری نمی‌دانسته‌اند.

(5) گرایش تغییری

پنجمین گرایش سیاسی عصر ائمه[^] گرایش تحول طلبانه بود. این گرایش بر اساس ایجاد موازنه در محاسبه[^] مصالح والای اسلام و مفاسدی که مضر[^] به حال امت اسلام بوده به صورت اهم[^] و مهم[^] و مقدم داشتن مصالح اهم[^] بر مصالح مهم[^]، و موازنه[^] میان فاسد و افسد و صبر بر فاسد برای دفع افسد، یا مبارزه با فاسد برای جلوگیری از فساد بیشتر استوار بوده است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

بنا بر این یک حرکت سیاسی صحیح، تنها در شعارهای برحق یا عملیات بیرونی مطلق و جدای از شرایط، روابط، ملازمات و نتایج حاصل از آنها خلاصه نمی‌شود، چه اینکه قرار گرفتن تحت تأثیر عواطف و احساسات اصیل و پاک که نمودی از وجود احساسات نیک انسانی در وجود انسان است، نیز نمی‌تواند یک حرکت سیاسی را کامل کند. حرکت سیاسی مورد نظر اسلام، محاسبهٔ چگونگی ایجاد تغییر در اجتماع و هدایت آن به سوی آنچه از لحاظ معنوی بیشتر به خیر و صلاح جامعه است، می‌باشد. این حرکت لزوماً باید از ایمان به خداوند متعال و اصول و عقاید حَقَّةٔ اصیل نشأت گرفته و بر تحلیل واقعیت‌های موجود جامعه و توکل بر خداوند متعال در حصول امداد غیبی و یاری خداوند و نیز قدرت پیش بینی آینده و آثار و نتایج عملکردهای زمان حال مبتنی باشد.

[2] خاستگاه‌ها و خطوط سیاسی

اهل بیت [^] برای حرکت سیاسی که در راه تحقق همین گرایش و هدف تحول طلبانهٔ عام به جریان می‌افتد، خاستگاه‌های چندی قرار داده‌اند که می‌توان جزئیات مواضع و مجموعهٔ خطوط ثابت جهت دهندهٔ حرکت را که تشکیل دهندهٔ دایرهٔ کلی آن نیز می‌باشند، بر این خاستگاه‌ها متمرکز نمود. از جمله:

(1) ولایت اهل بیت [^]

اولین خاستگاه این حرکت سیاسی ایمان مطلق به ولایت اهل بیت [^] و رهبری دینی و سیاسی آنان است، خواه در تشخیص حکم شرعی

باشد که پیامبر اکرم ' از جانب خدا آورده، یا در تشخیص نوع موضع گیری عملی در برابر رویدادهای جدید و حوادثی که در آینده پیش خواهد آمد، و یا در تشخیص سره از ناسره.

مسئله ولای اهل بیت [^] یعنی محبت و مهرورزی عمیق نسبت به آن بزرگواران نیز از همین ولایت منشعب می شود به گونه ای که همین محبت عامل مهمی در هدایت و نجات در دنیا و آخرت محسوب می گردد؛ آنجا که این محبت به طور طبیعی موجب ارتباط و اتصال روحی و وجدانی شخص محب[^] به آن بزرگواران و پای بندی به تبعیت از اوامر و نواهی خداوند متعال و حصول درجه بالایی از تقوا و پاکدامنی از محارم الهی نیز می گردد.

از همین جا می توانیم دریابیم که:

اولاً: ائمه [^] تأکید شدیدی بر نقش مؤثر ولایت در ساختن جامعه اسلامی و اقامه عدل و صلاح دارند که در بسیاری از روایات نقل شده از ائمه [^] نیز به آنها تصریح شده و ما بعضی از این روایات را قبلاً نقل کرده ایم. از دیگر روایات، این کلام امیرالمؤمنین × است که فرمود:

امام رهنمای کسانی است که قصد رسیدن به مقصد را دارند، امام مشعل هدایت برای جویندگان راه است، امام شاهراه ره پویان راه حق و خورشید تابان دل های عارفان است، ولایت او باعث نجات و متابعت از او در زمان حیات و پس از مرگ واجب است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

امام مایه عزت مسلمانان، شفاعت خواه گناهکاران، نجات دوستان و مایه سعادت پیروان خویش است: زیرا او سرسلسله اسلام، کمال ایمان، مایه شناخت حدود و احکام، و تشخیص حلال از حرام است و این مقام و مرتبه‌ای است که تنها کسانی بدان دست می‌یابند که خداوند متعال آنان را برگزیده، بر سایرین مقدم داشته و ولایت و حکومت را به آنان داده است. پس ولایت باعث حفظ مرزها، تدبیر امور جامعه و محاسبه ماه‌ها و سال‌هاست. ⁽¹⁾

حضرت امام باقر × فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ،
وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِي بِالْوَلَايَةِ. ⁽²⁾

اسلام بر پنج پایه استوار شده است: بر نماز، زکات، روزه، حج، و ولایت، و درباره هیچ کدام از این پایه‌ها به اندازه ولایت تأکید نشده است.

نیز حضرت امام باقر × فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ.

اسلام بر پنج چیز استوار شده است، نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

1. بحار الانوار 25 / 169 - 170 ح 38 به نقل از مشارق الأنوار بُرسی.

2. کلینی، الکافی 2 / 18 ح 1.

زراره گوید: به آن حضرت عرض کردم: کدام یک از این چیزها از دیگران برتر است؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

ولایت برتر از پایه‌های دیگر است، چرا که ولایت کلید همه آن پایه‌ها، و والی راهنما به سوی آن پایه‌ها می‌باشد.⁽¹⁾

حضرت امام صادق × به زید شحّام فرمودند:

ای زید، محبّت ما ایمان و دشمنی با ما کفر است.⁽²⁾

دومین چیزی که از مطالعه و بررسی روایات این باب در می‌یابیم، تأکید بر نقش محبّت اهل بیت [^] در نجات و خلاصی یافتن در روز قیامت است و این که محبّ اهل بیت [^] ناچار باید توبه کرده و به سوی خداوند متعال بازگردد، در غیر این صورت گنهکاران از محبان اهل بیت [^] عقاب و جزای اعمال ناپسند خود را در دنیا و یا در عالم برزخ و یا در آخرت، امّا با تخفیف خواهند دید. امری که می‌توان این نکته را از آن دریافت که این محبت، به دلیل آثار و نتایج که بر آن مترتب شده و از آن منفرع می‌گردد، می‌تواند خود عاملی اساسی از عوامل هدایت می‌باشد.

پیامبر اکرم ' فرمود:

1. کلینی، الکافی 2 / 18 ح 5.

2. برقی، المحاسن 1 / 247 ح 464.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

کسی که خداوند متعال محبت ائمه از اهل بیت مرا روزی او کرده باشد، خیر دنیا و آخرت را به دست آورده است، پس هرگز نباید کسی در این مسئله شک داشته باشد که چنین شخصی به بهشت خواهد رفت، چرا که در محبت اهل بیت من بیست خصلت وجود دارد که ده خصلت آن در دنیا و ده خصلت آن در آخرت ظهور خواهد نمود.

اما در دنیا: پارسایی، اشتیاق به عمل خیر، پرهیزگاری در دین، رغبت به عبادت، و توبه قبل از مرگ، نشاط و سرزندگی در هنگام انجام نافله شب، امید نبستن به مردم دنیا، محافظت و مراقبت کردن از اوامر و نواهی الهی، خصلت نهم به دل داشتن کینه دنیا و خصلت دهم سخاوت و بخشندگی است.

و اما در آخرت این است که پرونده او به حساب و کتاب باز نشود، ترازویی برای سنجش اعمال او نصب نگردد، پرونده عملش به دست راست او داده شود، برات آزادی از آتش جهنم به او اعطا گردد، چهره او سفید شود، از زینت‌های بهشت به او پوشانیده شود، صد نفر از خاندان و اهل بیت خود را شفاعت نماید، خداوند متعال به او نظر رحمت کند، از تاج‌های بهشتی بر سر او نهاده شود، و دهمین خصلت آن است که بدون حساب وارد بهشت می‌گردد، پس خوشا به حال دوستداران و محبان اهل بیت من.⁽¹⁾

امیر المؤمنین × به حارث أَعور فرموده است:

1. طبری، أعلام الدین / 451 و به نقل از آن: بحار الأنوار / 27 / 163 ح 14.

هر آینه محبت ما در سه مرحله به سود و نفع تو خواهد بود: هنگامی که ملک الموت برای قبض روح تو نازل می‌شود. هنگامی که در قبر مورد پرسش قرار می‌گیری و هنگامی که در برابر خداوند متعال به حساب و کتاب می‌ایستی.⁽¹⁾

حضرت امام صادق × به محمد بن فضل هاشمی فرمودند:

محبت ما اهل بیت [^] در هفت موطن به نفع شما خواهد بود: در نزد خداوند و در هنگام مرگ، در قبر، در روز محشر، در نزد حوض کوثر، نزد میزان اعمال و بر سر پل صراط.⁽²⁾

سومین نکته‌ای که از بررسی روایات به دست می‌آید این است که ائمه [^] بر این نکته تأکید کرده‌اند که تشیع حقیقی و پیروی واقعی از اهل بیت [^] تنها به واسطه التزام و تعهد به پیمودن راه اهل بیت و گرفتن راه تقوا و پرهیزکاری و کوشش در راه پیاده کردن احکام شرعی یعنی مبارزه با نفس، صورت می‌گیرد و منظور از محبت و ولایت حقیقی اهل بیت [^] متابعت و پیروی از آنان در رفتار و عمل می‌باشد.

امام باقر × فرموده‌اند:

جز کسانی که تقوای الهی پیشه کرده خداوند متعال را اطاعت نمایند، شیعه ما به حساب نیاید. آنان جز با تواضع، خشوع، ادای امانت، و زیادی یاد خدا، از میان مردم شناخته نمی‌شوند.⁽¹⁾

1. طبری، اعلام الدین / 461 و به نقل از آن: بحار 27 / 164 ح 19.

2. برقی، المحاسن 1 / 250 ح 471، و به نقل از آن: بحار 27 / 158 ح 4.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و از امام صادق × نیز روایت است که فرموده است:

شیعیان ما اهل پرهیزگاری و سخت کوشی، وفا و امانتداری، پارسایی و عبادت هستند. آنانند که در هر شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانند، آنان نمازگزاران شب و روزه داران روزند، شیعیان ما کسانی هستند که زکات اموال خود را پرداخته، حج خانه خدا را به جا آورده و از هر حرامی اجتناب می‌نمایند.⁽²⁾

و از حضرت امیرمؤمنان × هم فرمود:

شیعیان ما کسانی هستند که در راه ولایت ما بذل و بخشش نموده، در راه مودت ما با یکدیگر انس و الفت می‌گیرند. آنان کسانی هستند که برای زنده نگه داشتن امر ما با یکدیگر ملاقات می‌نمایند، اگر خشمگین شوند هرگز ستم روا نمی‌دارند و اگر خشنود گردند هیچگاه در ابراز خشنودی خود زیاده روی نمی‌کنند. آنان برکت اطرافیان و مایه سلامتی و آسایش همنشینان خود می‌باشند.⁽³⁾

چهارمین نکته‌ای که می‌توان از روایات برداشت نمود این است که محبت و ولایت اهل بیت [^] یکی از محورهای اساسی است که همه مسلمانان پس از ایمان به خدا و رسالت پیامبر و ایمان به روز جزا،

1. کلینی، الکافی 2 / 74 ح 3.

2. صدوق، صفات الشیعه / 2 و به نقل از آن: بحار 68 / 167 ح 33.

3. کلینی، الکافی 2 / 236 - 237 ح 24 و به نقل از بحار الانوار 68 / 190 ح 46.

قرآن و کعبه شریف بر آن اتفاق نظر دارند چرا که خداوند متعال در قرآن کریم بر طهارت این بزرگواران چنین تأکید نموده است:

{قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى} (1)

بگو: به پاداش آن [رسالت] چیزی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشتانندان.

پس محبت اهل بیت [^] و ایمان به ولایت آن بزرگواران، یکی از عوامل مهم وحدت امت اسلام و حلقه ارتباط محکم میان جماعت صالحان و سایر افراد امت اسلامی می باشد.

به خاطر تلاش پیگیر ائمه [^] در همین راستا است که می بینیم امت اسلام امروزه با تمام اختلافات مذهبی و علی رغم همه کوشش هایی که در طول تاریخ برای دشمنی و مقابله با اهل بیت و دور کردن مسلمانان از آن بزرگواران و اعمال فشار بر پیروانشان برای جدا شدن از آن بزرگواران به وقوع پیوسته، همگی در محبت اهل بیت پیامبر اکرم ' اتفاق نظر دارد.

(2) بیزاری جستن از دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت [^]

دومین ویژگی حرکت و خط سیاسی اهل بیت [^] بیزاری جستن از دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت [^] می باشد؛ چرا که این امر روی دیگر عملیات سیاسی آن بزرگواران است. واضح است که تنها محبت

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و ولایت اهل بیت [^] و ایمان به آن بزرگواران برای مشخص کردن خط سیر سیاسی جماعت صالح کافی نبوده، بلکه به ناچار باید پای بندی به رویه و سیاست بیزاری جستن و دشمنی با دشمنان خدا، اسلام و اهل بیت [^] را نیز به این امر ضمیمه نمود.

از همین رهگذر است که موضع معروف اهل بیت [^] در دشمنی با ظالمان و تحریم هر گونه کمک و یاری نسبت به آنان، همچنین ضرورت مقاومت در برابر آنان با راهها و وسایل مختلف به دور از منفعت طلبی های شخصی و مصلحت اندیشی های محدود آشکار می گردد.

این خط سیاسی در عین حال، راهکار اصولی و عملی روابط جماعت صالح با دستگاه های منحرف و ظالم حکومتی را نیز مشخص می نماید که در دو خط اساسی نمود پیدا می کند:

1. خط مقاومت منفی و مدنی که پایین ترین حد مواضع سیاسی در برابر این گونه دستگاه ها می باشد.

2. خط مقاومت جهادی که به معنی قیام به فعالیت های مختلف و کارهای سیاسی و تبلیغاتی و نظامی مصلحانه ای بود که دارای مضامین ایثار گرانه و فداکارانه بود.

هر کدام از این دو خط اساسی در پرتو شناخت شرایط جماعت صالح، امکانات و توانایی های آن از یک سو، همچنین در پرتو تشخیص میزان انحراف و ستمی که حکومت در برابر مردم و اسلام

روا می‌دارد از جهت دوم، و سطح تأثیر و تغییری که ممکن است این گونه فعالیت‌ها در میان امت داشته باشند از سومین جهت، مشخص و معین می‌گردید.

البته این موضع سیاسی، یعنی بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت [^] نیز از این اصل اساسی که بغض و دشمنی با اهل بیت [^] عین کفر به حساب می‌آید، سرچشمه گرفته است؛ چرا که بغض اهل بیت [^] خلاف نص صریح قرآن بوده و در چندین روایت بدین نکته اشاره شده که دشمنی و بغض با اهل بیت مساوی با کفر است.

(3) موازنه در مصالح و اولویتهای

سومین رکنی که در خط سیاسی اهل بیت [^] به چشم می‌خورد این است که تحرک سیاسی همواره باید بر اساس موازنه‌ای استوار باشد که مصالح والای اسلام و امت اسلامی را بر مصلحت خاص جماعت صالحان ترجیح داده و دسته بندی خاصی برای اولویت بندی این مصلحت‌ها داشته باشد.⁽¹⁾ چرا که مصلحت امت اسلام و عقیده اسلامی بر مصالح و منافع خاص جماعت صالح مقدم و بلکه این مصالح مطلقاً بر همه مصالح دیگر تقدم دارد.

چنین برداشتی از این خط سیاسی، یکی از ابعاد اصل تقیّه در نزد اهل بیت [^] را آشکار می‌نماید. تقیّه به معنی تقیّد و التزام به کوتاه آمدن

1. در باب دوم از همین کتاب، همچنین در کتابی که به نام الوحده الإسلامیه من منظور الثقلین نوشته ایم، ص 119 - 129 به این اولویت‌ها اشاره کرده ایم.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

در فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های خاص جماعت صالح البته به میزانی که باعث حفظ مصالح کلی مسلمانان و وحدت آنان گردد می‌باشد، به گونه‌ای که فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌ها به صورت مقید و در چارچوب این مصالح انجام شود. مضافاً به این مسئله، ترس از قلع و قمع و کشتار حکومت‌ها نیز مزید بر علت شده و ما این مسئله را در بحث نظام امنیتی جماعت صالح در بحث تقیّه بیشتر توضیح خواهیم داد.

این گونه رفتار از صدر اسلام تا کنون، پدیده‌ای منحصر به فرد در تاریخ جماعت صالح بوده است، چه اینکه در مواضع امام علی \times در رابطه با خلفای سقیفه این مطلب به خوبی مشاهده می‌شود؛ آن جا که آن حضرت حداقل به این امر معتقد بود که وی از لحاظ خلافت از آنان سزاوارتر است چنان که در خطبه‌ای که به *خطبه شقشقیه* معروف شده است و سایر موارد، به این موضوع تصریح نموده، اما در عین حال به این خط سیاسی ملتزم شده و در این رابطه فرموده است:

وَاللّٰهُ لَأَسْلَمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً⁽¹⁾

و سوگند به خدا که به آنچه انجام داده اید گردن خواهم نهاد، تا هنگامی که اوضاع مسلمانان رو به راه باشد و از هم پاشیده نشود و من تنها ستم دیده در میان شما باشم.

علاوه بر این می‌بینیم که حضرت علی \times به خاطر مصالح عام اسلام، همواره با حرکت‌های سیاسی کلی خلفا همراه و همگام بوده، هیچگاه از خیرخواهی، مشورت و تأیید آنها کوتاهی نمی‌کرد.

همچنین است موضع‌گیری حضرت امام حسن \times در صلح و ترک مخاصمه با معاویه تا بدین ترتیب از قوت و قدرت دولت و حکومت اسلامی حفاظت نموده، خون مسلمانان را حفظ کرده و از کشته شدن مؤمنان صالح جلوگیری نماید. به علاوه که این کار باعث حفظ و بقای جماعت صالح گردید. علی‌رغم این که تربیت شخصی و خصوصیات ذاتی حضرت امام حسن با این امر منافات داشته، همواره روحیات و کرامات انسانی و بزرگ منشی در آن حضرت موجود بوده و آن حضرت با اخلاق ستم‌ناپذیری و مقاومت در برابر ظلم و جور پرورش یافته بود. تعداد زیادی از اصحاب و یاران با وفای آن حضرت نیز به ایشان پیشنهاد می‌کردند تا به مقابله و رویارویی مستقیم با معاویه پرداخته و به معرکه‌ای شهادت طلبانه با معاویه وارد شود؛ همان کاری که برادرش حضرت امام حسین \times در برابر یزید به انجام رساند.

همچنین می‌توان سومین اثر این خط سیاسی را در رفتار بقیه ائمه اهل بیت ^۸ همچون امام صادق \times امام کاظم \times امام رضا \times که هر کدام در زمان خود فرصت‌هایی برای ایجاد یک حرکت سیاسی فعال بر ضد حکومت منحرف زمان خود داشتند، اما هیچگاه اقدام به این نوع خاص از فعالیت سیاسی نکردند، به وضوح ملاحظه نمود؛ چرا که

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

آنان به این درک و فهم از واقعیت سیاسی جامعه خود رسیده و به این نوع گرایش سیاسی ملتزم شده بودند.

و چنین است موضع گیری‌های پیروان ائمه مانند دانشمندان اسلام به ویژه در دوران ما که می‌بینیم موضع علمای پیرو اهل بیت [^] در برابر دولت عثمانی که مورد هجوم حملات صلیبیان غربی قرار گرفته بود، چگونه بوده است، یا موضع آنان در برابر مسائل معاصر جهان اسلام چگونه است، آن جا که دانشمندان پیرو اهل بیت [^] همگی برای دفاع از دولت عثمانی به پا خاستند، که حتی در حق آنها ستم نیز می‌کرد و در بسیاری از فعالیت‌ها و التزامات منحرف بود، و تنها به این دلیل که این دولت پرچم اسلام را برافراشته و نماینده مسلمانان در برابر کفر بود به یاری این حکومت شتافتند.

(4) وحدت جامعه اسلامی

چهارمین نکته‌ای که از بررسی روایات این باب به دست می‌آید، مسئله حفظ بنیة جامعه اسلامی و روابط اجتماعی قوی است که باید در میان مسلمانان روز به روز بیشتر شود؛ روابطی چون دوستی، عشق و احترام متقابل با بقیه مسلمانان به گونه‌ای که وحدت جامعه اسلامی حفظ شود و وحدت و یکپارچگی در میان افراد امت اسلامی ایجاد گردد.

می‌توان نشانه‌های این خط سیاسی ثابت را در روایاتی که از اهل بیت [^] وارد شده و بر این نکته تأکید دارد که پیروانشان همواره به این جنبه در همه تحرکات سیاسی و اجتماعی خود اهتمام بورزند، یافت و می‌توان نکاتی که به این امر اشاره دارد در امور ذیل خلاصه نمود:

1. جماعت صالح می‌بایست همواره با بقیه اجزای امت اسلامی همزیستی مسالمت آمیز و آمیزش داشته باشد، به گونه‌ای که این پیکره یکپارچه به صورتی متحد در آید. آنان به هیچ وجه بر جماعت صالحان که پیرو ایشان بودند، جایز نمی‌دانستند که از سایر مسلمانان جدا شده، به حالت گوشه‌گیری و انزوا از بقیه جامعه زندگی کنند که جماعت صالح همواره نیازمند به مردم و تبادل خدمات میان آنان بوده است.

در روایت صحیح از مرزم آمده است که گفت: حضرت امام صادق × فرموده است:

همانا که شما به مردم نیازمند هستید هیچ کس در طول زندگی خود از مردم بی نیاز نیست و مردم همواره به یکدیگر نیازمند هستند.⁽¹⁾

همچنین از حذیفه بن منصور روایت شده است که گفت: از حضرت امام صادق × شنیدم که می‌فرمود:

هر کس دست از یاری مردم بازپس کشد، یک دست از یاری مردم بازپس کشیده، اما دستان بسیاری از یاری وی بازپس کشیده خواهد شد.⁽²⁾

2. از همین روست که ملاحظه می‌کنیم یکی از کارهای اساسی که دشمنان برای مبارزه با این جماعت صالح انجام داده‌اند، تلاش برای جدا کردن این

1. کلینی، الکافی 2 / 635 ح 1.

2. کلینی، الکافی 2 / 643 ح 6.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

گروه از کلیت جامعه اسلامی بوده که این امر را در موضوع گذشته که درمان فشارهای روحی نام داشت به خوبی بیان کردیم.

دومین قضیه، مسئله التزام به آداب معاشرت و روابط اجتماعی کلی اسلامی است که اسلام از طریق آن سعی دارد پایه‌های اجتماع را محکم کرده و بخش‌های مختلف جامعه را به هم نزدیک نماید؛ کارهایی مانند عیادت از بیماران، حضور در مراسم تشییع جنازه و اهمیت دادن به جنبه‌های عاطفی و وجدانی.

هشام کندی از حضرت امام صادق \times شنیده که فرمود:

از انجام دادن کارهایی که باعث عیب جویی مردم نسبت به ما اهل بیت [^] شود بپرهیزید، چرا که اگر فرزندی کار بد انجام دهد مردم پدرش را ملامت و سرزنش می‌کنند، بنابراین شما نیز برای کسانی که از آن‌ها ریشه گرفته و منشعب شده‌اید، باعث زینت و آبرو و افتخار باشید نه مایه سرزنش و آبروریزی.

در عشیره‌های آنها نماز بگذارید،⁽¹⁾ بیماران آنان را عیادت کنید، در مراسم تشییع جنازه‌شان شرکت نمایید و نگذارید دیگران در هیچ یک از امور خیر بر شما سبقت بگیرند؛ چرا که شما به انجام کار خیر از دیگران

1. یا «با افراد عشیره‌های آنان پیوند برقرار نمایید». در دو مورد از روایات همین کتاب عبارت به صورت «صلوا عشاترکم» آمده است - مترجم.

سزاوارتر هستید، به خدا سوگند که خداوند به عملی همچون پنهان کاری عبادت نشده است.⁽¹⁾

از آن حضرت پرسیدم پنهان کاری چیست؟

آن حضرت فرمود: تقیّه است.

3. التزام به عهد و پیمان و عقود تجاری در برابر سایر اقشار جامعه اسلامی؛ چرا که این گونه پای بندی‌ها، پایه‌های اخلاقی و قانونی قوی را شکل می‌دهد که همه این روابط بر آن متمرکز شده و قواعد و ضوابط خود را باز می‌یابد.

از حضرت امیرالمؤمنین × روایت شده است که فرمود:

عهد و پیمان همچون قلاده‌هایی تا روز قیامت بر گردن انسان باقی خواهد ماند، پس هر کس به عهد و پیمان خود وفا کند خداوند متعال نیز او را گرامی خواهد داشت، اما هر کس پیمان شکنی نماید خداوند متعال او را خوار و ذلیل خواهد نمود، و هر کس عهد و پیمان خود را سبک بشمارد آن عهد و پیمان در روز قیامت به نزد خداوندی که آن را محکم و استوار کرده و از بندگان خود برای حفظ و نگهداری آن پیمان گرفته است، شکایت خواهد برد.⁽²⁾

و باز از همان حضرت روایت شده است که فرمود:

1. حر عاملی، وسائل الشیعه 11 / 471.

2. آمدی، غررالحکم / فصل 9، 247.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

هیچگاه به عهد و پیمان خود خیانت نکن، تعهد خویش را پست نشمار و هیچ گاه حتی با دشمن خود نیز به اعمال ناجوانمردانه متوسل نشو که خداوند سبحان عهد و پیمان را به عنوان محل امن خود قرار داده است.⁽¹⁾

4. التزام به رفتار فردی و اجتماعی عالی در میان مردم به گونه‌ای که افراد جماعت صالحان به صورت الگوی سایر مردمان در آیند و نقش تأثیر گذاری در هدایت و انسجام جامعه داشته باشند.

در روایت صحیح از ابواسامه، زید شحّام نقل شده است که حضرت امام صادق × به من فرمودند:

سلام مرا به همه کسانی که می‌دانی خود را پیرو من می‌دانند و کلام مرا می‌پذیرند برسان. شما را به تقوای الهی، پرهیزگاری در دین، سخت کوشی برای خدا، راستگویی، ادای امانت نسبت به کسی که شما را امین بر آن قرار داده خواه نیکوکار باشد یا فاسق، سفارش و توصیه می‌کنم؛ چرا که رسول خدا ' برای تبلیغ همین امور مبعوث گردیده است.

امانت را به صاحب آن که شما را بر آن امین قرار داده باز پس دهید چه نیکوکار باشد یا فاجر، که رسول خدا ' مردمان را به پس دادن امانت حتی به اندازه یک نخ یا سوزن فرمان می‌داد.

با خاندان و خویشاوندان خود ارتباط برقرار کنید، در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، بیمارانشان را عیادت کنید، حقوق آنان را ادا نمایید؛ چرا که هرگاه یکی از

شما در امور دینی خویش پرهیزگار بوده، راستگویی و امانت پیشه خود ساخته و با اخلاق خوب با مردم برخورد کند، مردم خواهند گفت: این یک جعفری است و من از این قضیه شادمان خواهم گردید و شادی افتخار آن از آن من خواهد بود چرا که گفته خواهد شد: این نتیجه تربیت جعفر بن محمد است. اما اگر رفتار آنان غیر از این باشد تنگ و ناراحتی آن بر من وارد خواهد گردید که باز خواهند گفت: این نتیجه تربیت جعفر بن محمد است.

به خدا سوگند که پدرم × بر من روایت کرد که: در گذشته چنین بود که اگر مردی از شیعیان علی × در قبیله‌ای بود، زینت آن قبیله به حساب می‌آمد. وی امانت‌دارترین، راستگوترین و بهترین شخص در میان آنان برای ادای حقوق مردم بود. آنان وصیت‌ها و امانت‌های خود را در نزد او می‌سپردند و اگر از آن عشیره در باره او می‌پرسیدی، پاسخ می‌دادند که چه کسی مانند فلانی است؟! او امین‌ترین و راستگوترین ما است.⁽¹⁾

و از حبيب خثعمی نقل شده است که از حضرت امام صادق × شنیدم که فرمود:

بر شما باد پرهیزگاری و سختکوشی، در مراسم تشییع جنازه حاضر شوید، به عیادت بیماران بروید، با قوم خود در مساجدتان حضور پیدا کنید، برای مردم آنچه را بیسندید و دوست بدارید که برای خود می‌پسندید.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

آیا مردی از میان شما که همسایه‌اش حق او را می‌شناسد و رعایت می‌کند اما او حق همسایه خود را رعایت نمی‌کند نباید حیا کند و خجالت بکشد؟⁽¹⁾

(5) نقش امت در تغییر سیاست

پنجمین نکته، تأکید بر نقش امت در فرآیند تغییر اوضاع سیاسی است، چه در مقام عمل و مشارکت در ایجاد فرآیند تغییر گسترده، و چه در ایفای نقش نظارت بر سیر این فرآیند و تحقق آثار و نتایج آن. این مسئله از دیدگاه اهل بیت [^] نسبت به امت و نقش آن در حیات سیاسی جامعه به عنوان امری ثابت و لازم نشأت می‌گیرد. در این دیدگاه، امت ابزار فرآیند تغییر است پس به ناچار باید خود امت آماده شده و از لحاظ روحی و نفسی تغییر کرده باشد تا بتواند قادر بر تغییر اوضاع جامعه خود باشد.

اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که همین امت در عین حال خود، موضوع عملیات تغییر و هدف آن است، و مقصود اصلی از این فرآیند، هدایت همین امت به سمت خداوند متعال و صراط مستقیمی است که به سوی کمالات الهی منتهی می‌گردد.

اگر نقاط ذیل را به روشنی مورد بررسی قرار دهیم، می‌توانیم این دیدگاه را از میان کلمات ائمه [^] دریابیم:

الف - باوجود این که دیدگاه اهل بیت [^] در رابطه با امامت مسلمانان بر این اساس استوار است که امامت منصبی الهی است و تعیین امام

1. کلینی، الکافی 2 / 635 ح 3.

با نص و تصریح از جانب پیامبر اکرم ' یا امام قبلی نسبت به امام بعدی صورت می‌گیرد، اما در عین حال می‌بینیم، پس از این که به واسطه شرایط سیاسی که مسلمانان بعد از وفات پیامبر اکرم ' با آن روبرو شدند، از این منصب الهی دور گردیدند؛ رفتار عملی اهل بیت [^] در مسئله امامت تأکید بیشتری بر نقش امت در این مسئله دارد، آن جا که می‌بینیم به خلافت رسیدن حضرت علی \times با انتخاب مستقیم عموم مسلمانان موجود در مدینه منوره صورت پذیرفته است در حالی که خلافت ابوبکر - در خوش بینانه‌ترین دیدگاه - به انتخاب افرادی که در سقیفه بنی ساعده جمع شده بودند، به وقوع پیوسته و خلافت عمر نیز با تعیین ابوبکر و سکوت بقیه مسلمانان ایجاد شده، همچنین خلافت عثمان با انتخاب چهار نفر از شش نفری که عمر آنان را برای انتخاب خلیفه تعیین کرده بوده، انجام پذیرفته و در هیچ کدام از این سه مورد به رأی سایر مسلمانان در این زمینه مراجعه نشده است.⁽¹⁾

1. اکنون در صدد آن نیستیم که صحت یا عدم صحت این انتخاب‌ها را به نقد و بررسی بنشینیم لکن می‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که حضرت علی \times تنها پس از این اتفاق نظر مستقیم مردمی بود که خلافت را قبول کرد؛ اتفاق نظری که خود آن حضرت در خطبه ششگانه این گونه به آن اشاره دارد. «فما راعنی إلاّ و التّاس کعرف الضّعیق ینتالون علی من کلّ جانب حتی لقد وطی الحسنان و شقّ عطفای مجتمعیّن حولی کریبضة الغنم فلما نهضت بالأمر نکنت طائفة و مرقت آخری و قسط آخرون...» روز بیعت فراوانی مردم چون بال‌های پریش کفتار بود، آنها از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آنجا که نزدیک بود حسن و حسین ' لگدمال گردند. (بعضی از شارحان نهج البلاغه مانند ابن ابی الحدید معتزلی حسنان را به معنی دو انگشت شصت پا دانسته‌اند) و ردای من از دو طرف شکافته شد. مردم

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

درباره سایر خلفای اموی و عباسی نیز به همین ترتیب بوده و امت به طور کلی از انتخاب مستقیم و یا حتی مورد مشورت فرار گرفتن در تعیین نظام حکومتی محروم بوده است.

و این کاملاً برعکس شعاری بود که اصحاب مکتب شورا در مقابل اصحاب مکتب نص برافراشته بودند. گویا آن‌ها این شعار را فقط برای مقابله با نصی که بر خلافت حضرت علی \times و فرزندانش [^] از پیامبر اکرم ' موجود بوده، سر داده‌اند بدون این که هیچگاه در خارج واقع شده باشد. و ملاحظه می‌کنیم که پیشوایان اهل بیت [^] همواره در موضع گیری‌های کلی سیاسی، رأی و نظر امت را جویا شده و برای آن اعتبار قائل بوده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به موضع حضرت علی \times در قضیه حکمیت بعد از جنگ صفین اشاره نمود که علی رغم عدم اعتقاد آن حضرت به صحت این موضع گیری، در تصمیم گیری کلی برای سپاهیان خود به آن استناد کرده است، چه این که در سخنانی که در برابر خوارج بیان کرده نیز به همین مطلب اشاره کرده است.⁽¹⁾

همچنین است موضع حضرت امام حسن \times در صلح و آتش بس با معاویه، همچنین پذیرش قیام و نهضت بر ضد یزید از سوی حضرت

چون گله های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. اما آنگاه که به پا خاستم و حکومت را در دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند، گروهی از اطاعت من سر بتزده و دسته ای از پیروی حق روی برتافتند. (نهج البلاغه / خطبه 3).

1. نهج البلاغه / خطبه 127، از کلام آن حضرت: «إنما إجتمع أمرکم علی إختيار رجلین» تا پایان خطبه.

امام حسین \times که پس از اطمینان از اجماع و اتفاق نظر مردم عراق بر این کار صورت گرفته، و موضع گیری‌های دیگر.

ب - رویکرد باز به موضع گیری‌های سیاسی که مبتنی بر چند جانبه گرای سیاسی و احترام به رأی مخالف است، حتی اگر رأی مخالف باطل و بدون هیچ گونه توجیهی شرعی یا عملی باشد.

می‌توان نمونه این سیاست را به صورت آشکار در موضع گیری‌های کلی حضرت علی \times مشاهده نمود: آن جا که هیچگاه در برابر مخالفان سیاسی خود مادام که دست به سلاح و یا زور و یا رویارویی سیاسی نبرده باشند متوسل به زور و اقدامات قهریه نمی‌گردید. ما می‌توانیم این گونه موضع گیری را به صورت آشکار در موضع آن حضرت در برابر طلحه و زبیر و یا حرکت خوارج بعد از غوغای حکمیت ببینیم: آن جا که این افراد از جامعه جدا شده و به وظایف کلی خود در برابر جامعه عمل نمی‌کردند، نیز موضع گیری آن حضرت در برابر بسیاری از اشخاصی که به حکومت آن حضرت اعتراض داشته یا به انواع فعالیت‌های سیاسی مخالفت آمیز می‌پرداختند.

ج - شیوه‌ای که اهل بیت [^] برای انتخاب قاضی و مرجع فتوا انتخاب کردند - که در بخش اول این بحث نیز بدان اشاره کردیم - رویه‌ای که پس از آن به نظام مرجعیت منتهی گردید و در این نظام، انتخاب مرجع از طریق انتخابات طبیعی و مستقیم امت و از طریق ایمان به وجود ویژگی‌های مطلوب در وی انجام شده و فرآیند انتخاب مرجع

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و آشنایی با او در میان امت به صورت تدریجی انجام شده، یک شخص به صورت تدریجی به عنوان مرجع عام در می آید.

شیوه انتخاب و کلا و نمایندگان مرجع نیز به همین ترتیب از طریق قبول و رضایت تدریجی مردم و شناخت مردم نسبت به آنها امکان پذیر می گردد.

د - اهمیت خاص به عموم مردم مسلمان از ضعیفان، فقیران، مساکین و طبقه پایین جامعه اسلامی همچون افرادی که از نژادهای غیر عرب بوده و یا بردگان و دیگرانی که بدنه و اکثریت جامعه اسلامی را تشکیل می دادند؛ آن جا که در سیره گفتاری و عملی اهل بیت [^] دادن اهمیت خاص به این طبقات و اعتماد بر آنها معروف و مشهور است، تا جایی که بعضی از قریشیان از رفتار حضرت علی \times در برابر افراد غیر عرب و بردگان در عراق شکایت کردند. آنان این دسته افراد را حمراء می نامیدند و به آن حضرت عرض کردند: این جماعت حمراء در نزد تو بر ما برتری یافتند، چرا که آنان اکثریت مسلمانان را تشکیل می دادند و این رفتار امیرالمؤمنین \times نسبت به آنان باعث برانگیخته شدن محبت و مودتی بود که این اقشار و طبقات نسبت به آن حضرت داشتند.

در کلام امیرالمؤمنین \times چنین می یابیم:

سپس خدا را، خدا را در خصوص طبقات محروم و پایین جامعه، که هیچ چاره ای ندارند، [و عبارتند] از: زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان، که در میان افراد این طبقه محروم، گروهی خویشان دار هستند

و گروهی دست نیاز به گدایی بر می‌آورند، پس برای خدا نگاهبان حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است.

بخشی از بیت المال و نیز بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهر به طبقات پایین آن شهر اختصاص ده، زیرا برای دورترین آنها از مرکز حکومت، همانند آنان که به مرکز نزدیک هستند، حقی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت این حق هستی.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذر موجهی برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنها باش، و از آنان روی بر مگردان، و به ویژه به امور کسانی بیشتر رسیدگی کن که از فرط حقارت به چشم نیامده، دیگران کوچکشان می‌شمارند، و افراد مورد اطمینان خود را از میان این دسته انتخاب کن.⁽¹⁾

نقش امت در نظام جماعت صالح

می‌توان نقش امت در نظام کلی جماعت صالح را در امور ذیل خلاصه نمود:

1. انتخاب و تشخیص رهبری اسلامی در عصر غیبت، اما در عصر نبوت و امامت آشکار، این امر با تعیین الهی صورت می‌گرفت؛ ولی در عصر غیبت تعیین رهبری اسلامی که همان مرجع تقلید باشد از جانب خداوند متعال به صورت تعیین شرایط و ویژگی‌های این عنوان کلی صورت می‌گیرد که

1. نهج البلاغه / نامه 53.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

ائمّه [^] به نحو اکمل واجد آن بودند، اما این خود امت است که به تشخیص و تطبیق این عناوین کلی بر افراد و مصادیق خارجی می پردازد.⁽¹⁾

2. انتخاب مجریان امور اداره مدنی جامعه اسلامی، چرا که در حرکت اجتماعی دو جنبه وجود دارد:

اول: جنبه ای که مربوط به پیاده کردن احکام اسلام در حرکت امت و جماعت اسلامی و رساندن جامعه اسلامی به درجه بالای تکامل از طریق پر کردن خلأهای این جنبه با قوانین و تشریحاتی است که ولی امر عهده دار این قسمت می باشد.

دوم: اما جنبه دیگری هم وجود دارد که مربوط به اداره خاص دنیوی است که به امور زندگی مردم مربوط می شود و اختیار آن به دست خود مردم است. این قسمت به منطقه جواز به معنای عام که شامل موارد مستحبات، مکروهات و مباحات می باشد، معروف است و این قسمت از زندگی انسان به خود او واگذار شده تا آن چه را برای آن مناسب می داند، انتخاب کند.

و گاه این جنبه از زندگی اجتماعی نیازمند یک سازماندهی خاص اجتماعی نیز می شود تا از تعارض نهادهای اداره کننده در آن جلوگیری شده و همه مصالح، رغبت ها و امیال مردم برآورده گردد. در این جاست

1. توضیح این جمله از نقش امت را در کتابی که با عنوان «الحکم الاسلامی بین النظرية و التطبيق» تألیف کرده ام، ص 172 - 179 بیان داشته ام.

که مردم در این نوع سازماندهی آزادند تا با توجه به تجربیات خاص خود، و بر حسب رغبت‌ها و مصالح خود آن را اداره کنند.

و از آن جا که نمی‌توان ادارهٔ جامعه را به تک تک افراد واگذار کرد، در اموری که جنبهٔ اجتماعی دارد اختیار و انتخاب سازمان‌های اداره کنندهٔ این امور به دست خود مردم سپرده می‌شود.

این همان چیزی است که در اصطلاحات قانونی، از آن به هیئت دولت یا مجالس قانون گذاری تعبیر می‌شود، البته بر حسب سطح اختیارات و مسئولیت و نوع اداره آنها. ما در بحث از میزان اختیارات ولی امر در جنبهٔ تشریحی بدان اشاره نموده‌ایم.

مشروعیت این اداره نیز یا از ناحیهٔ امضای کلی ولی امر از این عمل و تأیید او و یا از این ناحیه که انتخاب اکثریت رأی و موضع جمیع مسلمانان را مشخص می‌کند و پیروی از آنچه جماعت مسلمانان بر آن متفق شده‌اند، واجب و خروج از آن حرام می‌باشد. چه این که روایت‌های معتبری بر این امر دلالت دارد، از آن جمله از کلام پیغمبر اکرم ' در خطبهٔ حجة الوداع که فرمود:

سه چیز است که دل مرد مسلمان بر آن بسته نخواهد بود: انجام اعمال

خالصانه برای خدا، دلسوزی برای پیشوایان مسلمین و پای بندی و تقید

نسبت به تصمیمات جمعی مسلمان.⁽¹⁾

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

سوم: ارائه مشورت به رهبر اسلامی. این مشورت نمایانگر مصلحت حقیقی رهبری اسلامی و امت اسلام به صورت توأم می باشد، چه اینکه در آن مورد خاص از لحاظ نزدیک شدن به واقعیت امر نیازی به مشورت باشد که در رهبری غیر معصوم چنین است و رهبر غیر معصوم به این مشورت نیازمند است و چه احتیاجی به این مشورت نباشد، مانند رهبر معصوم که همواره شناخت کافی از واقعیت امر دارد. این مصلحت مشترک از جانب رهبری این گونه مجسم می شود که می تواند موجب تأکید و استوار کردن روابط میان رهبر و امت باشد که قرآن کریم نیز در این آیه به آن اشاره دارد:

{فَيَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِن تَأْتَى سَؤْلُهُمْ فَاذِمْ لَهُمْ فَاذِمْ لَهُمْ فَاذِمْ لَهُمْ فَاذِمْ لَهُمْ
حَوْلِكَ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ} (1)

پس به لبرکت رحمت الهی، با آنان نرمخو و پرمهر شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً، از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آرزوی بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

اگر چه حضرت رسول اکرم ' برای فهمیدن موضع گیری صحیح، نیازی به مشورت با مردم نداشته است، اما مشورت آن حضرت با

مردم تأثیر بسیار زیادی در تأکید بر ارتباط روحانی میان امت و رهبر داشته است.

چه این که این مصلحت از جانب امت نیز نمود خاص خود را داشت که مسئولیت پذیر کردن مردم، مشارکت دادن آنها در مسائل خودشان و نزدیک کردن آنها به واقعیت‌های جامعه بوده تا برای رسیدن به حقیقت و اتخاذ موضع صحیح تلاش کنند.

اما در حالت رهبری غیر معصوم، مشورت امت با رهبر، از نقش حقیقی خود در مشارکت برای رسیدن به حقیقت و اتخاذ موضع صحیح برخوردار است. به همین جهت است که دین و متون قرآنی به این امر دلالت دارد، مانند قول خداوند متعال:

{وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ} (1)

و کارشان در میانشان با مشورت انجام می‌شود.

همچنین روایات و سنت شریف نیز بر اهمیت نقش مشورت در زندگی فردی و اجتماعی انسان دلالت دارد که این موضوع را به صورت مفصل در کتاب خود به نام الحکم الاسلامی بین النظریة و التطبيق بیان داشته‌ایم.⁽²⁾

چهارم: نظارت بر حسن اجرای اموری که رهبری و یا ادارات اجرایی منتخب از سوی امت به انجام آنها می‌پردازند. این نظارت دارای دو جنبه است:

1. شوری / 38.

2. راک همان کتاب، فصل «نظام الشوری نظام اصیل» / 113 - 137.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

یک: نظارت و بازرسی بر باقی ماندن رهبر و یا نهادهای اجرایی بر صفات و ویژگی‌های مطلوبی که از لحاظ دانش و تقوا و حسن اداره امور در آنها شرط شده است، و میزان مطابقت آن چه در عمل انجام می‌دهند با این صفات و ویژگی‌ها.

دوم: نظارت بر حسن اجرای امور و مطابقت با احکام شرعی کلی در رهبر و نظارت بر میزان مطابقت اموری که توسط نهادهای اداری و اجرایی انجام می‌شود با خواسته‌ها و مصالح ملت و جماعت در نظام اداری.

ادله بسیاری بر این نقش امت اسلامی وارد شده که ما در بیان روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر آنها را بیان داشته‌ایم؛ مانند روایتی که از حضرت امام حسین \times از جد بزرگوارشان پیغمبر اکرم ['] روایت شده است که فرمود:

هر کس پادشاهی ظالم را ببیند که حرام خدا را حلال می‌شمارد، عهد و پیمان خدا را تقض کرده، با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده و در میان بندگان خدا به گناه و تجاوز عمل می‌نماید، آنگاه، با گفتار و کردار خود بر وی برنیاشوبد، بر خداوند متعال است که او را [در آخرت] به جایگاه همان ظالم داخل کند.⁽¹⁾

امت نیز می‌تواند این نظارت را یا به صورت مستقیم و یا از طریق مؤسسات قانونی و یا از طریق مؤسسات اجتماعی مدنی، مانند مطبوعات، احزاب و غیره به انجام برساند؛ نهادهایی که بتواند آزادی ابراز عقیده و نظر را به امت اعطا نماید.

1. مقتل الحسين 7 / 184 - 185 به نقل از تاریخ طبری 4 / 104 با اندک اختلاف.

پنجم: پای بندی و تقید امت به پشتیبانی، یاری و پیروی مخلصانه از رهبری. این جنبه از نقش امت را می‌توان در روایات و نصوصی که در وجوب اطاعت از رهبری وارد شده است، پیدا کرد، مانند آیه کریمه قرآن که می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا }⁽¹⁾

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام‌تر است.

همچنین روایاتی که درباره وجوب بیعت و معرفت امام وارد شده است، مانند این دو روایت:

من مات و لم یعرف إمام زمانه مات میتةً جاهلیة.

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

و: من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتةً جاهلیة.⁽²⁾

هر کس بمیرد و در گردن او بیعتی نباشد به مرگ جاهلیت مرده است.

1. نساء / 59.

2. قبلاً سند این دو روایت در پاورقی های همین کتاب ذکر شده است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

یا روایاتی که در باب وجوب نصیحت یا دلسوزی برای ائمه و پیشوایان مسلمین آمده است، مانند روایت معتبری که در چند صفحه گذشته نقل کردیم و از خطبه حضرت رسول اکرم ' در حجة الوداع بود که فرمود:

سه چیز است که دل مرد مسلمان بر آن بسته نخواهد بود: انجام اعمال خالصانه برای خدا، دلسوزی برای پیشوایان مسلمین و پای بندی و تقید نسبت به تصمیمات جمعی مسلمانان.⁽¹⁾

(6) تقید به ضوابط و معیارها

ششمین خاستگاه حرکت سیاسی ائمه [^] تأکید بر لزوم تقید به معیارها و ضوابط اسلامی در فرآیند سازندگی و تحول است؛ معیارهایی که می توان از طریق آنها ویژگی های این تحول و میزان پیشرفت این فرآیند را کنترل کرد. قرآن کریم نیز بر مجموعه ای از ویژگی ها و صفات کمالی حقیقی تأکید کرده و آنها را به عنوان معیارهای برتری مطرح نموده است.

و از آنجا که مطابق آیه شریف:

{وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَفِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ} ⁽²⁾

1. کلینی، الکافی 1 / 403 - 404، ح 1 و 2.

2. نور / 39.

و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه، آن را آب می‌پندارد، تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زود شمار است.

ایمان به خداوند و هدایت یافتگی، اساس همه این ویژگی‌ها را تشکیل می‌دهد، و بدون ایمان هیچ یک از اعمال و صفات انسان چیزی به حساب نمی‌آید، می‌توان با جدا کردن ایمان به عنوان یک ویژگی اساسی، سایر این ویژگی‌ها را جدای از ایمان در امور ذیل خلاصه کرد:

1. تقوا و پرهیز از محرّمات الهی؛ آنجا که قرآن کریم - چنان که قبلاً نیز اشاره کردیم - بر نقش این عامل در فرآیند ایجاد تحول تأکید کرده است، چه اینکه بر نقش این ویژگی در برتری افراد نسبت به یکدیگر نیز تأکید نموده است:

{إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ} (1)

در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

2. دانش و معرفت خداوند و آشنایی با حقایق هستی، دین، وحی الهی، شریعت اسلامی و حدود الهی؛ آنجا که می‌یابیم موضوع علم و دانش در مکتب اهل بیت [^] و پیروان آنها، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و همه آنها در پرتو اهمیتی است که قرآن کریم برای علم و دانش قائل گردیده و در این آیات شریفه:

{هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} (1)

و: {يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ} (2)

نیز بدان اشاره شده است.

ج - جهاد، فداکاری، بذل مال، انفاق و احسان در راه خدا؛ آنجا که تکامل و رسیدن به اهداف مورد نظر، جز از راه تحمل رنجها، مصیبتها، سختیها، از خود گذشتگی و ایثار برای جامعه بشری میسر نخواهد گشت. قرآن کریم نیز این گونه بر این حقیقت مهر تأیید می زند که:

{أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبِأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ} (3)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و

1. زمر / 9. آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

2. مجادله / 11، خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند.

3. آل عمران / 214.

کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: پیروزی خدا کی خواهد بود؟
هشدار، که پیروزی خدا نزدیک است.

چه اینکه قرآن کریم، جهاد کردن در راه خداوند را به عنوان یک
صفت ثابت و حقیقی با آثار و مضامین ماندگار، یکی از ملاک‌های
برتری افراد نسبت به یکدیگر دانسته است:

{وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا} (1)

و خداوند مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.

4. آزادی واقعی که در اراده و استقلال انسان در انتخاب به دور از
عوامل تأثیرگذار داخلی همچون شهوات، امیال و خواسته‌های نفسانی
و خارجی همچون ترس از ستمگران، اوهام و خرافات، تجلی
می‌نماید؛ بدان سان که انسان در انتخاب راهی که به عقل وی درست
می‌آید آزاد باشد.

این آزادی واقعی، یکی از صفات واقعی انسان و جامعه انسانی است
که اسباب برتری دارندگان این ویژگی بر دیگران است؛ قرآن کریم
فرماید:

{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ مِّنْ رَّزْقَانِهِ مِثْرًا رَّزْقًا حَسَنًا
فَهُوَ يَنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ} (2)

1. نساء / 95.

2. نحل / 75.

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

و خدا مثلی می‌زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد، هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟.

5. دیدگاه مساوات و عدالت در میان همه مردم، و اعتقاد به این اصل که همه مردم در اصل و ریشه با هم برابر بوده، وظایف، حقوق و مسئولیت‌هایی یکسان دارند و در این زمینه تفاوتی از لحاظ رنگ، خون، قومیت، خویشاوندی و... میان آنها نیست. تنها از طریق عمل و فعالیت متعهدانه است که امتیاز و اختلاف درجه میان انسان‌ها به وجود می‌آید - که در نکات قبل هم اشاره‌ای به این مطلب داشتیم - خداوند متعال می‌فرماید:

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ }⁽¹⁾

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

این امور، چارچوب و ابعاد دیدگاهی را تشکیل می‌دهد که تئوری تحول اجتماعی اهل بیت [^] بر آن متکی بوده و به عنوان

سازوکارهای سیاسی جماعت صالحان

خط مشی ثابت سیاست آن بزرگواران در برابر جامعه و تلاش ایشان در راه ساختن جماعت صالح و الگو قرار دادن آن برای تحول و پیشرفت واقعی جامعه به شمار می‌رود.

البته پیشرفت در دانش‌های طبیعی و امور مدنی در تحول و کارآمدی بیشتر شیوه‌ها و وسایل زندگی و آسان کردن آنها برای بشر، به میزان تأثیری که در تحقق این موازین داشته و سهمی که در مؤثر واقع شدن آنها دارند، در دیدگاه ائمه^ع از اهمیت برخوردار هستند، همان گونه که گاه ممکن است تحول و پیشرفت علوم طبیعی و مدنی نیز به واسطه همین موازین و وامدار آن باشند.

فهرست

سازوکارهای عملی جماعت صالحان

پیش درآمد - 7

1. مرجعیت دینی - 9

[1] نظام مرجعیت دینی - 17

[2] شرایط و ویژگی ها - 18

[3] وظایف و مسئولیت ها - 26

1. افتا - 26

2. قضاوت - 35

3. ولایت - 44

2. ویژگیهای هویتی جماعت صالحان - 49

[1] ابعاد هویت - 52

(1) اسلام - 52

(2) ریشه تاریخی - 53

(3) ولایت اهل بیت [^] - 53

(4) فطری بودن - 54

[2] ویژگی های هویت - 54

(1) نام - 54

نقش اهل بیت [^] در بنیان گذاری جماعت صالحان 3.

(2) ریشه - 56

(3) صفات - 58

(4) وابستگی - 63

(5) مقام و جایگاه - 66

3. روابط داخلی و خارجی - 71

[1] رابطه میان جماعت صالحان و مرجع - 73

چگونگی ارتباط - 78

1- ارتباط مستقیم - 78

2- نظام وکلا - 83

[2] روابط داخلی جماعت صالحان - 87

(1) محتوای روابط - 88

(2) حقوق روابط - 91

(3) شکل روابط - 94

[3] روابط خارجی جماعت صالحان با دیگر گروه ها - 96

4. سازوکارهای سیاسی جماعت صالحان - 107

زمینه بحث - 109

[1] گرایش‌های عام سیاسی در عصر ائمه [^] - 111

(1) گرایش‌های سیاسی قدرت طلب - 111

(2) گرایش هرج و مرج طلبانه - 115

- (3) گرایش نفاق آلود - 117
- (4) گرایش اصلاح طلبانه - 118
- (5) گرایش تغییری - 119
- [2] خاستگاه ها و خطوط سیاسی - 120
- (1) ولایت اهل بیت [^] - 120
- (2) بیزاری جستن از دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت [^] - 127
- (3) موازنه در مصالح و اولویّت ها - 129
- (4) وحدت جامعه اسلامی - 132
- (5) نقش امت در تغییر سیاست - 138
- (6) تقید به ضوابط و معیارها - 150